



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درآمد کمی بر جایگاه مسجد

در تمدن اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# در آمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

نویسنده:

عباس برومند اعلم

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه ناشر
۹	مقدمه
۱۰	تعاریف
۱۰	مسجد
۱۰	بررسی لغوی واژه مسجد
۱۱	بررسی اصطلاحی واژه مسجد
۱۲	تمدن اسلامی
۱۲	بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی
۱۲	بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی
۱۳	مسجد در صدر اسلام
۱۳	اشاره
۱۳	جایگاه مسجد در قرآن و سنت
۱۳	توضیح
۱۴	مسجد در آیات الهی
۱۶	مسجد در احادیث و روایات
۱۷	مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه
۱۷	قسمت اول
۱۹	قسمت دوم
۲۱	چگونگی تاسیس مسجد در مدینه
۲۱	اشاره

۲۱	مسجد قبا
۲۲	ورود به مدینه و مأموریت ناقه
۲۳	مشارکت عمومی در ساخت مسجد
۲۴	طرح بنای مسجد
۲۵	کارکردهای مسجد در صدر اسلام
۲۵	توضیح
۲۶	کارکرد دینی و تبلیغی
۲۸	کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی
۳۰	کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی
۳۰	کارکرد سیاسی
۳۱	۱- درالحکومه
۳۱	۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت
۳۲	۳- مجلس مشورتی
۳۲	۴- محل صدور فرمانهای حکومتی
۳۲	۵- محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران
۳۳	۶- محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی
۳۳	۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران
۳۴	۸- محل انتشار اخبار مهم
۳۶	تحول ساختاری در کارکردهای مسجد در دوره میانه تاریخ اسلام
۳۷	اشاره
۳۷	سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن
۴۰	تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن
۴۱	اثرات جریان صفیه و خانقاه در کارکرد مساجد
۴۳	مسجد مهد هنر معماری اسلامی

۴۳	قسمت اول
۴۵	قسمت دوم
۴۸	سخن آخر
۴۸	پی نوشتها
۴۹	۱ تا ۸۰
۴۹	۸۱ تا ۱۷۷
۵۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی

### مشخصات کتاب

سرشناسه: برومند اعلم عباس عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی عباس برومنداعلم مشخصات نشر: تهران ستاد اقامه نماز ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: [۱۴۳] ص فروست: ستاد اقامه نماز؛ ۱۳۵. آثار برگزیده سومین مسابقه جوانان نویسنده و نویسندگان جوان ۱. شابک: ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۳۰۹-۱۷-۱ یادداشت: چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز، ۳۸۰(فروست). یادداشت: کتابنامه ص [۱۴۲ - ۱۴۳]؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان دیگر: جایگاه مسجد در تمدن اسلامی موضوع: مسجد ها شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز رده بندی کنگره: ۱۳۸۰ BP۲۶۱/ب ۴د۴ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۱۰۴۷

### مقدمه ناشر

نماز میدان فراخ و عرصه‌ی پهنآوری است که روح و اندیشه انسان در آن وسعت می‌یابد و به گستردگی آن فرصت پرواز پیدا می‌کند. نماز به عنوان تجلی نهاد عبادی دین و نمود بندگی انسان مسلمان، در عصرهای مختلف میان نسلهای مسلمانان با قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و جغرافیای متفاوت، پدید آور عالی‌ترین و فاخرترین نمونه‌های فرهنگی، هنری و معماری بوده است که خود بستر ظهور ماندگارترین حرکت‌های اصیل اسلامی، انسانی در حوزه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد شده است. با آن که در دورانهای مختلف، گرایش‌ها و باورها در معرض تعرض اندیشه‌های بیگانه و یا تحت فشار فرهنگ‌های مهاجم قرار گرفته و در رفتار و کردار و عواطف آحاد مردم تاثیر گذاشته است، اما هیچگاه شعله‌های اعتقاد و ایمان به خدا و رهبران الهی در دل مردم افسرده نشده است و عالم هدایت و شعائر دینی در کانون‌های قدسی آن همچون مساجد و حرم‌های مطهر به خاموشی و خمودی نگرائیده است. در اوج فشار و هجوم، رویشی تازه از ایمان و اعتقاد در میان مسلمانان مخصوصا نسل جوان آن پدید آمده است که بهاری مجدد را نوید داده و دوباره، شکوفایی، و رشد و حیات مجدد در سبزه زار حیات مسلمانی رخ نموده است. در روزگار انقلاب اسلامی که پیرفرزانه‌ای آن را رهبری نمود. نسل جوان، فریادگران پرخروشی بودند که ندای توحید و عدالت و کرامت انسانی را در مصاف‌های مبارزه و درگیری با پیشوایان شرک و ظلم و بردگی سر دادند و در میدان مقابله با آنها با استعانت از نماز مقاومت کردند تا سرفرازی و فرازمندی انسان مومن به خدا را در برابر دیدگان مبهوتان قدرت طاغوتها به نمایش گذاشتند و نقاب از چهره اقتدار پوشالی ابرقدرتها بر گرفتند. باز فهمی منشا این قدرت الهی در نسل انقلابگر دو دهه اخیر ایران اسلامی و بسط و توسعه آن در میان نسل دوم و سوم انقلاب و همچنین توده‌های مسلمان و محرومان و مستضعفان سایر نقاط دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یقینا این باز فهمی نیازمند بازشناسی و آسیب شناسی جریان دینگرایی و دلدادگی به ارزشها و آرمانهای اسلامی و قرآنی است. پدیده بازگشت به دین در دوره رواج ارزشهای غربی و سلطه حاکمان دین ستیز نه این چنین است که معلول سخت گیری و دیکتاتوری آن دوره باشد، بلکه بازگشت به دین، رجوع به فطرت دینی و حاصل روشنگریهای دیر پای عالمان و اندیشمندان اسلامی بود که بذر اعتقاد و ایمان را در فطرتها سیراب می‌ساختند. امروز نیز باز فهمی دین نیازمند بازشناسی و روشنگری و سیراب سازی اندیشه‌ها و جانها از آبخور زلال معارف اسلامی است. آمیختگی با خرافه، دلدادگی به اسطوره و احساس سیرابی با هیجان و عاطفه، نهاد دین و باور به آن را در معرض خطر پوسیدگی و از درون پاشیدگی قرار می‌دهد. اما تعقل و تدبیر در آموزه‌های دینی و الگو و اسوه قرار دادن پیشوایان معصوم (ع) و پاسخوگویی به پرسشهای درونی و بیرونی به کمک اندیشه و فکر، حاکمیت نهاد دین را استحکام بخشید و دینداران را در مواجهه با شبهه و تردیدها تقویت می‌کند. مسابقه



نویسندگان جوان و جوانان نویسنده، گامی در جهت آماده سازی مخاطبان جوان در میدان تدبیر و اندیشه و بازشناسی و باز فهمی راز قدرت انقلاب اسلامی در مواجهه با قدرتهای مادی جهان معاصر است. آنان در چنین مجالی فرصت می یابند توسن فکر خویش را در عرصه های مختلف به حرکت در آورند. به زوایای مختلف سر بکشند و با سر پنجه قلم، گزارش کاوشهای علمی خود را بنگارند. در سومین مسابقه نویسندگان جوان نیز انبوهی از جوانان نویسنده به فکر و تامل و تحقیق و پژوهش پرداختند و دریافت های خود را در قالب های متنوعی از نوشته ها و سروده ها به صورت کتاب عرضه داشته اند. در این میان همت ما نیز بر این بود که همچون آینه دارانی سیمای زیبای اندیشه و فکر جوانان دلداده زیبای مطلق را به همه دوستان زیبایی گفت و گو با او بنمایانیم. آن چه شما خوانندگان در این مجموعه می بینید ما به ازای تجلی آن جمال و برون داد این همت است. توفیق نمازیان را در گسترش فرهنگ بندگی پروردگار بندگان خواستاریم. دکتر محمدیان معاون تحقیق و تالیف

## مقدمه

و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱) مسجد این خانه خدا در روی زمین، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر بزرگوار اسلام در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی، در مدینه بنیان نهاده شد و از همان آغاز همچون دین مبین اسلام، جامع و همه جانبه بود. مسجد که نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می شود از همان بدو تاسیس علاوه بر این که پایگاه دینی و معبد مسلمین به شمار می رفت، نخستین کانون فعالیت های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی مسلمین نیز بود و پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم در این مکان استوار شد چرا که مقر حاکمیت پیامبر در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می شد. بدین ترتیب مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی، به عنصر مادی و عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه گسترده تمدن اسلامی جای خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی باز کرد به طوری که هر کجا و در هر شهر و قریه ای که مسجدی وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فکری و فرهنگی و البته گاه سیاسی اسلام شمرده می شد. مساجد با کارکردهای متعددی که داشت، آن چنان در درون جامعه اسلامی نهادینه شد- مومنان آن را بر خانه های خویش ترجیح می دادند، در واقع ویژگی اصلی مسجد این بود که هم چون اسلام با همه شوون زندگی مردم سر و کار داشت و البته به همه آنها جهت الهی و دینی می داد و این با روح اسلامی نیز سازگار بود چرا که اسلام جوهره همه فعالیت های مسلمین در جامعه اسلامی را عبودیت می دانست. این نهاد مقدس نیز همانند سایر نهادهای تمدن اسلامی و همچون خود تمدن اسلامی فراز و فرودهای فراوانی را طی کرد تا به زمان حال رسید، روزگاری در دوران صدر اسلام، مسجد قلب تپنده امت و جامعه اسلامی و مقر حاکمیت و حضور بزرگترین فرستاده الهی (ص) و مرکز بی بدیل همه فعالیتها و امور جاری مردم بود، و مردم همه جهت گیری های خود را از آن اخذ می نمودند، پس از ارتحال نبی اکرم (ص) در دوران خلفای راشدین نیز اوضاع تا حدود زیادی به همین منوال بود، اما با به قدرت رسیدن بنی امیه، و حاکمیت آنها بر جهان اسلام توأم با انحرافات و بدعتهای فراوانی که در همه ابعاد اسلام اتفاق افتاد، تحولات فراوان نیز در کارکردهای مسجد آغاز گشت و این تحولات منفی به تدریج ادامه یافت تا جایی که در دوران حاکمیت بنی عباس و بعد از آن مرکز جامعه به حاشیه رانده شد و اهم کارکردهای خود را از دست داد و دیگر نه پایگاه حاکم بود نه پایگاه حضور مردم، این وضعیت تا دوران حال ادامه یافت و تلاشهای پراکنده و مقطعی برای احیای موقعیت آن نیز ثمری نداشت و اکنون ما وارث این روند تاریخی هستیم. اما امروز شرایط متفاوت است و ما اگر- بخواهیم نمی توانیم نسبت به شرایط مساعد جامعه بی اعتنا باشیم، امروز در قسمتی از جهان اسلامی انقلابی به پیروزی رسیده است که کانون جوشش آن، مساجد بوده و حکمتی بر سر کار آمده است؟ داعیه دار پایه گذاری نظامی مبنی بر احکام اسلام ناب است و الگوی این حکومت، نظام حاکمیت

پیامبر (ص) در مدینه النبی است و کدام نهاد در مدینه النبی مهم تر از مسجد و کدام مکان مرکزی تر و راهبردی تر از مسجد بود؟ و مگر می شود داعیه تاسیس حکومت اسلامی داشت و به بازگرداندن وضعیت مساجد به حال مساجد صدر اسلام نی اندیشید؟ مبنای ما در نگارش این نوشتار نیز همین بود؛ چرا که معتقدیم نمی توان بدون شناخت پیشینه و تاریخ یک موضوع و یا نهاد به احیاء آن پرداخت، لازم است که ابتدا گذشته مسجد و فراز و فرودهای آن را بشناسیم تا با نگاهی روشن و اندیشه ای عبرت یافته وارد میدان شویم در جهت احیای مساجد اسلامی تلاش نماییم. در این نوشتار پس از بررسی برخی مفاهیم مربوطه، به بررسی موقعیت مسجد در صدر اسلام و نحوه و علل تاسیس آن پرداخته ایم و سپس کارکردهای متعدد مسجد در صدر اسلام را تبیین نمودیم، آن گاه به بررسی تحولات ساختاری در کارکردهای مسجد در دوران میانه تاریخ اسلام و بیان علل این تحولات پرداخته ایم، آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این که در این نوشتار تلاش شده است، حیت الامکان تبیین مطالب توأم با آوردن نمونه های تاریخی باشد تا مطالب مزبور مستند و قابل دفاع باشد. آن چه که مسلم است این نوشتار همان طور که از عنوان نیز پیداست تنها در آمدی است بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی که نگارنده در حد بضاعت اندک خود آن را به رشته تحریر در آورده است و بدیهی است که مسجد و ابعاد آن عظیم تر از آن است که بتوان به متونی چون این متن اکتفا کرد و بلکه همت پژوهشگران برجسته ای را می طلبد تا هر چه بیشتر در روشن کردن این جایگاه در تمدن اسلامی بکوشند، در پایان لازم می دانم از ستاد محترم اقامه نماز و به ویژه معاونت محترم تحقیق و تالیف این ستاد که فرصتی را برای انجام چنین پژوهشهایی فراهم نمودند نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم. وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب عباس برومند اعلم.

## تعاریف

### مسجد

این واژه که مبنایی ترین واژه در این نوشتار است از دو جنبه لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می گیرد.

### بررسی لغوی واژه مسجد

در بررسی لغوی و ریشه ای کلمه مسجد در کتب لغت معتبر نظرات نزدیک و مشابهی دیده می شود. ابن منظور در لسان العرب درباره مسجد می نویسد: مسجد و مسجد: جایی است که در آن سجده می کنند و مفرد مساجد است. زجاج می گوید: هر جایگاهی که در آن عبادت کنند مسجد است. همانطور که پیامبر (ص) فرمود: جعلت لی الارض مسجدا طهورا... ابن اعرابی می گوید: مسجد به فتح جیم، محراب و نماز گاه خانه هاست و مسجد به کسر جیم، نماز گاه جماعات است و جمع آن مساجد است. (۲) در تاج العروس نیز ذیل کلمه مسجد که از ریشه است چنین آمده است: مسجد به کسر جیم، هر جایگاهی که در آن سجود کنند و در کتاب الفروق نوشته این بری آمده است که مسجد خانه ای است که در آن سجده می کنند و به فتح جیم موضع قرار گرفتن پیشانی است. (۳) و با توجه به ورود این کلمه به زبان فارسی و استعمال کامل آن در این زبان در مراجعه به لغت نامه های فارسی نیز معانی ذیل برای مسجد به دست آمد: سر بر زمین نهادن، محل و موضعی که در آن جا سجده کنند و هر محلی که در آن عبادت کنند و از آن جمله است اطلاق مسجد بر جامع و گویند مسجد با کسر جیم اسم محل عبادت را، خواه در آن جا سجود بکنند یا نکنند و هر گاه فعل و عمل آن مورد نظر باشد، جای عبادت مسلمانان، خاه خدا، محل سجود، جای نماز خواندن، خانه ای که برای گزاردن نماز سکنه کوی یا شهری سازند. (۴) درباره علت نامگذاری محل عبادت مسلمین به این نام، نظریاتی وجود دارد از جمله یک نظر آن است که در عبادتگاه مسلمین بزرگترین عبادتی که انجام می شود نماز است و این عبادت عظیم

ترین عبادت و اولین فرع از فروع دین محسوب می شود و سجده نیز که در هر رکعت نماز دوبار تکرار می شود مهمترین و ضمناً بهترین و زیباترین رکن نماز است که نماد اوج بندگی مسلمین است که در نماز ظاهر می شود. بدین ترتیب این عبادتگاه که در آن مسلمین به صورت دسته جمعی هر روز بارها در آن به سجده می افتند و بر درگاه باری تعالی پیشانی بندگی می ساینند، مسجد یعنی محل سجود نامیده شده است. دیدگاه دیگر که از یک روی کرد تاریخی نشأت می گیرد می گوید: که مسجد معرب مزکت یا مزکت است که این کلمه از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است و اعراب نیز آن را به صورت مسجد به عبادتگاهی خود اطلاق کرده اند. البته در این که سابقه این کلمه به پیش از اسلام بر می گردد تردیدی نیست و مساله در ریشه عربی یا غیر عربی آن است که به نظر می رسد ریشه غیر عربی آن صحیح تر باشد؛ چرا که سابقه استعمال این کلمه در خارج از جهان عرب وجود دارد. از آن جمله حضرت سلیمان (ع) که پس از ساختن معبد در اورشلیم آن را مسجد الاقصی نامید (۵) و این نام ارتباطی به دوره اسلامی و یا جهان عرب نداشته است. بعدها یهودیان بنی اسرائیل که پس از دوران اسارت بابلی، زبان عبری را که زبان تورات است فراموش کرده و به زبان آرامی تکلم می کردند نیز این معبد را به همین نام یم شناختند. اما روایت در کتاب سنن بیهقی دیده می شود که ظاهراً مضمون آن می تواند در تضاد با نظریه فوق باشد. در این روایت از قول ابوذر صحابی بزرگوار رسول خدا (ص) نقل شده است که گفت: به رسول خدا (ص) گفت: یا رسول الله اولین مسجدی که در زمین ساخته شد کام است؟ فرمود: مسجد الحرام. گفتم: سپس کدام مسجد؟ فرمود: مسجد الاقصی (۶) بدین ترتیب اگر خانه کعبه از زمان احداث مسجد الحرام نامیده شده است و با توجه به تقدم ساخت آن بر مسجد الاقصی که در آن تردیدی نیست چرا که حتی اگر روایاتی که پیشینه این خانه را تا زمان خلقت زمین و یا زمان حضرت آدم و یا حضرت نوح به عقب می برد را نپذیریم در ساخت این خانه توسط حضرت ابراهیم (ع) به تصریح قرآن شکی وجود ندارد باید گفت که این کلمه ریشه عربی و بلکه ریشه آسمانی دارد و اولین با در میان اعراب استعمال شده است. و سپس یهود که از پیروان ادیان ابراهیمی محسوب می شوند با پیروی از حضرت ابراهیم کلمه مسجد را برای معبد خود برگزیده اند، البته نباید از نظر دور داشت که در قرآن هر کجا سخن از ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم به میان آمده از لفظ بیت استفاده شده است. بنا بر این مشاهده می شود که نظر قطعی درباره ریشه تاریخی این کلمه وجود ندارد و نگارنده در حد بضاعت اندک خود احتمالات مختلف را طرح کرده است تا خود زمینه ای برای پژوهشی مستقل در این زمینه باشد.

### بررسی اصطلاحی واژه مسجد

در بررسی اصطلاحی با توجه به این که روال بر این است که واژه مورد نظر در اصطلاح حوزه علمی مورد تحقیق بررسی می شود، طبیعی است که باید نگاهها را از گذشته تاریخی این کلمه برداشته و متوجه حوزه تمدن اسلامی کرد. مسجد در تاریخ تمدن اسلامی اولین نهاد اجتماعی و سازمانی است که مستقیماً از سوی پیامبر اکرم (ص) و در نخستین روزهای تاسیس حکومت اسلامی پایه گذاری شد و تا مدت‌ها قلب تپنده جامعه اسلامی و مرکز بی بدیل اجتماع مسلمین بود. این نهاد در طول تاریخ تمدن اسلامی و نشیبه‌های متعددی را طی کرده است که بدون تردید درخشان‌ترین فراز حیاتش دوران صدر اسلام است. این مکان مقدس گرچه در ظاهر دچار تحولات شگرفی شده و گاه زینتهای آن به حدی بوده که با کاخهای پادشاهان برابری می کرده است، اما در باطن هرگز تعریف اصیل خود که همانا قطعه زمینی پاک برای عبادت فردی و اجتماعی امت بود را از دست نداده و نخواهد داد. مسجد قطعه ای کوچک یا بزرگ از زمین است که پس از نظافت، تسطیح و پاکیزه کردن آن، سمت قبله در آن مشخص می شود و به نماز اختصاص می یابد. این قطعه زمینی گاهی دارای دیوارند و گاهی بدون آن، با شن پاکیزه و با حصیرهای ارزان یا فرشهای گران قیمت فرش می شوند. گاهی بر روی این قطعه زمین بناهای عظیم با دیوارها، سقفها، گنبدها و ماذنه های بزرگ بر پا میشود و گاهی نیز هیچ یک از اینها را ندارد. اما این در مسجد بودن آن تاثیری ندارد؛ زیرا یک مسجد ساده و معمولی نیز همانند عظیم

ترین مساجد مکانی مقدس با ویژگیهای ممتاز است. (۷) مسجد از همان ابتدای تاسیس تنها یک عبادتگاه مسلمانان نبود بلکه محل اجتماع عمومی و نشانه وحدت امت نیز به شمار می رفت. چنان که جامع نیز که به مسجد گفته می شود حکایت از همین اجتماع دارد و طبیعی است که در جایی که محل اجتماع مردم است صرفا امور عبادی مطرح نیست بلکه همه شئون جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی، قضایی، ارتباطی، تبلیغاتی و.. نیز مطرح می شود و لذا مساجد به ویژه در صدر اسلام کارکردهای متعدد داشتند. اما در مسجد یک راز نهفته بود و آن این که گرچه مسجد کارکردهای متعدد داشت، ولی با این همه این مکان، مسجد و محل عبادت بود و این جوهره همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... امت مسلمان در راستای عبودیت بندگان برای خداوند است. شاید این اقدام را باید نوعی حرکت نمادین پیامبر (ص) و بلکه اسلام تلقی کرد؛ اگر بپذیریم جوهره جامعه اسلامی عبودیت است، می توان گفت: همه چیز از مسجد می جوشد و در جامعه سریان می یابد. بدین ترتیب مسجد و تاسیس آن پاسخی بود به یک نیاز؛ نیاز جماعتی که تمدنی جدید را مبتنی بر بینش الهی پایه ریزی می کرد و طبیعی است که در این مسیر نیازمند نهادهای جدیدی باشد که با نگرش خاص او به عالم و هستی مناسبت داشته باشد. بینشی که دنیا را مزرعه آخرت و آبادانی اخروی را در گرو آبادانی دنیا و سعادت جاودانی را در گرو حیات اجتماعی پاک و الهی می دانست. بینشی که سلوک فردی محض را مردود و سلامت جامعه در همه عرصه ها را ضامن سلامت فرد می شمرد. مسجد با کارکردهای متعدد و متنوعی که داشت بهترین و مناسب ترین پاسخ به این نیاز بود.

### تمدن اسلامی

تمدن اسلامی در واقع بستر حرکت پژوهشی ما را تشکیل می دهد. چرا که ما در این نوشتار به دنبال بررسی جایگاه مسجد در تمدن اسلامی هستیم، بنابراین این واژه مرکب نیز باید از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

### بررسی لغوی واژه تمدن اسلامی

واژه تمدن اسلامی از آن جا که یک ترکیب است لذا مستقلا در لغت نامه ها، دارای معنا نیست بلکه هر یک از این واژه ها جای از یکدیگر دارای معنا می باشد. لذا ابتدا معنای لغوی تمدن را بررسی می کنیم، سپس ترکیب آن را به صورت تمدن اسلامی، تمدن در لغت به معنای تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه، مجازا تربیت و ادب می باشد. (۸) کلمه اسلامی نیز که به ثمن اضافه می شود در واقع یک وصف است و این ترکیب وصفی است یعنی تمدنی که متصف به اسلام است و بر اساس آن شکل گرفته است و بینش حاکم بر آن و در واقع روح فرهنگ آن، محصول یک دین آسمانی به نام اسلام است.

### بررسی اصطلاحی واژه تمدن اسلامی

با توجه به وجود تعاریف متعدد از فرهنگ و تمدن باید یک تعریف نسبتا کلی که تا حدودی جامع همه تعاریف دیگر باشد را مبنا قرار دهیم تا بر اساس آن بتوانیم تمدن اسلامی را نیز مورد بررسی قرار دهیم، آن تعریف کلی عبارت است از این که تمدن وجه عملی و فیزیکی حیات بشری می باشد، در برابر فرهنگ که وجه نظری حیات بشری است. در بیان معنای اصطلاحی تمدن اسلامی نیز با تکیه بر تعریف فوق برای تمدن باید گفت که تمدن اسلامی عبارت از آن دسته نمودهای عینی و فیزیکی است که در تمدن بشری با پشتوانه فرهنگ اسلامی به وجود آمده و یا بعضا تحولات گسترده ای که در برخی نهادها و نمودهای عینی جامعه بشری با این پشتوانه پدید آمده است. این یک معنا اصطلاحی کلی برای تمدن اسلامی است. لذا برای فهم دقیق تر آن اندکی این معنا را

شرح می‌دهیم. اسلام به عنوان دین خاتم در منطقه ای ظهور می‌کند که در آن سابقه رشد نهادهای فرهنگی و تمدنی اگر ساقط نباشد، بسیار محدود است. اصولاً اعراب تمایل زیادی به تمدن‌گرایی یا تمدن‌ستیزی داشتند و این البته به علت حریت فردی بود که در گمان عرب بسیار قوی بود و تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند این آزادی فردی را از دست بدهند که البته این مورد بحث ما نیست. روایات و قرائن تاریخی که از اوضاع عرب دوره جاهلیت در دست است به ویژه از نواحی مرکزی عربستان حالی از یک نوع عقب‌افتادگی بسیار شدید است که انسان را شگفت زده می‌کند. باید توجه داشته باشیم که این در زمانی است که در نزدیکی جزیره‌العرب تمدنهایی مثل ایران و مصر و شامات و در فاصله ای دورتر تمدنهای هند و یونان بعضاً در اوج شکوه و تلالو خود به سر می‌برند. در یک چنین بستری پیامبر اسلام (ص) ظهور می‌کند و رسالت را با خواندن آغاز می‌کند و درست از همان نخستین لحظات بعثت تاسیس نهادهای فرهنگی و تمدنی در دستور کار رسالت پیامبر قرار می‌گیرد و پس از آن نیز آن حضرت با پشتوانه فرهنگ آسمانی اسلام به جد شروع به تاسیس نهادهای مختلف فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی می‌کند که همین نهادها پایه‌های اولیه تاسیس تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد. شاید بهترین مثال از این نهادها مسجد باشد که با آن چه در تبیین مفهوم تمدن اسلامی گفته شد مناسبت کامل دارد. مسجد نهادی است که از بطن اسلام جوشیده است و کارکردهای متعددی نیز برای آن در نظر گرفته می‌شود. البته مشابه مسجد موارد دیگری چون مفاهیم زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را نیز می‌توان نام برد که همگی یا به وسیله اسلام تاسیس شده‌اند یا توسط اسلام اصلاح و متحول شده‌اند و با تکیه بر آنها می‌توان مفهوم تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار داد.

## مسجد در صدر اسلام

### اشاره

همان‌طور که اشاره شد بدون تردید درخشان‌ترین فراز حیات مسجد در طول تاریخ تمدن اسلامی متعلق به صدر اسلام است و در این دوره است که مسجد همه کارکردهای خود را بالفعل دارا می‌باشد و در جایگاه واقعی خود در جامعه اسلامی قرار دارد. بدیهی است که اگر قرار است جایگاه مسجد در تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم ابتدا باید به سرچشمه مراجعه کنیم و جایگاه مسجد در صدر اسلام را بشناسیم تا در دوره‌های بعدی فراز و نشیبهای گوناگون این نهاد را با معیاری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. لذا در این فصل ضمن بررسی جایگاه مسجد در قرآن و سنت، نگاهی به چگونگی تاسیس و تثبیت این نهاد در جامعه مدینه انداخته و سپس تسری این سنت در سراسر جهان اسلام در دوره فتوحات را بیان نموده ایم.

## جایگاه مسجد در قرآن و سنت

### توضیح

قرآن و سنت به عنوان دو منبع اصلی و قطعی نزد همه مسلمین و همه پیروان مذاهب اسلامی مورد قبول است. و اساساً محتوای اسلام و پیام آسمانی این دین مقدس را از این دو منبع استخراج می‌نمایند. گرچه منابع دیگری نیز برای استخراج این محتوا مدنظر است، اما هیچ‌یک از آنها مانند قرآن و سنت از اجماع کامل در نزد عموم مذاهب اسلامی برخوردار نیستند. لذا مناسب است که در آغاز بحث درباره مسجد در صدر اسلام نگاهی داشته باشیم به موقعیت و رتبه این نهاد مقدس دینی در آیات الهی و روایات تا با در نظر داشتن این موقعیت ممتاز بحث را ادامه دهیم.

## مسجد در آیات الهی

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغو و الاصال (۹) در خانه هایی خدا رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند. مسجد جایگاهی است که خداوند آن را رفیع گردانیده است؛ تا به آن جایگاهی را که خداوند رفیع کرده است، چه کسی می تواند تضعیف کند و رفعت آن را چه کسی می تواند توصیف نماید. و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا (۱۰) و مساجد مخصوص و از آن خداست پس نباید با خدا احدی را غیر او پرستش کنید. در این آیه شریفه خداوند خطر نشان می سازد که مسجد متعلق به خداست و مفهوم این آیه با رجوع به روایاتی که در ادامه این نوشتار می آید و در آن تصریح می کند که مساجد خانه های خدا در روی زمین است بهتر فهمیده می شود. بدین ترتیب صاحب اصلی مساجد خداوند است که در آن جا میزبان بندگان مومنی است که برای عبادت او به مسجد می آیند و طبیعی است که چنین خانه هایی باید بزرگترین پایگاه توحید و یگانه پرستی در جامعه اسلامی باشند. پایگاههایی که در آن هر روز تنیدن نوبت به یگانگی خداوند و اصل توحید به عنوان مبنایی ترین رکن دین اسلام شهادت داده می شود تا تذکارتی باشد دائمی برای مومنین و بدین وسیله جامعه اسلامی همواره از پلیدی شرک مصون بماند. و اقیما و جوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین (۱۱) و در هر مسجد و در هر عبادت روی به حضرت او آرید و او را از سر اخلاص بخوانید. در همه مساجد تنها یک جهت معروف و شناخته شده است و آن جهت قبله است؛ یعنی سمتی که رو به سوی بیت الله، خانه کعبه و حرم امن الهی دارد. و همه مومنین نیز در مسجد به هنگام به جا آوردن اداب دینی و عبادی موظفند به همان سمت بایستند و وجوه خود را از هر سمت و جهتی به آن سو بگردانند و خالصانه خداوند را بخوانند و بر بندگی خود در برابر او تاکید نمایند و این یعنی این که جهت گیری عمومی مومنین و مسلمین، توحیدی است و در مسجد؟ پایگاه توحید جامعه است آن محسوس تر و بارزتر است. مومنین با این جهت گیری مشترک و با انجام دادن یک رفتار مشترک بر اتحاد و یگانگی جامعه اسلامی و امت مسلمان نیز صحه می گذارند. تصور این که هر روز صدها میلیون انسان مسلمان در سراسر جهان در مساجد جمع می شوند و همه به یک سو می ایستند و یک عمل را انجام می دهند بسی دشوار و در عین حال شکوهمند است. در واقع مساجد علاوه بر این که پایگاه توحیدند، پایگاه نمایش روزانه مفهوم امت واحده نیز هستند. یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد (۱۲) ای فرزندان آدم زینتهای خود را به هنگام حضور در مسجد و در هر عبادت به خود بر گیرید. وقتی میزبان خداست که خود زیبا است و دوستدار زیبایی، شایسته است که میهمانان نیز در خانه خدا پاکیزه و آراسته حضور یابند و بدین طریق خانه و صاحبخانه را تکریم نمایند. روایات و احادیث متعدد درباره پوشیدن بهترین لباسها و استعمال عطر و حضور پاکیزه و آراسته در مساجد وارد شده است که در بخش بعید به برخی از آنها اشاره خواهد شد. انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوة و اتی الزکوة و لم یخس الا-الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین (۱۳) منحصرآ آباد کردن و تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است؟ به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا نترسند. آنها امیدوار باشند؟ از هدایت یافتگان هستند. طبیعی است همان طور که مومنین باید پاکیزه و آراسته باشند، مساجد خداوند نیز باید پاکیزه و آباد و معمور باشد. البته باید توجه داشت؟ آبادانی و ساختن مساجد به تصریح قرآن کریم منحصرآ باید توسط صالحین و مومنین راستین که فرمانبرداران واقعی خداوند هستند صورت گیرد تا انفاس پاک آنان موجب رونق و آبادی معنوی مساجد نیز بشود و اثری از ریا و تظاهر و شرک و نفاق در آن باقی نماند. به همین منظور خداوند در آیه دیگری مشرکین و آن که ایمان واقعی ندارند را از تعمیر و ساخت مساجد منع می کند و اعمال آن ها را بیهوده و نابود توصیف می نماید. ما کان للمشرکین این یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر اولئک حبطت اعمالهم و فی النارهم خالدون (۱۴) مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که به کفر خود شهادت می دهند. خدا اعمالشان را نابود خواهد گردانید و در آتش دوزخ آنها جاوید معذب خواهند بود. و من اظلم ممن منع مساجد الله یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها



اولئك ما كان لهم اين يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي و لهم في الاخره عذاب عظيم (۱۵) و کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد، منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید، چنین گروهی در مساجد مسلمین در نیابند جز آن که بر خود ترسان باشند، این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بسیار سخت. این آیه در حکم اندازی دائمی برای همگان است که مبادا با منع مردم از مساجد و تخریب خانه های خدا در ردیف ستمکارترین و خوارترین مردم قرار گیرند. به عبارت دیگر این آیه به مانند حفاظی دائمی در طول تاریخ اسلام بوده است. و باعث مصونیت مساجد از تعدی افراد مختلف شده است. گرچه کسانی که ایمانی نداشته و یا کافر بوده اند از این مساله مستثنی بوده اند و به عذاب عملکرد خود گرفتار شده و خواهند شد. و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا (۱۶) اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه ها و دیوسیرتها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شد. در این آیه شریفه یکی از فلسفه های تشریح جهاد در راه خدا که همانا حفاظت مساجد از ویرانی و پایداری ذکر و تسیح خداوند در جامعه است بیان می شود. و مسلمین بدین طریق موظف می شوند که در راه خدا با ستمکارترین مردم که به تخریب مساجد و مقابله با مظاهر دین می پردازند جهاد کنند و این گونه دین خدا را یاری کند که یقینا یاری خواهند شد. و الذین اتخذوا مسجدا ضارا و کفرا و تفریقا بین المومنین و ارضاد لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون لا تقم فیه ابد (۱۷) آن مردم منافقی که مسجدی برای زیان اسلام بر پا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و مساعدت با دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسمهای موحد یاد می کنند که در بنای این مسجد ما جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم خدا گواهی می دهد که محققا دروغ می گویند و تو ای رسول ما هرگز در مسجد آنها قدم مگذار. این آیه درباره مسجد ضرار نازل شده است و مهترین نکته ای که از این آیه استفاده می شود این است که اساسا مسجد دارای تقدس ذاتی نیست بلکه تقدس: در صورتی است - پایگاه توحید و در خدمت اهداف دین محل ذکر و یاد خدا و عبادت بندگان مؤمن خدا باشد. و گر نه اگر به جای اینها در خدمت تفرقه و نفاق باشد و برای تضعیف جامعه اسلامی و رخنه در صفوف امت مسلمان تاسیس شده باشد نه تنها تقدسی ندارد بلکه همچون بتکده باید نابود شود و از بین برود. همان طور که پیامبر اکرم (ص) چنین کرد و مسجد ضرار را به آتش کشید. اما درباره مسجد ضرار و ماجرای تاریخی آن با توجه به این که در این نوشتار درباره این مسجد چیزی نیامده است، لازم است در این جا به صورت خلاصه اشاره ای به این واقعه تاریخی بنماییم. (۱۸) جمعی از منافقین مدینه در فاصله ای دورتر از مسجد پیامبر اقدام به ساختن مسجدی کردند که هدف اصلی آنها به تصریح قرآن کریم، ایجاد تفرقه و جلوگیری از حضور مسلمین در صفوف نماز جماعت مسجد النبی بود. این جمع پس از ساخته شدن مسجد به نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و از ایشان خواستند که برای افتتاح مسجد در آن نماز بگذارند و هدف آنها این بود که با این اقدام به عملکرد خود مشروعیت داده باشند و اعتبار لازم را در نزد مسلمین از این رهگذر به دست آورند. اما پیامبر اکرم (ص) که آماده سفر برای غزوه بلوک بودند این کار را به پس از بازگشت از این غزوه موکول فرمودند. در سفر بازگشت نیز این آیات بر پیامبر نازل شد و خداوند بدین وسیله پیامبر و مسلمین را از نیت منافقین آگاه نمود. پیامبر نیز دو نفر از اصحاب خود را فرستادند تا مسجد را تخریب نموده و به آتش کشیدند و این روایات تاریخی عبرتی شد برای مسلمین که به هر کاری که با ظاهر دینی انجام می شود اطمینان نکنند و مراقب نفوذ منافقین در صفوف خود باشند. لمسجد اسس علی التقوی من اول من اول یوم احق ان تقوم فیه، فیه رجال یحبون ان یتطهر وا و الله یجب المطهرین (۱۹) همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر این که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا مردان پاک مذهب را دوست می دارد. این آیه شریفه نیز که به ضرورت اساس تقوا برای مساجد تاکید دارد به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا نازل شده است که پیامبر اکرم (ص) در نخستین روزهای ورود به مدینه آن را تاسیس نمودند؛ البته برخی نیز معتقدند که

این آیه درباره مسجد النبی است که هر یک صحیح باشد در اساس تقوای آنها تفاوتی نمی‌کند. به این ترتیب با بررسی آیاتی چند از قرآن مجید به عظمت جایگاه مسجد در کلام وحی پی بردیم. و اکنون جایگاه این نهاد مقدس را در احادیث و روایات مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### مسجد در احادیث و روایات

در جوامع روایی شیعه و سنی به حدی حدیث و روایات در عظمت جایگاه مسجد و همچنین فضیلت نماز و عبادت در مساجد و تکریم اهل مسجد وارد شده است که بایستی دست به گزینش زد و اخباری را بیان نمود تا به صورت اجمال نسبت به جایگاه مسجد در سنت آگاهی پیدا کرد. باید توجه داشت که این سخنان و احادیث از زبان کسانی نقل می‌شود که مسلمین در طول تاریخ به نام سنت همه تلاش خود را در تاسی به رهنمودهای آنها نموده‌اند و همواره به عنوان پیشوایان خود به آنها اقتدا کرده‌اند، بنابراین کاملاً طبیعی است که این تکریم و تعظیم بازتاب گسترده‌ای در میان مسلمین داشته و آنها را به توجه همه جانبه و حضور پیوسته در مساجد در طول تاریخ واداشته است. در این بخش بیشتر به نقل احادیث و روایات اکتفا شده و کمتر توضیح و تفسیر داده شده چرا که احادیث خود گویاترین و رساترین بیان را دارا می‌باشند. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: دنیا مسجد محبان خداست و نماز گاه فرشتگان او (۲۰) در تکریم و احترام خاصی که پیامبر اکرم (ص) برای مسجد قائل بوده‌اند چنین نقل شده است که: رسم رسول خدا (ص) بود که هر گاه از سفری بر می‌گشت ابتدا به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند. سپس در آن جا می‌نشست و مردم به دیدنش (۲۱) می‌آمدند. جناب شیخ صدوق در کتاب شریف من لا یحضره الفیه چنین روایت می‌کند: که در تورات ثبت و مقرر گردیده، به راستی خانه‌های من در روی زمین همان مساجد است، هلا فرخنده باد آن بنده‌ای که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه‌ام زیارت کند. البته که گرمی داشت میهمان بر صاحبخانه لازم و فرض است. حالا آنان را که در تاریکیهای شب گام برداشتن به سوی مساجد را پیشه ساخته‌اند. بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی فرموده است: که همانا مساجد خانه‌های من در زمین است. می‌درخشند برای اهل آسمان همان طور که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. (۲۲) و نیز فرمود: در دنیا همچون میهمانان باشید و مساجد را خانه‌های خود بگیرید. (۲۳) امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: نشستن در مسجد در نزد من بهتر است از نشستن در بهشت، چرا که در نشستن در بهشت خشنودی من است و در نشستن در مسجد رضایت پروردگارم. (۲۴) در بحار روایت شده است که ابو بصیر گفت: از امام صادق (ع) از علت تعظیم مساجد پرسیدم، پس فرمود: همانا امر به تعظیم مساجد برای این است که مساجد خانه‌های خدا در زمین است. (۲۵) و نیز امام علی (ع) می‌فرماید: هر کس مسجدی را بزرگداشت و احترام کرد در روز قیامت پروردگار را خندان و شادان ملاقات می‌کند نامه عملش به دست راستش داده می‌شود. (۲۶) در باب تحیت و احترام مسجد به هنگام ورود احکام و روایات فراوانی وارد شده است که در برخی از آنها از حق مسجد بر مومنین سخن به میان آمده است که از آن جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: حق مساجد را بدهید که آن دو رکعت نماز است قبل از این که بنشینید و یا هنگامی که یکی از شما وارد مسجد می‌شود بنشینند تا این که دو رکعت نماز به جا آورد. (۲۷) درباره فضائل اهل مسجد و ثوابی که نصیب آنها می‌شود نیز احادیث فراوانی وجود دارد. امام صادق (ع) فرمود: هر کس پیاده به سوی مسجدها گام بردارد، یا رو به مسجد رود، پاهای خود را بر هیچ‌تر و خشکی نگذارد، مگر این که برای او تسبیح خداوند گویند تا طبقه هفتم زمین. (۲۸) امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود: هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز به طرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برداری که در راه خدا مورد استفاده او باشد. یا طرفه دانشی که از زبده‌های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف خدا که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله‌ای



که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید، و یا آن که از سر شوم و حیا گناهی را ترک کند. (۲۹) رسول خدا (ص) فرمود: هفت فرد را خداوند در سایه خود قرار می دهد روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست. امام عادل و جوانی که در عبادت خدا رشد کند و بزرگ شود و مردی که قلبش وابسته به مسجد است هنگامی که از آن خارج می شود تا این که بدان باز گردد... (۳۰) امیر المومنین علی (ع) فرمود: برای همسایه مسجد نمازی نیست مگر در مسجد، جز آن که برای او عذر و علتی باشد، پس گفتند یا امیر المومنین همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس که صدای منادی را بشنود. (۳۱) و نیز رسول خدا (ص) فرمود: هر گاه مردی را دیدید که عادت به حضور در مساجد دارد برای او به ایمان شهادت دهید. (۳۲) و درباره آبادانی و ساختن و نیز پاکیزه کردن مساجد نیز روایاتی موجود است که از آن جمله: امام باقر (ع) فرمود: هر که مسجدی بسازد اگر چه به اندازه لانه باشد، (۳۳) خداوند عز و جل برایش در بهشت خانه ای می سازد. (۳۴) پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرمایند: هر بنایی و بال صاحبش، در روز قیامت خواهد بود جز مسجد و نیز فرمود: هر که در مسجدی از مساجد خداوند متعال چراغی افروزد، تا وقتی روشنایی آن چراغ در آن مسجد باقیست، فرشتگان و حاملان عرش الهی برای او طلب آموزش کنند. و در باب پاکیزگی مسجد فرمود: هر کس روز پنجشنبه و شب جمعه مسجد را برود و به اندازه سرمه ای که در چشم کنند از زباله آن جا بیرون برد خداوند تعالی او را بیمارزد. (۳۵) و مساجدتان را از ناپاکی و آلودگی حفظ کنید. (۳۶) و از امام صادق (ع) نقل شده است که: سه چیز به خداوند متعال شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهل (و همسایگان) در آن نماز به پا نمی دارند، و عالمی که در میان جهال است و قرآنی که (در گوشه ای قرار داد) غبار بر آن نشسته است و آن را نمی خوانند. (۳۷) اینها تنها گوشه ای از روایاتی است که در منابع روایی مذاهب اسلامی درباره فضیلت و عظمت جایگاه مسجد آمده است و اکنون با مشاهده این جایگاه می توان درک کرد که چرا مساجد این نهادهای مقدس جامعه اسلامی، در طول قرنهای متمادی همچنان اعتبار و ارزش خود را در میان مسلمین حفظ کرده است و چون نمادی استوار برای تمدن اسلامی دوشادوش تاریخ این تمدن حرکت کرده و به زمان ما رسیده است و یقیناً پس از این نیز چنین خواهد بود.

## مسجد نخستین نهاد اجتماعی دولت شهر مدینه

### قسمت اول

پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت و ورود به شهر مدینه در نخستین گام در راستای تحقق حاکمیت خویش اقدام به تاسیس یک نهاد اجتماعی دینی نمود که مسجد نام داشت. گر چه نهاد نماز جمعه پیش از ساختن مسجد النبی پایه گذاری شد، اما اگر مبنا را ورود به حدود مدینه قرار دهیم باز هم ساخت مسجد قبا بر نماز جمعه مقدم است. با توجه به چنین تقدمی که مسجد در نظام نوین مدینه دارا است جای این پرسش وجود دارد که چرا مسجد نخستین نهاد این نظام بود؟ در پاسخ به این سوال باید مباحثی چند را طرح کرد تا به اهمیت و ضرورت تقدم تاسیس مسجد بر هر نهاد دیگری پی برد. با سپری شدن دوران دعوت در مکه و وقوع هجرت به مدینه فراز جدیدی از رسالت پیامبر اکرم (ص) آغاز می شود که در آن جهت گیری اصلی، بنیانگذاری یک نظام حاکمیت مبتنی بر تعالیم اسلام است. این جهت گیری که اولین نشانه های بارز آن را در جریان بیت عقبه ثانیه (۳۸) و مفاد این بیعت می توان یافت، حاکی از آغاز حرکتی بی سابقه در محیط جزیره العرب یعنی ایجاد دولت و حکومت متمرکز بود. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد نواحی مرکزی جزیره العرب دچار عقب افتادگی تمدنی بسیار شدیدی بود که آن نیز از مدنیت گریزی و بلکه مدنیت ستیزی اعراب ناشی می شد. در چنین محیطی در طول تاریخ پیش از اسلام اثری از تشکیل یک حکومت و دولت مرکزی که اعراب از آن تمکین کنند مشاهده نمی شود. و جامعه شکسته عربی تنها شاهد نظام از هم گسیخته و غیر متمرکز قبیلگی در این نواحی است. با

این وصف تجربه دولت مدینه نخستین تجربه در نوع خود در مرکز جزیره العرب محسوب می شود. درباره این که چطور مردم یثرب آماده پذیرش چنین حاکمیتی شدند و چه عواملی آنها را به این سو سوق داد که حاکمیت پیامبر و بلکه پیش از پیامبر، ایجاد یک نظام سلطنتی در محیط یثرب را بپذیرند و از آن استقبال کنند، تحلیل‌های فراوانی وجود دارد که بحث درباره آنها در این مجال نمی گنجد. آن چه که مهم است این است که تشکیل دولت نیازمند ابزارها و نهادها و سازماندهی اجتماعی است که در درون آنها روابط اجتماعی مردم و سامانه اقتصادی و سیاسی جامعه تبیین و در قالب این سامانه احکام دین یا شریعت اسلامی جاری شود، حال که چنین نظامی بی سابق است پیامبر باید از چه الگویی پیروی کند، آیا از نظامهای حکومتی امپراطوریه‌های روم و ایران تبعیت کند، یا این که نه در فاصله ای نزدیکتر به تقلید از نظام پادشاهی نجاشی عادل پردازد؟ اما پیامبر پاسخ منفی به این سوال را خود در اعتراض به یکی از اصحاب که از ایشان خواسته بود کمی وضعیت زندگی خود را بهتر کنند داده بودند آن جا که فرمودند: آیا پنداشته ای که این امارت و سلطنت است و نمی دانی آن چه من دارم نبوت است؟ بدین ترتیب امکان تقلید از آنها منتفی بود گر چه باب اقتباس و استفاده از تجارب مفید آنان هرگز بسته تلقی نمی شد. بنابراین پیامبر باید الگوی جدیدی از حاکمیت و روابط حکومت شونده و حکومت کننده را ارائه می کرد، که این الگو هم با شرایط خاص اعراب جزیره العرب تناسب داشت و هم با جهان شمولی دعوت پیامبر اسلام و جهت گیری جهانی این دین آسمانی. این الگو که پیامبر با تکیه بر وحی آن را ارائه نمود بر دو روی کرد و نگرش خاص اسلام به حیات اجتماعی نشات گرفته از تفسیر عمومی انبیاء الهی و ادیان توحیدی از این حیات است. نگرشی که حیات اجتماعی را نه تنها منفک از حیات فردی نمی داند، بلکه کمال و سعادت فرد را در گرو سعادت و سلامت جامعه تعریف می کند. در این نگرش افراد جامعه به همان اندازه که در قبال سر نوشت و سعادت خود موجدند، درباره سر نوشت کلی جامعه نیز مسوولیت دارند. با این روی کرد دیگر تحصیل صرف کمال فردی نه تنها مطلوب نیست بلکه تلاشهای ریاضت گرایانه در این مسیر نیز مطرود و مذموم است. کمال انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است و هر یک بدون دیگری ناقص و یا اساسا ناممکن خواهد بود. بلکه کمال و تحقق آن، در بستر حیات فعال اجتماعی و گذر از درون مناسبات همه جانبه اجتماعی ممکن می شود. بدین ترتیب: تفسیر کمال بشری بر بنیاد ضرورت تکاپوی فعال اجتماعی، طبعاً و جوب تلاش برای تاسیس نظام مطلوب اجتماعی را به عنوان بستر، زمینه و شالوده کمال فردی به دنبال می آورد. به همین دلیل، رسول خدا (ص) از همان آغاز دوره مدنی، دوره ای که به عکس عصر مکی سرزمین، قدرت، امت و قانون در آن مجتمع و مهیا بود، در قالب وحی و رسالت الهی به تاسیس نظام اسلامی پرداخت و در طول حیات خود در این دوره همه تلاشها را بر آن محور متمرکز ساخت. (۳۹) با عنایت به این مبانی و شالوده های نظری نسبت به وجود انسان و غایت حیات فردی و اجتماعی او در آیین اسلام، می توان این نتیجه را گرفت که تمامی سامانه ها و نهادهایی که در نظام حاکمیت مدینه به کار گرفته می شد باید مناسبت تام با این مبانی می داشت و نهادها باید تامین کننده این نگرش خاص از حضور فعال مومنین در بستر جامعه در راستای کمال می بود. اما رویکرد دیگر عبارت از نوع نگرش خاص پیامبر و اسلام به شیوه حاکمیت و نوع تعادل میان حاکم و مردم و در یک کلام نقش مردم در حاکمیت بود. مردمی که در عرصه حیات اجتماعی آن چنان که اشاره شد مسوول و حاضر بودند، به طریق اولی در بحث حاکمیت نیز نقش ایفا می کردند. حکومت اسلامی مدینه متفاوت از حکومتهای رایج آن روز شرق و غرب جهان بود. روابط در این حکومت دو طرفه بود و نه یک طرفه و طرفین در برابر هم مسوولیت داشتند، نه این که یک طرف حق محض باشد و طرف دیگر تکلیف محض آن چنان که در دستگاه حاکمه امپراطوریه‌های کسری و قیصر رایج بود. درست است که بنیاد فلسفه سیاسی و اساس حاکمیت پیامبر را جایگاه نبوی او تشکیل می داد و مشروعیت او در نخستین شالوده و اصلی ترین آن بر حق حاکمیت الهی استوار بود، اما به گمان ما حساست که شباهت صوری این فلسفه سیاسی یا تئوکراسیهای شناخته شده در تاریخ فلسفه سیاسی را به معنی همسویی و هم معنایی آنها بدانیم. (۴۰) تفاوت اصلی در این زمینه را باید در سه حوزه اصلی جستجو کرد که عبارتند از پذیرش اعمال حاکمیت از سوی

مردم و ویژگیهای حاکم روش اعمال حاکمیت . ۱- در باب پذیرش اعمال حاکمیت از سوی مردم باید متذکر شد که گرچه همانطور که اشاره شد حق حاکمیت پیامبر یک حق الهی و ناشی از جایگاه نبوی وی می باشد؛ اما به فعلیت در آمدن این حق حاکمیت تنها با پذیرش مردم میسر است به عبارت دیگر؛ اصل بیعت آزادی آن هم بر بنیاد میثاق روشن و محتوای قرآن آشکار از پیوند دو سویه روابط حاکمیت و ملت در حکومت مدینه خبر می دهد. (۴۱) بنابراین باید اذعان کرد که پایه مشروعیت اعمال حاکمیت پیامبر، رای و پذیرش مردم بود. در این جا برای این که از بحث اصلی خود دور نشویم به همین مقدار بسنده می کنیم و تنها اشاره می نمایم که در سیره نبوی نیز این مقوله آشکار است. در مکه که خواست مردم در جهت تحقق این حاکمیت نیست اثری از تلاش پیامبر برای تحقق حکومت اسلامی مشاهده نمی شود و حتی رنگ و بوی آیات مکی نیز بیشتر رنگ بوی عقیدتی، اخلاقی و تبلیغی است. اما به عکس در مدینه از همان نخستین روزها و حتی پیش از هجرت در روش پیامبر نوعی جهت گیری حکومتی مشاهده می شود و آیات مدنی نیز بیشتر جنبه حقوقی، تکلیفی و اجتماعی یافته اند. چرا که اهل مدینه برای پذیرش حاکمیت پیامبر اعلام آمادگی کرده بودند. ۲- پیامبر به عنوان حاکم در مدینه به حکومت رویکردی در جهت اعمال حاکمیت شخصی خود ندارد. پیامبر در مدینه شالوده قدرت، حکومت و اعمال حاکمیت را ناشی از خداوند می داند. ولی نه به عنوان عطیه ای برای اعمال اراده شخصی خود. چنان که پیامبر در سیره سیاسی خود نشان می دهد، این حکومت برای اعمال و تحقق حقوق معین الهی در جامعه و میان امت است نه حقی خاص برای خود او در راستای خواسته های شخصی وی. به عبارت دیگر حاکمیت الهی پیامبر برای تحقق قانون الهی است؛ قانونی که مردم آن را به عنوان میثاق ملت و دولت با اراده خود پذیرفته اند. (۴۲) با این اوصاف شاید بهتر باشد از لفظ حاکم استفاده نکنیم چرا که پیامبر حکمرانی نمی کرد بلکه احکام الهی را در جامعه پیاده می کرد بلکه از واژه دیگری استفاده نماییم و آن واژه امام است. پیامبر جامعه را امامت می کرد و این نوع از حاکمیت با قانون یا زور و در جهت حفظ نظم و آرامش جامعه نبود، بلکه پیشوایی مردم بود با محبت و عشق در جهت هدایت و نیل به سعادت رابطه پیامبر به عنوان امام با مردم به عنوان امت در بررسی سیره آن حضرت در مدینه گواهی است بر صدق سخن ما.

## قسمت دوم

پیامبر در رفتار و سلوک سیاسی خود نه برای خود و خانواده اش امتیازی قائل بود و نه میان خود و مردم تفاوتی قائل می شد. در اجرای همه احکام خود پیشقدم بود و دستورات را ابتدا از خود آغاز می کرد تا در عین حال نمونه و اسوه عملی جامعه نیز باشد. با مردم نشست و برخاست می کرد و هرگز خود را جدا از آنها نمی دید و در یک کلام مانند بندگان می نشست و مانند بندگان غذا می خورد و مانند بندگان زندگی می کرد و تا از این جهان رحلت فرمود چنین بود. ۳- روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز روشی کاملاً متفاوت و جدید در جهان آن روز بود. در این روش نقش مردم تنها به تشکیل حکومت و مشروعیت بخشیدن به اعمال حاکمیت محدود نمی شد. بلکه این نقش با تشکیل حکومت تازه آغاز می گردید و هر لحظه جدی تر می گشت. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با تاسیس نهادهای متعدد روز به روز در جهت تقویت این نقش بر آمد و انجام وظایف اجتماعی و سیاسی برای مردم را نه فقط یک حق شهروندی بلکه یک تکلیف الهی می شمرد. به طوری که سرباز زندگان از این مسوولیت مورد مواخذه قرار می گرفتند. نهادهایی مانند مسجد که در ادامه بیشتر درباره آن توضیح داده خواهد شد و زکات و جهاد و نماز جمعه و مهمتر از همه امر به معروف و نهی از منکر از این جمله اند. امر به معروف و نهی از منکر که با پشتوانه یک حق برای مومنین واجب شده بود، عالیترین سطح مشارکت اجتماعی در جهت نظارت عمومی و همه جانبه مردم در همه سطوح و ارکان جامعه از صدر تا ذیل را موجب شده بود و آن حق، مساله ولایت مومنین بر مومنین بود. بدین ترتیب مشاهده می شود که روش اعمال حاکمیت پیامبر نیز که دقیقاً مبتنی بر حضور و مسوولیت مداوم مردم بود، روشی کاملاً متفاوت و بلکه متضاد با الگوهای رایج در آن روز یا امروز

جهان بوده و هست. اکنون که تا حدودی با دو نوع نگرش خاص به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت در الگوی حاکمیت پیامبر در مدینه آشنا شدیم مناسب است بار دیگر به سوالی که در آغاز این بخش مطرح نمودیم باز گردیم و به آن پاسخ دهیم و آن این که، چرا مسجد نخستین نهاد نظام حکومتی پیامبر در مدینه بود؟ در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود که چنان رویکردی به حیات اجتماعی و رابطه مردم و حاکمیت مستلزم این است که نهادهای این نظام نیز در تناسب با این رویکردها باشند. پیامبر اسلام (ص) در نخستین گام برای تثبیت حاکمیت خود نیاز به یک مقر حاکمیت و پایگاه فرماندهی دارد. پایگاهی که مردم آن جا را به عنوان مرکز روحی، فکری و سیاسی خود بشناسند. با توجه به نگرشهای مزبور آن مرکز نمی توانست کاخ و قصر و دارالاماره باشد. آن مرکز نمی توانست ایوان مدائن یا شهر ممنوعه و یا تخت جمشید باشد، آن مرکز حتی نمی توانست مجلس سنا که در ظاهر رنگی از مشارکت مردمی؛ مردمی که نه مشارکت اعیان و اشراف را داشته، باشد. بلکه این مرکز باید پایگاهی می بود که در آن حاکم و حکومت شونده یک جا حاضر باشند و هر روز یکدیگر را ملاقات نمایند. حاکم در همان جا حکم کند و حکومت شونده همان جا اعتراض و استیضاح کند. حاکم و حکومت شونده همان جا با هم مشورت نمایند و با توجه به جهت گیری الهی این حکومت عبادات اجتماعی به امامت پیشوای جامعه نیز باید در همین مکان صورت گیرد. ابلاغ و تعلیم احکام الهی نیز در همین مکان به عنوان مقر حاکمیت دینی باید انجام شود و... با توجه به این کارکردهای متعدد اساسا کدام نهاد بهتر و مناسبتر از مسجد را می توان نام برد. مسجد در عین این که معبد و جایگاه عبادت مسلمین بود همه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، تبلیغی، ارتباطی و... را داشت. به عبارت دیگر مسجد النبی از همان بدو تاسیس نه تنها به عنوان جایگاه اصلی اجتماع مسلمانان برای ادای فرائض دینی مورد استفاده بود، بلکه نخستین کانون فعالیت‌های علمی، سیاسی و اجتماعی نهضت جهانی اسلام نیز به شمار می رفت. در واقع پایه های اساسی حکومت اسلامی در زمان رسول خدا (ص) در این مسجد بنیانگذاری شد و اصول و مبانی دین مبین اسلام از این پایگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد. به عبارت دیگر مسجد الرسول (ص) برای جامعه اسلامی نوپا در حکم مسجد جامعی بود که ضمن آن که در آن نمازهای جماعت و دیگر آداب دینی برگزار می شد پیامبر و اصحابش در آن گرد هم می آمدند. هر که می خواست پیامبر را در آنجا ملاقات می کرد و پیامبر هر آن چه که می خواست به شخصه یا به وسیله یکی از صحابه به امتش ابلاغ می نمود و بدین ترتیب مسجد النبی مرکز روحی، فکری و سیاسی امت و رمز وحدت آنان بود. (۴۳) با این وصف مسجد النبی باعث ایجاد عنصر مادی، امت اسلامی و مکانی برای تجمع و دیدار مسلمانان شد. و لذا مکملی برای عنصر قانونی و شرعی تشکیل امت گردید. (۴۴) اکنون می توان ادعا کرد که ضروری ترین نهاد در جامعه مدینه مسجد بود که پیامبر به درستی آن را به عنوان نخستین نهاد در جامعه مدینه تاسیس نمود و بدین ترتیب با تشکیل حکومت اسلامی، پیامبر ادبیات سیاسی جدیدی را پایه گذاری کرد؛ ادبیات سیاسی که در آن حکومت کننده امام و حکومت شونده امت مقر حاکمیت مسجد بود. مسجد نماد اسلامی شدن شهرها در فتوحات اکنون که دریافتیم که مسجد نخستین نهاد شهر مدینه بود لازم است به این نکته نیز اشاره نماییم که این نقش برای مسجد در تمامی دوران فتوحات حفظ شد و فاتحان مسلمان همواره به این سنت پیامبر تاسی می نمودند. هر کجا شهری بنا می کردند اولین بنای آن که نماد اسلامی بودن شهر محسوب می شد ساختن یک مسجد بود، آنهم در میانه شهر. آن چنان که در بصره و کوفه چنین شد. مسلمین پس از پیروزی بر سپاه ایران در قادسیه، بصره و کوفه را از این جهت که برای اقامت سپاهیان اردوگاه مناسبی بود ساختند. در زمان خلافت عمر به سال ۱۶ هجری عتبه بن غزوان، بنیان بصره را آغاز کرد و کوفه نیز به دست سعد بن وقاص بنیاد گرفت، بصره در آغاز کار به یک دهکده بیشتر شباهت داشت. نخست در آن جا مسجدی ساختند و پهلوی مسجد دارالاماره به وجود آمد و در اطراف آن هر ناحیه به قبیله ای اختصاص یافت که در آن مسجد و... وجود داشت. (۴۵) درباره کوفه نیز که در سال ۱۷ هجری ساخته شد ابوالهیاج بن مالک اسدی نقشه خیابانها و کوچه ها را کشید و مسجد جامع را پی افکند و جلو آن را سایبانی بر ستونهای سنگی ساخت، مسجد را وسط شهر قرار دادند و کوچه ها از آن آغاز می

شد. (۴۶) در زمان منصور عباسی سپاهی برای فتح مناطق سند گسیل شد که فرمانده آن سپاه هشام بن عمر و تغلبی بود. وی کشتی‌ها ساخت و آنها را به رودخانه سند انداخت و تا قندهار پیش رفت و آن را فتح کرد و اسیر گرفت و بدبختانه را ویران ساخت و به جای آن مسجدی بنا نهاد. (۴۷) به نظر می‌رسد که در سیره پیامبر علاوه بر آن چه درباره مسجد النبی در مدینه اشاره شد تأکیدات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد و پیامبر خود نیز در سرزمینهایی که در طول حیات ایشان به جامعه اسلامی ملحق می‌گشت چنین عمل می‌فرمود و از این رو مسلمین با الهام گرفتن از این سنت مؤکد نسبت به تاسیس مسجد در جریان فتوحات اهتمام ورزیدند. به عنوان نمونه در طبقات ابن سعد آمده است که پس از این که در عام الوفود، نمایندگان بنی حنیفه برای پذیرش اسلام از یمامه به مدینه آمده بودند به هنگام بازگشت پیامبر (ص) ظرف آبی به آنها داد که در آن مقداری از آب باقی مانده از وضوی آن حضرت قرار داشت و فرمود: چون به سرزمین خود رسیدید معابد خود را ویران سازید و به جای آنها از این آب پاشید و همان جا مسجد بسازید و چنان کردند. در توضیح علت این امر به نظر می‌رسد علاوه بر آن مطالبی که در بخش قبلی پیرامون ضرورت تاسیس مسجد به عنوان اولین نهاد در مدینه بدان‌ها اشاره شد و در این زمینه نیز صدق می‌کند، یک نکته بسیار اساسی دیگر نیز درباره شهرهای فتوحات وجود داشته است و آن این که مسجد نشانی از روح اسلامی بود و تسلط معنوی مسجد بر شهر باعث تذکر دائم ارزشهای اسلامی و غلبه معنویت بر روابط اجتماعی مردم شهر می‌گشت وقتی مساجد در وسط شهر ساخته و همه خیابانهای اصلی شهر به آن ختم می‌گردید، طبیعی است که مردم به صورت روزمره با آن نماد اسلامیت شهرشان ارتباط برقرار می‌کردند و این باعث می‌شد که روح ارزشهای اسلامی در جامعه زنده بماند و حال آن که اگر به مساجد توجه نمی‌شد و یا مرکزیت خود را در شهرها از دست می‌داد و به حاشیه رانده می‌شد چنان که در دوره‌های بعد این اتفاق افتاد از تسلط معنویت بر شهرها خبری نبود، بدین ترتیب مساجد همواره نماد اسلامیت و حافظ روح اسلامی یک شهر در سراسر جهان اسلام به شمار می‌رفت.

### چگونگی تاسیس مسجد در مدینه

#### اشاره

پس از وقوف به موقعیت مسجد، پرداختن به چگونگی تاسیس مسجد در مدینه با رویکردی تاریخی خالی از لطف نیست. لذا در این بخش به صورت مختصر به ساخت مسجد قبا و نیز مراحل مختلف تاسیس مسجد در مدینه اشاره شده است و از نحوه ورود پیامبر به مدینه و تعیین زمین مسجد و مشارکت عمومی پیامبر و مردم در ساخت مسجد و نیز طرح بنای مسجد که در مناسبت کامل با روح اسلام بود، سخن به میان آمده است. بدیهی است که تفصیل این مراحل را باید در کتب معتبر تاریخی جستجو کرد و در این جا به تناسب این نوشتار صرفاً به اشاراتی اکتفا شده است.

#### مسجد قبا

لمسجد اسس علی القوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیہ رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین . (۴۸) همان مسجد که بنیانش از اول بر پایه تقوا محکم بنا گردیده سزاوارتر است بر آن که در آن اقامه نماز کنی که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند و خدا، مردان پاک مذهب را دوست می‌دارد. این آیه به نظر اکثر مفسرین درباره مسجد قبا یعنی همان مسجدی که پیامبر اکرم پس از هجرت در نخستین روزهای ورود به حوالی مدینه آن را ساخت نازل شده است. مسجدی که اساس آن بر تقوا گذاشته شده و در آن مردانی حضور می‌یابند که خالصانه در صدد بندگی و تهذیب نفس هستند. درباره ساخت این مسجد در کتب معتبر تاریخی چنین نقل شده است که: روز دوشنبه بود که رسول خدا (ص) در محله قبا وارد شد و تا روز



جمعه در قبا در میان قبیله بنی عمرو بن عوف ماند و در همان چند روز مسجد قبا را که نخستین مسجدی است که در اسلام بنا شده به دست خود بنا کرد. (۴۹) مسعودی نیز در مروج الذهب با اشاره به تاریخ ورود پیامبر روایت مشابهی را نقل می‌کند و می‌نویسد: ورود پیامبر (ص) به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود. وقتی به مدینه رسید در قبا بر سعد بن هیشمه فرود آمد و مسجد قبا را ساخت و روز دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در قبا بود و روز جمعه چاشتگاه به راه افتاد. (۵۰) بدین ترتیب اگر تاریخی که مسعودی نقل کرده است را بپذیریم ساخت مسجد قبا در فاصله دوازدهم تا شانزدهم ربیع الاول سال اول هجری صورت گرفته است. با توجه به این که پیامبر برای رسیدن علی (ع) که در مکه به موجب ماموریت‌هایی که داشت باقی مانده و سپس حرکت کرده بود، در قبا منتظر مانده بودند و می‌خواستند که با علی (ع) وارد مدینه شوند. پس از پیوستن ایشان به پیامبر (ص) در قبا به موجب برخی روایات، رسول گرامی اسلام (ص) مسجد قبا را با یاری علی (ع) بنا کرد. (۵۱) البته با توجه به حضور برخی مسلمانان در قبا و در میان قبیله بنی عمر و بن عوف احتمال شرکت آنان در ساخت مسجد نیز وجود دارد. به هر حال پیامبر این مسجد را قبل از ورود به مدینه ساخت و البته پس از تغییر قبله به سوی کعبه پیامبر به همراه جمعی از یاران به محل این مسجد آمدند و قبله آن را که به سوی بیت المقدس بود به سوی کعبه گردانیدند و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می‌کند که: چون قبله از بیت المقدس به کعبه پیامبر به همراه جمعی از یاران به محل این مسجد آمدند و قبله آن را که به سوی بیت المقدس بود به سوی کعبه گردانیدند و همین امر موجب تعمیراتی در مسجد قبا گردید. ابن سعد در این باره نقل می‌کند که: چون قبله از بیت المقدس به کعبه تغییر پیدا کرد پیامبر (ص) به محل مسجد قبا آمد و دیوار آن را در مین محل که امروز قرار دارد بنا نهاد و فرمود جبرئیل جهت قبله را برای من تعیین می‌کند و خود (۵۲) آن حضرت و یارانش برای ساختن آن مسجد سنگ حمل می‌کردند. (۵۳) پس از ای نیز پیامبر اکرم در تمام دوران مدینه احترام و تکریم خاصی از مسجد قبا می‌فرمودند و پیوسته مسلمین را به حضور و نماز گزاردن در این مسجد تشویق می‌نمودند و می‌فرمودند: هر کس به این مسجد من که مسجد قباست بیاید و در آن جا دو رکعت نماز گزارد با برخورداری از ثواب عمره باز می‌گردد. (۵۴) علاوه بر این تشویق‌ها پیامبر خود نیز دائما در این مسجد حضور می‌یافتند و در آن اقامه نماز می‌فرمودند. به طوریکه ابن سعد چنین نقل می‌کند که پیامبر (ص) هر روز شنبه پیاده به مسجد قبا می‌آمد (۵۵) و اینها همگی حاکی از منزلت و جایگاه ویژه مسجد قبا در نزد پیامبر بود. و شاید بتوان گفت که این مسجد در مدینه پس از مسجد النبی در رتبه دو اعتبار و اهمیت قرار داشته و دارد؛ مسجدی که به تعبیر قرآن کریم بنیان آن بر تقوای الهی نهاده شده است.

### ورود به مدینه و ماءموریت ناقه

پیامبر اکرم (ص) در روز جمعه پس از چهار روز اقامت در قبا با همراهی علی بن ابیطالب (ع) در میان استقبال پرشور انصار که از مدتها قبل انتظار ورود آن حضرت را می‌کشیدند وارد مدینه شدند. مردم انصار طایفه به طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند، پیش آن‌ها فرود آید و مهار شترش را می‌گرفتند پیامبر مهار آن را می‌کشید و می‌فرمود: بگذارید برود که ماءمور است. در این تدبیر دو نکته نهفته است؛ اول اینکه مکانی که در آن مسجد النبی تاسیس شد مکانی بود که توسط باری تعالی انتخاب شد حتی اراده پیامبر هم در این انتخاب نقش نداشت بلکه اراده الهی از طریق یکی از جنودش که ناقه باشد مکان مسجد النبی به عنوان پایگاه اسلام را تعیین نمود. دیگر این که این تدبیر باعث شد که زمینه هر گونه سوء تفاهم میان طوایف مدینه از بین برود، طبیعی است که میزبانی از پیامبر افتخار بزرگی بود که اگر القاب پیامبر نصیب یکی از طوایف می‌گشت موجب آزرده‌گی و ناراحتی دیگر قبایل می‌شد و همین مسأله در بدایت امر می‌توانست مشکلاتی را برای پیامبر و جامعه مدینه ایجاد کند بخصوص که یثرب همواره آبستن درگیریهای سنگین و سخت میان قبایل خود بود. اما این تدبیر که ناقه ماءمور انتخاب منزلگاه پیامبر باشد همه را قانع

کرد. چرا که آن را ناشی از مشیت الهی می‌دیدند و لذا همه نیز به جایگاه انتخابی رضایت دادند. پس از این که ماءموریت ناقه به اطلاع رسید شتر مزبور همچنان بیامد تا به محله بنی مالک بن نجار رسید و در همان جایی که اکنون مسجد آن حضرت قرار دارد زانو زد و خوابید زمین مزبور متعلق به دو کودک یتیم بود به نامهای سهل و سهیل فرزندان عمر و که در تحت سر پرستی معاذ بن عفره زندگی می‌کردند و در آن زمین خرماهای خود را که از درخت می‌چیدند خشک می‌کردند. شتر رسول خدا در آن زمین خوابید ولی آن حضرت پیاده نشد، از این رو شتر برخاست. چند قدمی برداشت ولی مجدداً به پشت سر خود نگاه کرده به همان جای اول بازگشت و همانجا زانو زده خوابید. و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسباند. در این وقت رسول خدا (ص) از شتر پیاده شده پرسید: این زمین کیست؟ معاذ بن عفره پیش آمده عرض کرد: این جا متعلق به فرزندان یتیم عمرو، سهل و سهیل است که تحت سر پرستی من هستند و من آن دو را راضی می‌کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در این جا مسجدی بنا کنید. (۵۶) سخن درباره نحوه در اختیار گرفتن زمین در سیره به همین جا ختم می‌شود اما برخی منابع دیگر تاکید دارند که پیامبر به واگذاری زمین راضی نشدند و آن را از آن دو طفل خریداری نمودند. پیامبر (ص) آن دو پسر بچه را خواست و پیشنهاد کرد آن قطعه زمین را برای ساختن مسجد بفروشند، گفتند زمین را برای مسجد می‌بخشیم و به شما می‌دهیم. رسول خدا (ص) نپذیرفت و فقط به خریدن از آنها قبول کرد. (۵۷) درباره این زمین نیز که برای مسجد انتخاب شد نقلهایی هست که پیش از ورود پیامبر به مدینه نیز نمازگاه مسلمین مدینه بوده است از جمله ابن سعد نقل می‌کند که آن زمین به صورت چهار دیواری بدون سقفی بود و قبله اش به جانب بیت المقدس بود که اسعد بن زراره آن را ساخته و با یاران خود آن جا نماز می‌گزارد. (۵۸) نویری نیز همین نظر را تایید می‌کند و نقل می‌کند که زمینی که ناقه رسول خدا بر آن زانو زد همان موقع هم زمینی بود که گروهی از مسلمانان در آن جا نماز می‌گزاردند. (۵۹) بدین ترتیب با مشخص شدن محل ساخت مسجد النبی پیامبر رسماً دستور ساخت بنای مسجد را صادر نمودند و بدین ترتیب نخستین مشارکت عمومی امت اسلامی در ساخت مسجد شکل گرفت.

### مشارکت عمومی در ساخت مسجد

برای آغاز ساخت مسجد لازم بود که ابتدا زمین مزبور تسطیح شود و زوائد آن از بین برود. لذا پیامبر (ص) فرمان داد تا درختان خرما و درختان خاردار دیگری را که در آن زمین بود بریدند و خشت خام کردند و دستور فرمود تا چند گور را که از دوره جاهلیت در آن بود نبش کردند و استخوانها را در جای دیگر دفن نمودند، در بخشی از زمین آبی بود که آن را کشیدند تا خشک شد و مسجد را بنیان نهادند. (۶۰) نکته مهم در جریان بنیانگذاری مسجد، حضور فعال شخص پیامبر اکرم (ص) و کار کردن ایشان پیش و بیش از دیگران بود. به طوری که درخواستهای مکرر اصحاب مبنی بر این که آنها کارها را انجام می‌دهند و پیامبر به استراحت بپردازند، اثری نداشت و پیامبر (ص) همچنان به فعالیت خودشان ادامه می‌دادند و طبیعی بود که این حضور موجب حضور جدی تر و پر شورتر اصحاب به تبعیت از پیشوای خود می‌شد. ابن هشام در سیره به این موضوع اشاره دارد و می‌نویسد: پس از این که رسول خدا (ص) دستور بنای مسجد را در آن زمین داد ابتدا خود آن حضرت دست به کار ساختمان مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند و از همین رو عموم مهاجر و انصار در بنای مزبور شرکت جسته و کوشش بسیاری در اتمام آن کردند. (۶۱) تلاش غالب مسلمانان در مشارکت ساختمانی هم از شوق آنان حکایت داشت و هم متأثر از مشارکت کاملاً فعال پیامبر بود. آنان می‌دیدند که رسول خدا (ص) نه تنها در موضع نظارت و هدایت ننشسته بلکه خود در کنار همه بلکه بیش از همه در ساختن بنا فعال است. از این رو هرگز روا نمی‌دیدند که بی دلیل در سایه ای بیارامند و شاهد تلاش و کار پیشوای خود باشند. (۶۲) از جمله روشهایی که پیامبر و اصحاب در این کار سنگین برای حفظ روحیه به کار گرفتند زمزمه اشعاری با مضامین خوب و مطلوب بود که هم باعث ایجاد شادابی در محیط کار می‌گشت و هم باعث می‌شد که کمتر خسته شوند. به خصوص که

شخص پیامبر (ص) نیز به این کار اقدام نمودند و با زمزمه‌هایی حتی انصار و مهاجرین را دعا می‌کردند و این خود بر شوق آنان می‌افزود. از جمله زمزمه‌هایی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است این که: اللهم لا عیش الا عیش الاخره فاغفر للانصار و المهاجره هذا الحمال لاحمال خيبر هذا ابر ربنا و اطهر پروردگارا، زندگی جز زندگی آن جهانی نیست. خدایا انصار و مهاجران را بیامرز. و نیز این بیت: اینها بارهای پر برکت است نه بارهای خیر، آری سوگند به پروردگار ما، این نیکوتر و پاک‌تر است. (۶۳) و علی بن ابیطالب (ع) نیز این ابیات را می‌خواند: لایستوی من یعمر المساجد ایداب فیه قائما و قاعدا و من یری عن الغبار حائدا کسانی که با کوشش و جدیت در هر حال به ساختمان مسجد اقدام می‌کنند با کسانی که روی خود را از غبار و خاک می‌گردانند مساوی و یکسان نیستند. (۶۴) بدین ترتیب نخستین و در عین حال یکی از زیباترین جلوه‌های مشارکت عمومی مسلمین در ساخت مسجد مدینه به نمایش گزارده شد و جامعه مدینه شاهد آغاز نوع دیگری از مشارکت فعال و آگاهانه اقشار مختلف مردم از طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی در کنار هم در راستای هدفی الهی و اجتماعی بود و این روند در طول دوران حیات پیامبر در عرصه‌های مختلف نمود داشت و الگوساز بود. در پایان سخن پیرامون چگونگی ساخت مسجد مدینه، در یغمان می‌آید که از صحابی پاکباخته رسول خدا (ص) عمار سخن به میان نیاوریم که به گواه منابع معتبر تاریخی نخستین کسی بود که برای ساخت مسجد دست به کار شد و بیش از همه در این راه تلاش کرد و زحمت کشید. و به همین دلیل پیامبر نیز وی را مورد ملاحظت ویژه قرار دادند و او را پوست میان دو چشم خویش خواندند. اتفاقا خبر شهادت عمار به دست گروه باغی را نیز در همین جا به وی ابلاغ فرمودند. در سیره ماجرا چنین نقل شده است که عمار نخستین کسی است که اقدام به ساختمان مسجد کرد، عمار در کار ساختمان مسجد بیش از دیگران زحمت می‌کشید و خشت برای بالا بردن دیوار حمل می‌کرد. روزی آنقدر خشت بر پشتش بار کردند که به رسول خدا (ص) عرض کرد: اینان امروز مرا کشتند. بارهایی از من کشیدند که خود یارای کشیدن آن را ندارند. رسول خدا (ص) که این سخن را از عمار شنید، دست خود را به موهای سر عمار که گرد آلود شده بود کشید و فرمود: ای فرزند سمیه، اینان کشته تو نیستند. بلکه کشته تو گروه متجاوز و ستمکار است. (۶۵)

### طرح بنای مسجد

باید گفت طرح بنای مسجد طرح منحصر به فرد بود و هیچ نشانی از تقلید از بناها و ساختمانهای دیگر و حتی عبادتگاهها و معابد سایر ادیان در آن مشاهده نمی‌شد. به طوری که وقتی در طرحی که پیامبر در ساخت مسجد اجرا کرد تامل می‌کنیم وضوح، اصالت و تطابق کامل این طرح با روح اسلام ما را به تعجب وامی‌دارد. بی‌شک پیامبر طرحهایی کلی از شکل کلیساها و کنیسه‌ها در اختیار داشته است و دست کم در سفر دومی که در سن ۲۴ سالگی با سرمایه خدیجه (س) به شام رفت کلیاتی از آن در ذهنش وجود داشت. اما در بنای مسجد هیچ یک از این طرحها تأثیر نداشته، و هیئت و طرح آن تنها برگرفته از روح اسلام بود. (۶۶) گزارشهای تاریخی موجود از جمله گزارش ابن سعد از طرح بنای مسجد گواهی بر صدق این گفته‌هاست. وی در باب ساختمان مسجد می‌نویسد: طول آن از محل محراب تا آخر مسجد صد ذراع و عرض آن هم همچنان و مسجد مربع بود و برخی گفته‌اند کمتر از صد ذراع بوده است. پایه‌های اصلی را به اندازه سه ذراع با سنگ بنا کردند و بقیه را با خشت خام... و سه در برای آن قرار دادند. دری در آخر مسجد و دری دیگر که آن را در رحمت نامگذاری کردند و در سوم مخصوص آمد و شد رسول خدا (ص) بود، تمام دیوارها ساده بود و تنه درختان خرما را ستون قرار دادند و آن را با شاخ و برگ خرما پوشاندند. به پیامبر (ص) گفته شد: آیا برای مسجد سقف نمی‌سازی؟ فرمود: نه سایبانی چون سایبان موسی (ع) کافیت، مقداری چوبهای کوتاه و برگ. اجل شتابان تر از این است. (۶۷) در واقع از آن جایی که اسلام دینی ساده و روشن است و تنها جاده‌ای است میان عبد و خالق، بنابراین مسجد پیامبر (ص) نیز مکانی است پاکیزه که بنده با آفریدگار خویش ملاقات می‌کند؛ قطعه تمیز و مسطح و پاکیزه از



زمین که دیواری محیط بر آن (۶۸) است. علاوه بر روح سادگی اسلام که بر مسجد مدینه حاکم بود یک مساله اساسی دیگر وجود داشت و آن ضرورت اصالت مسجد در اسلام بود. برای پیامبر حفظ استقلال و اصالت اسلام و نمودهای آن مساله ای اساسی بود و ایشان با حساسیت خاصی از این امر مراقبت می نمودند. نمونه این امر را در جریان تغییر قبل شاهد هستیم که پیامبر (ص) به شدت مایل بودند که قبله اسلام مستقل از قبله یهود باشد و قرآن نیز به این تمایل اشاره دارد. بدیهی است که اصالت مسجد اگر مهمتر از استقلال قبله نباشد کم اهمیت تر نیست. بنابراین ساختمان مسجد به عنوان نهاد دینی و اجتماعی اسلام باید نشانگر هویت مستقل اسلام می بود و لذا در طرح بنای مسجد مدینه کمترین نشانی از تقلید و اقتباس از معابد یهود و مسیحیت دیده نمی شود. این سادگی و اصالت در تمام دوران صدر اسلام حفظ شد. در زمان ابوبکر هیچ تغییری در مسجد داده نشد و در زمان خلیفه دوم نیز صرفاً بر وسعت و تعداد درهای آن افزوده شد و آن نیز ناشی از افزایش جمعیت مسلمین و کثرت زائران دیگر بلاد به ویژه در ایام حج بود. تنها در زمان عثمان مسجد اندکی تغییر کرد. وی در سال ۲۹ هجری قمری مسجد پیامبر را وسعت داد و در ستونهای آن قلع به کار برد و طول آن را صد و شصت ذراع و پهنای آن را صد و پنجاه ذراع قرار داد. (۶۹) بدین ترتیب تا پیش از دوران اموی ویژگیهای سادگی و اصالت برای مسجد النبی حفظ شد و تنها از این دوره بود که همراه با تغییرات بنیاد دینی که در همه چیز اسلام اتفاق افتاد، در بنای مسجد نیز تغییرات مختلفی به جود آمد.

## کارکردهای مسجد در صدر اسلام

### توضیح

پیش از این اشاره کردیم که بدون تردید درخشان ترین فراز حیات مساجد در طول تاریخ تمدن اسلامی دوران صدر اسلام است. چرا که در این دوران مساجد جایگاه و همه کارکردهای واقعی خود را به کامل ترین شکل دارا بودند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم نقشی کاملاً برجسته و مطلوب داشتند. باید خاطر نشان ساخت که در صدر اسلام مساجد صرفاً مراکز انجام دادن اعمال عبادی تلقی نمی شدند. بلکه همچنین مکانهایی برای انجام دادن فعالیت‌های اداری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، و نظامی جامعه مسلمانان نیز محسوب می شدند. وقتی که مسجد مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام بنا نهاده شد، این قلب تپنده امت اسلام به عنوان مرکز عبادت، مرکز سیاست، مرکز قضاوت و مرکز آموزش و مورد توجه و مراجعه آحاد مسلمین بود. این یگانگی گویاترین تجلی وحدت ابعاد مختلف معنوی و مادی زندگی فردی و جمعی مسلمین بود. (۷۰) در مسجد نماز جمعه و جماعت بر پا می شد و مسلمانان برای تعلیم دین و شنیدن وعظ و خطابه در آن جمع می شدند، همچنین مساجد محل قضاوت و داوری میان مردم، تدریس علوم مختلف دینی، قرائت قرآن و پرسش و پاسخهای علمی و محل شب به روز آوردن مسافران و غریبان بود. علاوه بر این مساجد پایگاه سیاسی جامعه و منبر آن تریبون رسمی حکومت و محل انتصاب فرمانداران و فرماندهان و ابلاغ احکام و دستورات و نیز مکان شور و مشورت و انتشار اخبار و گزارشهای تازه و بعضاً گفتگو درباره مسائل مالی و بازرگانی و معاملات تجاری به شمار می رفت. این روند محدود به دوران پیامبر نبود. پس از ارتحال نبی اکرم (ص) خلفای راشدین نیز به همان ترتیب از مساجد استفاده کردند. خلیفه هم به عنوان امام جماعت و هم به عنوان خطیب جامعه مومنان به شمار می آمد و با همان قدرت و اقتدار پیامبر بر منبر می نشست و احکام و سیاستهای خود را بیان می کرد. (۷۱) این کارکردهای متعدد، مسجد را به مرکز بی بدیل جامعه اسلامی تبدیل کرده بود. امام تحولات و افولهایی که در دوره های بعد به تدریج این کارکردها را تحت الشعاع قرار داد، آرام آرام مسجد را از مرکز جامعه به حاشیه راند. در این فصل تلاش شده است در نگرشی نسبتاً اجمالی کارکردهای مختلف دینی، علمی و آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی مساجد در صدر اسلام بررسی شود. و در

ضمن در بخشی مستقل ویژگیها و کارکرد منبر به عنوان یکی از اجزای مهم و اصلی مساجد نیز تبیین گردد.

## کارکرد دینی و تبلیغی

مساجد در درجه اول نهادهای دینی جامعه اسلامی محسوب می‌شوند که بایستی در آن شعائر دینی و آداب مذهبی اقامه شود و دین خدا در آن جا به صورت روزمره از سوی پیروان به نمایش گذارده شود. بدون تردید بزرگترین عبادتی که در مسجد بر پا می‌شود نمازهای جماعت پنجگانه است که نمادی از شکوه توحید و عزت بندگی و حیات امت واحده است. این عبادت شکوهمند در عهد رسول الله (ص) و صدر اسلام بیش از امروز مورد اهتمام بود و مسلمین با اشتیاق فراوان هر روز چندین نوبت در مسجد پیامبر حاضر می‌شدند. و با تشکیل صفوف منظم به امامت پیامبر به نماز می‌ایستادند و این گونه امت به پیشوایی امام خود فرایض دینی را ادا می‌کردند و به سوی خدا سیر می‌نمودند. اقامه نماز جماعت و ضرورت اجتماع مردم در زمانهای مشخص ضمن این که باعث به وجود آمدن نوعی نظم روزانه در زندگی مردم شده بود، یکی از زمینه‌های اصلی تشریح اذان به عنوان ندای اسلام شد؛ ندایی که قرن‌هاست بر فراز گلدسته‌های مساجد در همه عالم طنین انداز است. حکایت از این قرار بود که در روزگار رسول خدا و در اوایل تاسیس مسجد پیش از تغییر قبله و سیله ای برای اجتماع مردم وجود نداشت و معمولاً منادی پیامبر (ص) ندا می‌داد و مردم جمع می‌شدند. هنگامی که قبله تغییر کرد، رسول خدا (ص) به فکر افتاد که اوقات نماز را به اطلاع مسلمانان برساند، مسلمانان پیشنهادهایی کردند. برخی گفتند از بوق و شیپور استفاده شود و برخی گفتند از ناقوس، لکن پیامبر اینها را به خاطر تشبیه به یهود و مسیحیت نپسندیدند؛ چرا که ندای اسلام نیز باید همانند قبله و عبادتگاه اسلام اصیل و مستقل باشد. در این خلال شبی مردی از انصار به نام عبدالله بن زید بن ثعلبه خوابی دید که در آن خواب جملات اذان به او آموخته شد. آن مرد انصاری شبانه به حضور پیامبر (ص) آمد و خواب خود را به اطلاع آن حضرت رساند. رسول خدا (ص) فرمود: این خواب تو حق بوده و روای صادقی است. هم اکنون برخیز و آن را به بلال که صدای نافذتری دارد تعلیم کن تا هنگام نماز آن را بگوید، و بدین ترتیب از آن روز اذان متداول شد و مردم با شنیدن صدای اذان به سوی مسجد برای اقامه نماز به راه می‌افتادند. (۷۲) البته درباره تشریح اذان نظرات دیگری نیز وجود دارد و بخصوص بزرگان شیعه آموختن اذان به پیامبر را کاملاً رد می‌کنند و معتقدند که اذان مدتها قبل و حتی در معراج به پیامبر آموخته شده بود. نظر دیگری نیز درباره جمع دو نظریه وجود دارد. و آن این که اذان از مدتها قبل به پیامبر تعلیم داده شده بود ولیکن چون در آن هر بار نام پیامبر برده می‌شد، ایشان نمی‌خواستند خود آن را معمول کنند؛ چرا که طعنه‌های منافقین و یهود در راه بود. لذا به این طریق که یکی از انصار خوابی دید و اذان را بیان نمود، تشریح شد تا زمینه ای برای یاوه سرایی و طعنه باقی نماند. البته این نظر نیز قابل نقد و بررسی است. اما آن چه که مسلم است اذان مدتی پس از تاسیس مسجد مقرر و متداول شده و از آن زمان نیز به عنوان مقدمه ای لازم بر اقامه نماز در مساجد هر روز این ندای آسمانی به گوش جان مسلمین می‌رسید و آنها را به توحید و نبوت و نماز متذکر می‌گردید. هم اکنون در جوامع اسلامی پیش از آفتاب و نیمه روز پسینگاه نزدیک غروب مؤذن بر گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز می‌خواند. به راستی چه نیرومند است و شریف این دعوت که مردم به پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند، چه خوب است که انسان به هنگام نیمروز از کار باز ایستد و چه بزرگ و با شکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند جل جلاله توجه کند. (۷۳) این سنت در دوران خلفای نخستین نیز با جدیت پیگیری می‌شد و همواره یکی از وظایف مقدس خلیفه این و بد که در نمازهای پنجگانه امام مردم باشد و مردم به او اقتدا نمایند. و بدین ترتیب همواره نمازهای جماعت با شکوه فراوان و با حضور انبوه مردم از رؤسا و سران تا افراد عادی در مساجد تشکیل می‌شد. علاوه بر نمازهای یومیه نمازهای واجب و مستحبی دیگری هم مانند نماز آیات و نماز اعیادی مانند عید فطر نیز در مسجد النبی برگزار می‌گردید و نماز میت هم در مجاورت مسجد توسط پیامبر بر مسلمین از دنیا رفته اقامه می‌شد. اما

یکی از عظیم‌ترین فرائضی که در مساجد برگزار می‌شد نماز جمعه بود. نماز جمعه به عنوان یک فریضه اجتماعی، عالیترین و زیباترین عرضه تلفیق دین و سیاست و از شؤون حکومت اسلامی بود که در نخستین روزهای ورود پیامبر (ص) به مدینه پایه گذاری شد و لذا قدمت تاریخی با تاریخ مسجد یکی است. ظرف مکانی این فریضه، مسجد و امام آن حاکم جامعه اسلامی و امام امت بود. نماز جمعه از فرائض دارای فضیلت است و علاوه بر این در متن قرآن کریم به ضرورت توجه مسلمین به آن اشاره شده است: یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروالبع، ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون. (۷۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا دهند پس بشتابید به سوی ذکر خدا و تجارت را واگذارید، این برای شما بهتر است اگر بدانید. و حتی از این آیه و جوب نماز جمعه نیز برداشت شده است. در سخنان و احادیث اولیاء دین و ائمه هدی که همگی سخنان نبی اکرم (ص) است نیز به فضایل این فریضه عبادی و سیاسی اشاره شده است. از جمله امام صادق (ع) می‌فرمایند: هیچ قدمی نیست که در حرکت و سعی به سوی نماز جمعه باشد جز این که خداوند بدن صاحب قدم را بر آتش حرام می‌کند. (۷۵) و نیز امام باقر (ع) می‌فرماید: هنگامی که روز جمعه می‌شود ملائکه مقرب نازل می‌شوند و کاغذهایی از نقره و قلمهایی از طلا با آنها هست. پس بر درهای مسجد بر صندلیهایی از نور می‌نشینند و نام ایشان را که از خانه هایشان وارد مساجد می‌شوند می‌نویسند، اولی و دومی و... تا زمانی که امام خارج شود. وقتی امام خارج شد صحیفه هایشان را می‌پیچند و این ملائکه مقرب در هیچ روزی جز روز جمعه فرود نمی‌آیند. (۷۶) چنین فضایی در کنار تاکید خاصی که در سیره نبوی در بر پایی نماز جمعه دیده می‌شود اهتمام همه جانبه مسلمین و حضور پر شکوه و دائمی آنها به صورت هفتگی در مسجد النبوی را موجب می‌گردید، روایات بسیاری از این حضور انبوه و خطبه‌های رسول مکرم اسلام در نمازهای جمعه در کتب مختلف و به ویژه در منابع روایی ذکر شده است. (۷۷) جالب آن که نماز جمعه نیز همچون مساجد به عنوان نماد حاکمیت اسلام از همان زمان رسول اکرم (ص) و سپس دوران فتوحات به سرعت به سراسر بلاد اسلام گسترش یافت و همه جا نماز جمعه به صورت منظم با حضور مردمان تازه مسلمان در مساجد برگزار می‌گردید. ظاهراً اولین نماز جمعه در خارج از مسجد النبوی و مدینه در مسجد عبدالقیس در منطقه ای موسوم به جواثا از نواحی بحرین اقامه شده است. (۷۸) همچنین در سنن الکبری نقل شده است که در دوران فتوحات و در عهد خلیفه دوم و سوم در هر شهر و قریه ای که جماعت زندگی می‌کردند و امیری بر آنها بود به نماز جمعه امر شده بودند و لذا اهالی اسکندریه و مدائن و مصر و... در روز جمعه برای ادای این فریضه جمع می‌شدند. (۷۹) بدین ترتیب یکی دیگر از کارکردهای دینی و در عین حال سیاسی و اجتماعی مساجد، بر پایی نمازهای جمعه بود که از مسجد النبوی آغاز شد و سپس به سایر مساجد جامع و مرکزی شهرها در همه بلاد اسلامی توسعه یافت. علاوه بر انجام آداب و عبادات دینی که به آنها اشاره شد، ستنهایی همچون اعتکاف را نیز باید به آنها اضافه کرد، یکی دیگر از کارکردهای مهم مساجد تبلیغ دین و ایراد خطبه‌های تبلیغی و همچنین ابلاغ احکام مهم دین اعم از احکام فردی یا اجتماعی بود که به ترویج تشریح می‌شد، به طوری که می‌توان مساجد را به عنوان کانون تبلیغات اسلامی و بزرگترین مکان مبلغان مسلمان در نظر گرفت. پیامبر (ص) از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمانها مهم، مانند اعلام حکم حرمت شرابخواری، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می‌کردند. (۸۰) سایر خلفا و بخصوص حضرت علی (ع) نیز دائماً در مسجد ایراد خطبه می‌نمودند و احکام و دستورات خود را ابلاغ می‌نمودند. امیرالمومنین (ع) بارها بای مردم کوفه در مسجد این شهر خطبه خواندند و آنها را به تقوای الهی و پاسداری از دین خدا دعوت می‌کردند. گاه نیز این خطبه‌ها به سبب بی‌وفایی‌ها و سستیهای مردم کوفه رنگ و بوی سرزنش و عتاب به خود می‌گرفت که بسیاری از این خطبه‌های در کتاب شریف نهج البلاغه جمع آوری شده است. کارکرد دیگری که در راستای امر تبلیغ می‌توان برای مسجد یاد آور شد سنت وعظ است. موعظه از زمان پیامبر اکرم (ص) متداول بود و ایشان شخصاً در مسجد به این امر می‌پرداختند و گاه خطبه‌ها به آن اختصاص می‌دادند و مردم را پند می‌دادند و با طرح مطالب حکمت آمیز اذهان مسلمین را آماده هدایت می‌

کردند. بعدها اصحاب بزرگترین وظیفه خود را موعظه مردم متناسب با آن چه از پیامبر آموخته بودند می دانستند. پس از آنها نیز علمای دین همواره بر این امر تاکید داشتند. موعظه آن چنان در مساجد اسلام جا افتاده است که به ندرت سخنرانی را می توان یافت که که حداقل بخشی از سخنان خود را به آن اختصاص ندهد. لازم به ذکر است که به دلیل غالب بودن وجه دینی این کارکرد و اصطکاک کمتر آن با مسائل سیاسی در دوره های بعد نیز این کارکرد در مساجد به طور جدی دنبال می شد و هیچ مانعی بر سر راه آن به وجود نمی آمد، بلکه همواره به آن توفیق نیز می شده است. و گاه حتی فعالیت مساجد در دوره هایی به همین وعظ و موعظه محدود شده است. لذا می توان از وعظ به عنوان پایدارترین کارکرد مساجد در طول تاریخ اسلام از صدر تا کنون نام برد. از جمله فعالیت های دینی دیگری که در مساجد انجام می شد آموزش و تعلیم احکام و مبادی دین بود که در بخش آینده بیشتر به آن پرداخته می شود. پیامبر شخصا مبادی و اصول دین و احکام و دستورات آنها را در مسجد به مردم تعلیم می دادند و همواره در طول روز پاسخگوی سوالات دینی و فقهی مردم بودند و گاه نیز برخی اصحاب آگاه و متبحر در امر دین را مأمور این تعلیمات می کردند. تعلیم و قرائت قرآن کریم هم از امور جاری و روزمره مساجد بود و همواره صورت قرآن از مساجد به گوش می رسید. این امور به عنوان مهمترین کارکردهای دینی و تبلیغی مطرح است که در همه ادوار اسلام به ویژه دوران صدر اسلام به طور جدی رایج بوده و مساجد از بر پایی آنها پر رونق بوده است. در فصول بعدی خواهید دید که کارکرد دینی مساجد گرچه تحولاتی را بعضا منفی و نامطلوب شاهد بود اما هرگز دچار افول و یا تغییرات بنیاد نشد و کارکرد خود را همچون برخی کارکردهای دیگر از دست نداد.

### کارکرد علمی، آموزشی و فرهنگی

هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (۸۱) این شعار بلند اسلام در اصالت بخشیدن به علم و ارزش گذاری صریح برای دانایی است و همین یک شعار حماسی کافی است که امتی را به حرکت در آورد و آنان را در مسیر علم آموزی تا مرحله جانبازی پیش برد. قرآن دعوت کرده بود به ایمان، یعنی باور مبتنی بر آگاهی و شناخت، پس هر مسلمانی مکلف بود که تحصیل ایمان کند. می دانیم که مقدمه واجب نیز واجب است. از این رو در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد، به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه عقلی او واجب است. و از این جا بود که تحصیل دانش در میان مسلمانان وجوب عینی پیدا کرد، و این به جز رشته های تخصصی بود که گاه وجوب کفایی داشت و گاه وجوب عینی. (۸۲) آیات متعددی از قرآن کریم به تشویق و توصیه در توجه به کائنات و درک و فهم آیات الهی در نظام هستی اختصاص یافته است. به تفکر آزاد در کلیات جهان هستی و در نظام کلی عالم و در نظامهای خاص مانند نظام آسمان و ستارگان و شب و روز و نباتات و حیوان و انسان و غیر آن امر می کند و بار ساترین ستایش کنجکاوی عقلی را می ستاید. (۸۳) این ستایشها و تاکیدات قرآن حس کنجکاوی جدی را در بین مسلمین بر می انگیزد و بدین ترتیب آنان آگاهی به آفاق و انفس و آیات متعدد الهی در عالم هستی را راهی مطمئن برای خدانشناسی و کسب معرفت و دستیابی به حق می دانستند و لذا با انگیزه فراوان که از یک غایت معتبر ناشی می شد وارد عرصه علم آموزی می شدند. علاوه بر آیات قرآن کریم، سیره نبوی عامل دیگری در رویکرد علمی و آموزشی جامعه اسلامی محسوب می شد. پیامبر رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود. آن هم در محیطی که سابقه ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آن وجود نداشت و بنابر گزارشهای معتبر تاریخی تعداد افراد با سواد در آن منطقه کمتر از بیست تن بود. این مسأله در کنار سخنان ارزشمندی که در فضیلت علم و عالم از نبی اکرم (ص) نقل می شد از قبیل اینکه حکمت گمشده مومن است پس هر کجا آن را یافت از همه مردم به آن سزاوارتر است. و یا علم را بجوید ولو در چین باشد. و ز گهواره تا گور دانش بجوید و...، اشتیاق و کنجکاوی جامعه عربی بدوی را افزایش می داد و آنان را مشتاقانه به محفل تعلیم و تدریس می کشاند. اما چنین تشویقها

و ترغیبهایی در میان آکادمیهای بزرگ یونان و یا دانشگاه بین المللی جندی شاپور انجام نمی شد؛ بلکه در محیطی انجام می گرفت که در آن هیچ سابقه ای از وجود یک نهاد علمی مشاهده نمی شود. از سوی دیگر علمی که اسلام مبلغ آن بود در راستای تحصیل ایمان و در جهت اهداف عالی دین و جامعه اسلامی بود. در چنین شرایطی طبیعی است که بهترین و مناسبترین مکان و ملجاء فعالیت‌های علمی و آموزشی در جامعه مسجد باشد؛ چرا که از یک سو نهاد دین است و از سوی دیگر اقامتگاه معلم بزرگ بشریت و مشوق اصلی این جریان علم خواهی، البته نگارنده به این نتیجه نرسیده است که کارکرد علمی و آموزشی یک کارکرد اصلی برای مسجد بوده است؛ اما بی تردید در آن زمان و در آن شرایط مسجد بهترین گزینه برای فعالیت‌های علمی و آموزشی محسوب می شد و پیامبر بزرگوار اسلام نیز با تأییدات خود بر این امر صحه گذاردند. رسول خدا (ص) می فرمودند: هر کس به مسجد من بیاید و هدفی جز فراگیری دانش یا آموختن به دیگری نداشته باشد، بسان مجاهدی است که در راه خدا به جهاد می پردازد. (۸۴) و نیز از ده تن از یاران پیامبر ص نقل شده است که: ما در مسجد قبا درس می خواندیم، چون پیامبر بیرون می رفت فرمود: آن چه می خواهید بدانید فرا گیرد و خدای شما را پاداش ندهد مگر آن چه را فرا گرفته اید به کار بندید. (۸۵) در روایت فوق مشاهده می شود که امور آموزشی در مدینه منحصر به مسجد النبی نبوده و در مساجد دیگر مانند قبا نیز این فعالیتها برقرار بوده است. اما مسجد نبوی در این شهر به عنوان جایگاه و اصلی مهمترین مرکز آموزش قرآن و فقه اسلامی به شمار می رفت. زیرا در این مسجد معلم بزرگ انسانیت حضرت محمد (ص) شخصا به کار تعلیم و ارشاد مسلمانان مشغول بودند و رد پرتو تعالیم و وحی فصلهای نوینی از اصول و مبادی دانشهای اسلامی را برایشان عرضه می کردند. (۸۶) طبقات و جلسات متعدد آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی در بیشتر ساعاتی روز و حتی شبانگاه در این مسجد تشکیل می شد و علاوه بر رسول خدا (ص) شخصیت‌های بزرگی از صحابه که به طور ویژه تربیت شده بودند و آگاهی و توانایی آنها مورد اعتماد پیامبر اکرم بود، همچون امیر مومنان (ع) ابن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب و... در این نشستها به تعلیم کتاب خدا و فقه اسلامی به مسلمان می پرداختند. (۸۷) البته توجه داریم که این آموزشها منحصر به قرائت قرآن و فقه نی شد. اما از آنجا که این دو علم مبتلا به مردم بود و هم مردم مایل بودند که قرآن را بخوانند و نیز به احکام فقهی که در زندگی روزمره و کسب و کار و روابط اجتماعی آنها دخیل بود واقف باشند لذا طبیعی بود که اهتمام به آموزش قرآن و فقه بیش از دیگر علوم باشد. اصحاب صغه نیز که مدتی در این مسجد می زیستند در آن جا به آموختن قرآن می پرداختند و عبادة بن صامت معلم ایشان بود. (۸۸) این روند آموزشی و علمی بیش از دو قرن در تمامی مساجد جهان اسلام جاری بود و تنها پس از تاسیس مدارس عالی و دانشگاههای جهان اسلام این روند کاهش یافت. البته همانطور که خواهیم دید، این مدارس عالی نیز ارتباط تنگاتنگ خود را با مساجد حتی در دوران میانه تا... اسلام از دست نداده اند. در دوره های پس از صدر اسلام همه متخصصان و طلاب علوم دینی جلسات مباحث خود را در مسجد بر پا می کردند. اهل حدیث نیز حلقه های خود را در مسجد دایر می کردند. در بعضی مساجد مجموعه های حدیث مخصوصا صحیح بخاری و صحیح مسلم قرائت و تعلیم می شد و سنت املاء کتب که وسیله اصلی انتشار کتب در چندین نسخه بود از مساجد آغاز گشت. احکام شریعت نیز در مسجد مسلمین تعیین می شد. مجالس تفسیر قرآن در مسجد بر پا می شد. در مساجد حوزه هایی بود برای مقابله و تلاوت قرآن که در آنها تجوید و قرائت نیز تعلیم می شد. به عبارت دیگر اختلاف قرائات یا قرائتهای مختلف نیز از دل مساجد جهان اسلام بیرون آمد. زهاد و صوفیه نیز بر خلاف دوره های بعد برای اعتکاف در مسجد خلوت می گزیدند. چنانکه حلقه های اذکار ذکر نام خدا هم در مساجد تشکیل می یافت. (۸۹) اندکی بعد مباحث جنجالی کلامی میدان دار اصلی عرصه علم و دانش در مساجد شد و حلقه های بزرگ متکلمین که در آن به طرح موضوعات و پرسش و پاسخهای کلامی در باب توحید و معاد و نبوت و قرآن پرداخته می شد، دایر گشت. اهل جدل در حلقه های متعدد به بحث از عقاید دینی بانگ بلند می کردند و در واقع دو مکتب کلامی بزرگ جهان اسلام یعنی اشاعره و معتزله از مسجد برخاستند و در مسجد تاسیس شدند. آموزش مباحث فقهی نیز که در دوران پیامبر آغاز گشته بود در دوره های



بعد در انجمنهای آموزشی شخصیت‌های بزرگی چون امام صادق علیه السلام و ائمه مذاهب اهل سنت مراحل بالندگی خود را گذرانده و به تدریج در کمتر از دو قرن چندین مکتب فقهی در سراسر جهان اسلام تاسیس شد که هر یک انبوهی از پیروان و مقلدان را به خود اختصاص داد. بنابراین مشاهده می‌شود که همه مکاتب بزرگ فقهی، تفسیری، کلامی حدیثی در مساجد جهان تاسیس شده، رشد یافتند و در یک کلام همه آنچه که بعدها بنیان علوم اسلامی به ویژه علوم اسلامی اصیل را تشکیل می‌داد و از مساجد خارج شد و بعدها پایه اصلی عصر طلایی اسلامی را تشکیل داد، به طوری که می‌توان گفت مسجد مرکز نهضت علمی تمدن اسلامی بود امروز به جهان نیز اسلام وامدار همین انجمنهای آموزشی مساجد و ادامه دهند و همان راه است علاوه بر فعالیت‌های علمی و آموزشی، کارکرد فرهنگی و ادبی نیز از دیگر کارکردهای مساجد از همان دوران پیامبر بود، به طوری که انجمنهای ادبی نیز در مسجد نبوی تشکیل می‌شد و به عنوان و شاعران و سخنوران بزرگ ادب و عرب در حضور رسول اکرم (ص) به انشاء شعر و ایراد خطابه می‌پرداختند و پیامبر اکرم (ص) شعر متعددی را که در خدمت مکارم اخلاقی و بیان ارزشهای معنوی به کار گرفته می‌شود ارج می‌نهاد (۹۰) در باب اهتمام پیامبر به شعر همچنین ابن سعد نقل می‌کند که پیامبر (ص) دستور داده بود برای احسان بن ثابت در مسجد منبری نهاده بودند و او اشعارش را از بالای منبر می‌خواند. (۹۱) در دوره های بعد نیز فعالیت‌های دینی و علمی مساجد هرگز مانع چنین امور ادبی نبوده است. به طوری که مثلا در مسجد بصره که در آن جا گروهی اهل جدل در حلقه ای به بانگ بلند از عقاید دینی بحث می‌کردند، نزدیک آنها دوستان شعر و ادب به حلقه دیگر بودند (۹۲) ملاقات و مناظره با سران دیگر ادیان نیز از جمله امور جاری در مساجد به ویژه در عصر پیامبر و در مساجد نبوی بود. پیامبر مکرر سران و پیروان ادیان دیگر همچون مسیحیت و یهودیت را در مسجد به حضور می‌پذیرفتند و پیرامون عقاید هر یک با هم بحث می‌کردند و پیامبر دعوت اسلامی را به آنها ابلاغ می‌فرمود. نمونه های فراوانی از این ملاقاتها وجود دارد که گزارشهایی در کتب تاریخ ضبط شده است. از آن جمله در سیره پیرامون دیدار گروهی از مسیحیان نجران با پیامبر در مسجد نقل شده است که هنگام عصر بود که نصاری به مدینه وارد شدند و یکسره به مسجد رفتند و در آن هنگام رسول خدا (ص) با مسلمانان نماز عصر به جا می‌آوردند. و پس از این که نمازشان به پایان رسید در محضر رسول خدا (ص) جلوس کردند و عقاید مختلفی که درباره حضرت عیسی (ع) داشتند اظهار کردند. و در این هنگام بیش از هشتاد آیه از سوره آل عمران در همین زمینه نازل شد. (۹۳) به نظر می‌رسد که مناظرات فراوان متکلمان بزرگ مسلمان با دانشمندان و روحانیان مسیحی و یهودی و مجوس در دوره های بعدی با الگو برداری از همین سنت نبوی انجام می‌شده است. بدین ترتیب می‌توان به عنوان یک کارکرد فرهنگی، تبلیغی و ارتباطی دیگر برای مساجد در دوره های مختلف به ویژه صدر اسلام از مسجد به عنوان مرکز گفتگوی ادیان در جامعه اسلامی نام برد.

## کارکرد سیاسی، اجتماعی و قضایی

### کارکرد سیاسی

بدون تردید در کنار کارکرد دینی، وسیعترین کارکرد مساجد در صدر اسلام کارکرد سیاسی آنها بود. به طوری که مسجد رسماً یک نهاد سیاسی در جامعه به شمار می‌رفت. شواهد تاریخی حاکی از این است که در صدر اسلام مسجد به عنوان نهادی حکومتی تلقی می‌شد. اسلام ذاتاً مخالف جدایی دین از سیاست نبود. از این رو یک فرد واحد هم زمامدار و هم مدیر اجرایی بود و یک ساختمان واحد هم مسجد بود و هم مرکز ثقل مسایل دینی و سیاسی. (۹۴) بنابراین مسجد تنها عبادتگاه جامعه نبود. بلکه مقری بود برای همه فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی که اتفاقاً بر اساس اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست در مکتب اسلام، عبادی نیز محسوب می‌شد و جوهره عبودیت در آن ملحوظ و آشکار بود. به عبارت دیگر در صدر اسلام مسجد بهترین نماد تلفیق

دین و سیاست بود و اصل سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست نخستین بار در مسجد النبی در معرض نمایش گذارده شد. علاوه بر این اقامت و حضور نسبتاً دائمی نبی اکرم (ص) به عنوان امام و رهبر جامعه در مسجد توجه خاص عمومی به این نهاد را دو چندان می کرد. در واقع سکونت رسول اکرم (ص) در مسجد بر اهمیت ویژه آن افزود؛ به گونه ای که مسجد مرکز سیاسی جامعه مسلمین شد. برای ایشان چندان مسلک نبود که در نزدیک مسجد خانه ای برای خویش بسازد. اما پیامبر می خواست اولاً پایگاهش در خود مسجد باشد تا مسجد تبدیل به مرکز سیاسی جامعه شود ثانیاً مسلمانان وضعیت زندگی پیامبر را با وجود تسلط ایشان بر همه امور به چشم خویش ببینند. تا خدمتگزاران جامعه اسلامی در زمان پیامبر یا پس از ایشان از این نمونه پیروی کنند. پیامبر می خواست به آنان بیاموزد که خدمت به مردم در جامعه اسلامی ریاست و سیادت نیست. بلکه خدمتی است که تنها برای خدا انجام می شود و هدف آن ثروت اندوزی، جاه طلبی، استفاده شخصی یا خودنمایی نیست. امر واجبی است که شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمین و تنها برای پاداش اخروی به جا می آورد. (۹۵) اما در تبیین دقیق تر این کارکرد، با بررسی تاریخ صدر اسلام شامل ده سال حاکمیت پیامبر در مدینه و پس از آن قریب به سه دهه حکومت خلفای راشدین، می توان کارکردهای ذیل را برای مساجد در حوزه سیاسی بر شمرد: ۱- دارالحکومه. ۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت. ۳- مجلس مشورتی. ۴- محل صدور فرمانهای حکومتی. ۵- محل انتصاب کارگزاران و سفیران. ۶- محل پذیرش سفیران دیگر اقوام و ممالک. ۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران. ۸- محل انتشار و ابلاغ اخبار مهمی چون اخبار فتوحات. این هشت مورد، ابعاد مختلف کارکرد سیاسی مسجد است که نگارنده در حد تضاعت و مطالعه اندک خود دست یافته است. و طبیعی است که بررسی بیشتر تاریخ صدر اسلام می تواند ابعاد دیگری از این کارکرد را روشن سازد.

## ۱- درالحکومه

در این مورد قبلاً توضیح داده شد که پیامبر در واقع با انتخاب مسجد به عنوان محل سکونت خود آن را به مرکز حکومتی و سیاسی جامعه تبدیل کرد. در دوران خلفای راشدین نیز گر چه هیچ یک مانند پیامبر مسجد و یا حاشیه مسجد را به عنوان خانه خود برنگزیدند، اما هرگز نه در خانه خود و نه در هیچ مکانی جز مسجد به امور حکومتی به خصوص جنبه عمومی آن نمی پرداختند و همواره در این دوران نیز مسجد به ویژه در پایتخت بلاد اسلام، دارالحکومه و مقر حاکمیت محسوب شده و توجه عمومی را به سوی خود داشت.

## ۲- محل بیعت و اعلام برنامه های حکومت

این امر نیز هم در زمان پیامبر اکرم (ص) اجرا می شد و هم دوران خلفای راشدین. مردم بخصوص آنان که به تیرگی به اسلام در می آمدند عموماً در مسجد با پیامبر بیعت می کردند و ولایت پیامبر بر خود را می پذیرفتند. پیامبر یا سخنگویان وی نیز همه فرمانها و احکام و نیز برنامه های حکومتی را در مسجد به اطلاع مردم می رساندند. شاید بارزترین و معروفترین آنها اعلام حکم جواز جهاد برای مسلمین بود که در مسجد النبی به اطلاع مسلمین رسید. در زمان ابوبکر گر چه بیعت اولیه در محل سقیفه بنی ساعده انجام شد اما بیعت عمومی با وی در روز بعد و در مسجد انجام یافت. وی سپس بر منبر بر آمد و یک پله پایین تر از نشیمن پیامبر خدا نشست و پس از سپاس و ستایش خدا گفت: من اکنون با این که بهتر شما نیستم بر شما حکومت یافتم. پس اگر راست بودم مرا پیروی نمایید و اگر کج شدم راستم کنید. نمی گویم که من در فضیلت از شما برترم لیکن در کشیدن این بار بر شما برتری دارم. (۹۶) خلیفه دوم نیز پس از به خلافت رسیدن و انجام بیعت در مسجد، بالای منبر رفت و یک پله پایین تر از جای ابوبکر نشست و با مردم آغاز خطبه کرد و سپاس و ستایش خدای گفت و درود بر پیامبر فرستاد و از ابوبکر و برتری او یاد کرد و برای او طلب

رحمت نمود. سپس گفت: من جز مردی از شما نیستم و اگر ناخوش نمی‌داشتم که فرموده‌ی جان‌نشین پیامبر خدا را رد کنم امر شما را به عهده نمی‌گرفتم. (۹۷) عثمان نیز دقیقاً همین‌طور عمل کرد و پس از بیعت در مسجد بالای منبر بر آمد و در همان جایی که پیامبر خدا در آن می‌نشست نشست و سخنرانی نمود. (۹۸) امیرالمومنین را نیز که مسلمین با آن شرایطی که در روز بیعت معروف است به مسجد بردند و پس از بیعت امیرالمومنین خطبه خواند و برنامه‌های حکومت خود و نوع خلافت خود را که با شیوه‌های قبلی تفاوت داشت، با قاطعیت بر منبر بیان فرمود. به امام حسن (ع) نیز که پس از شهادت امیر مومنان (ع) برای مدت کوتاهی به خلافت رسید نیز به همین منوال عمل کرد. در همین زمینه در تاریخ یعقوبی آمده است که مردم فراهم شدند و با حسن جامع رفت و خطبه‌ای طولانی ایراد کرد. (۹۹)

### ۳- مجلس مشورتی

مسجد همواره مجلس مشورتی مسلمین محسوب می‌شد. و در دوره‌های مختلف در مساجد پیرامون اهم مسائل منطقه، شهر و کشور و یا امت اسلامی میان مسلمین تبادل نظر صورت می‌گرفته است. پیغمبر اکرم (ص) نیز همواره در مسجد با مسلمانان درباره مطالب مربوط به جامعه اسلامی مشورت و گفتگو می‌کردند. به طوری که می‌توان گفت تقریباً در همه مواردی که دستور مستقیم وحی وجود نداشت از طریق مشورت با مسلمین تصمیم‌گیری می‌شد و محل این مشورتها عموماً مسجد بود چرا که اساساً این دستور قرآن به پیامبر بود که و شاورهم فی الامر. مهمترین این مشورتها در حوزه نظامی و غزوات و تنظیم سیاستهای دفاعی بود؟ مصادیق آن را در قالب مصوبه این جلسات مشورتی در انتخاب خارج شهر برای جنگ احد و یا حفر خندق در شمال مدینه در جنگ احزاب می‌توان یافت. در زمان خلفای راشدین که دیگر ارتباط آسمانی و وحی قطع شده بود، امور بیشتری به مشورت گذارده می‌شد. شاید تفاوت این دوران البته به استثنای دوران امیرالمومنین با عصر نبوی در این باشد که در دوران پیامبر مشورتها عمومی بود و هر مسلمانی از هر طبقه‌ای که صاحب نظر بود آن را ارائه می‌کرد. اما در دوران خلفا این مشورتها بیشتر با کبار صحابه و سران طوایف انجام می‌شد. خلیفه در اداره امور دولت از مجلس اعیان کمک می‌خواست. مجلس اعیان اسلامی از بزرگان اصحاب و سران قبایل و بزرگان مدینه در مسجد تشکیل می‌شد و خلیفه کاری را جز با مشورت آنها سرانجام نمی‌داد. این کارکرد برای مساجد گرچه در دوره‌های بعد در اثر تحولاتی که اتفاق افتاد در حوزه مسائل سیاسی و کلان‌حکومتی از بین رفت، اما همواره مسائل محلی و منطقه‌ای و شهری در آن طرح شده و مردم آن منطقه درباره آن امور با یکدیگر مشورت می‌نمودند.

### ۴- محل صدور فرمانهای حکومتی

مسجد همواره در صدر اسلام محل اصلی صدور فرمانهای حکومتی بود و مردم همواره این احکام را در مساجد دریافت می‌نمودند. در زمان رسول الله (ص) احکام متعدد الهی همچون وجوب جهاد، حکم حرمت شرب خمر، وجوب روزه، وجوب زکات، حکم پیمان اخوت و دهها حکم و دستور دیگر در مسجد از سوی پیامبر و یا به صحابه که نقش سخنگوی پیامبر را بر عهده داشتند ابلاغ می‌گردید و خلفا نیز احکام حکومتی و یا دعوت به جهاد و دیگر دستورات خود را عموماً شخصاً در مسجد و بر منبر ابلاغ می‌نمودند. به عنوان نمونه عمر در مسجد مدینه از فراز منبر به مسلمانان گفت که سپاهشان در عراق عقب‌نشینی کرده و برای حرکت بدان سرزمین ترغیب‌شان کرد. (۱۰۰) و یا امیرالمومنین (ع) در مسجد مردم را به خاطر کوتاهی از جنگ با شامیان سرزنش می‌فرمود و جهاد را بر آنان واجب نمود.

### ۵- محل انتصاب و اعزام کارگزاران و سفیران



در صدر اسلام پیامبر اکرم خلفا، امیران و کارگزاران حکومتی و نیز سفیران اسلام به دیگر بلاد را در مسجد منصوب می نمودند و آنان را اعزام می فرمودند. موارد زیادی در این زمینه ها در کتب مختلف تاریخی می توان یافت که در این جا برای رعایت اختصار به چند نمونه اشاره می شود. در سیره ابن هشام آمده است که پس از آن که نصاری نجرانی از مباحله خودداری کردند و به تابعیت حکومت مدینه رضایت دادند، پیامبر نیز به آنها فرمود که امیری را بر آنها می گمارد. سپس بعد از نماز ظهر در مسجد در میان اصحاب خود نگاه کردند تا این که چشمشان به ابو عبیده جراح افتاد. پس او را طلبیده فرمودند: به همراه اینان برو و در میانشان بر طبق حق حکومت کن، و با این ترتیب این منصب نصیب ابو عبیده شد. (۱۰۱) در جای دیگر نقل شده است که پیامبر (ص) به اصحاب خود که آنان را برای سفارت برگزیده بود، فرمود: همگی به سبیده دم در نماز صبح حاضر باشید برای رضای خدا نسبت به بندگان خدا خیرخواهی کنید. هر کس عهده دار کاری از امور مردم گردد و برای ایشان خیرخواهی نکند، خداوند بهشت را بر او حرام می فرماید. بروید و چنان مکنید که سفیران عیسی (ع) کردند که به افراد نزدیک رسیدند و پیش آنها رفتند و آنان را که دور بودند رها کردند. (۱۰۲) در زمان خلفا نیز امور به همین منوال بود به عنوان مثال، روزی خلیفه دوم به مسجد رفت و نعمان بن مقرن را دید که نماز می خواند. پهلوی او نشست و چون نمازی را به سر بر گفت: می خواهم تو را به کار حکومت برگمارم. گفت: اگر برای خراج گرفتن است حاضر نیستم مگر این که برای جنگ باشد. گفت: برای جنگ می روی. و او را بفرستاد. (۱۰۳)

#### ۶- محل پذیرش و ملاقات با سفیران خارجی

پیامبر اکرم (ص) همواره سفیران و نمایندگان اقوام و بلاد مختلف را در مسجد به حضور می پذیرفتند و با آنها به گفتگو می پرداختند و پیام آنها را می شنیدند. این دیدارها در مساجد در سال نهم هجری موسوم به عام الوفود که هیاتهای نمایندگی متعددی برای اعلام پذیرش اسلام به مدینه می آمدند به طور چشمگیری افزایش یافت و مسجد النبی مرتباً شاهد حضور سفیران مناطق و طوایف مختلف بود. شرح این دیدارها و گفتگوهای صورت گرفته به طور مفصل در دو کتاب طبقات ابن سعد و نهائیه الارب نویری آمده است و ما در این جا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می نماییم. پانزده نفر از نمایندگان قبیله طی به حضور پیامبر آمدند. هنگامی که وارد مدینه شدند پیامبر (ص) در مسجد بود. آنان مرکبهای خود را کنار مسجد بستند، سپس وارد مسجد شدند و نزدیک پیامبر آمدند، آن حضرت اسلام را به ایشان عرضه فرمود و همگی مسلمان شدند. (۱۰۴) چند نفر از نمایندگان بنی حنیفه در مسجد به حضور رسول خدا رسیدند و سلام دادند و شهادت حق بر زبان آوردند. (۱۰۵) پیامبر (ص) دستور فرمود برای کسانی که از بنی مالک بودند در مسجد خیمه زدند و معمولاً هر شب بعد از نماز عشاء پیش ایشان می آمد و می ایستاد و گفتگو می فرمود. (۱۰۶) نمایندگان عبدلقیس نیز با جاههای مشخص خود هنگامی که رسول خدا (ص) در مسجد بود آمدند و سلام دادند و پیامبر با آنها به گفتگو پرداخت. (۱۰۷)

#### ۷- محل اعتراض به حکومت و استیضاح کارگزاران

این مسأله گر چه در زمان پیامبر اکرم (ص) تحقق نیافت و چنین امری مشاهده نشد، اما در عصر خلفای راشدین به ویژه سه خلیفه اول و بخصوص در دوران عثمان به طور فزاینده ای دیده می شود و مسجد همواره بهترین پایگاه داد خواهی از کارگزاران و اعتراض به سیاستهای حکومتی و استیضاح مسئولین جامعه بوده است. و نکته مهم اینکه کارگزاران و سردمداران جامعه نیز خود را ملزم به پاسخگویی به این مسائل و قانع کردن مردم می دانستند و لذا در مسجد حاضر می شدند و بر منبر از خود دفاع کرده، توضیحات لازم را به اطلاع مردم می رساندند. به عنوان مثال، در سال بیست و یکم مردم کوفه از امیرشان سعد بن ابی وقاص شکایت کردند. عمر، محمد بن مسلمه انصاری را بفرستاد تا در قصر کوفه را آتش زد و سعد را در مسجد کوفه با مردم روبرو کرد

و درباره وی از ایشان پرسد که بعضی او را ثنا گفتند و بعضی شکایت کردند که عمر او را عزل کرد. (۱۰۸) همانطور که اشاره شد اوج استفاده از مسجد برای اعتراض به حکومت در زمان عثمان بود و سبب اصلی آن نیز بدعتها و انحرافات بود که دستگاه حاکمه و از سنت نبوی و حتی روش دو خلیفه قبلی داشت. لذا علاوه بر توده مردم شخصیت‌های برجسته‌ای از کبار صحابه و یا زنان پیامبر به وی معترض بودند که از مهمترین آنها ابوذر و عایشه بودند البته بعضا با دو انگیزه متفاوت. ابوذر در مسجد اعتراض می کرد: عثمان خبر یافت که ابوذر در نشیمن پیامبر خدا (ص) می نشیند و مردم پیرامون او فراهم می شوند و احادیثی می گوید که باعث قدح عثمان است و نیز در مسجد ایستاده و گفته است: محمد (ص) وارث دانش آدم و برتریهای پیامبران است و علی بن ابیطالب (ع) وصی محمد (ص) و وارث علم او است. ای امت سرگردان پس از پیمبرش، هان که اگر شما کسی را که خدا پیش داشته مقدم می داشتید و کسی که خدا پس انداخته عقب می انداختید و ولایت و وراثت را در خاندان پیامبر خود می نهاید، البته از بالای سر و از زیر پای خود می خوردید و دوست خدا ندار نمی شد و سهمی از فرائض خدا از میان نمی رفت و دو نفر در حکم خدا اختلاف نمی کردند؛ مگر آن که علم آن را از کتاب خدا و سنت پیامبرش نزد اینان می یافتند. لیکن اکنون که چنین کردید پس بدفرجامی کار خود را بچشید سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون. عثمان نیز خبر یافت؟ ابوذر از او بدگویی می کند و سنتهای پیامبر خدا و روشهای ابوبکر و عمر را که تغییر داد او دگرگون کرده است یادآور می شود. پس او را به شام تبعید کرد. (۱۰۹)

درباره اعتراض عایشه نیز نقل شده است که عثمان روزی خطبه می خواند که عایشه پیراهن پیامبر خدا را بیاویخت و فریاد کرد: ای گروه مسلمانان، این جامه پیامبر خدا است که کهنه نگشته ولی عثمان سنت او را کهنه کرده است. پس عثمان گفت: پروردگارا مگر این زنان را از من بگردان، همانا مگر ایشان بزرگ است. (۱۱۰) علاوه بر این عثمان در موارد دیگری نیز که مورد اعتراض واقع می شد بر منبر می رفت و از خود در مقابل اعتراضات مردمی دفاع می نمود و لذا مسجد محل این استیضاح و پاسخگویی بود.

## ۸- محل انتشار اخبار مهم

مسجد با ماذنه‌هایی که داشت و دارد، همواره محل انتشار اخبار گوناگون بوده است. بخصوص اخبار مهمی که با مصالح عمومی ارتباط داشت مانند اخبار حکومتی و جنگ‌ها و از همه مهمتر اخبار مربوط به فتوحات در مساجد به گوش مردم می رسید. مردم همواره موثق ترین اخبار را در مساجد جستجو می کردند و حاکمان نیز هر خبری را که می خواستند جمعیت بیشتری آن را بشنود در مساجد اعلام می کردند. در دوران پیامبر اکرم (ص) این کارکرد برای مساجد به وجود آمد و همواره مسلمین اهم رویدادها و اخبار پیرامون مسائل داخلی حکومت و یا مسائل خارجی و تحرکات مشرکین و اخبار سپاهیان را در مسجد می شنیدند و در دوران خلفا نیز که دوره آغاز فتوحات گسترده بود همواره اخبار این فتوحات در مسجد و مهم تر آن که توسط شخص خلیفه به اطلاع مردم می رسید و بعضا در صورت اهمیت فوق العاده آنها این اخبار زمان هم نمی شناخت. از جمله خبر فتح قیساریه بود که شبانگاه به اطلاع مردم رسید. یعقوبی نقل می کند که قاصد سپاه شام به مدینه و نزد خلیفه دوم رفت و خبر فتح قیساریه را که از مناطق مهم فلسطین بود توسط سپاه مسلمین به او خبر داد. وی تکبیر گفت و خدا را ستود. سپس همان نیمه شب به سوی مسجد رفت و دستور داد مردم مردم را جمع کردند و آتشی نیز آوردند برای روشنایی مسجد، آنگاه بر منبر رفت و خدا را ستود و فتح قیساریه را به مردم اعلام نمود. (۱۱۱) در دوران عثمان نیز مشابه این مساله درباره فتوحات شمال آفریقا نقل شده است به این شکل که، عبدالله بن سعد بن ابی سرح فرمانده سپاه اسلام در مناطق شمال آفریقا، عبدالله بن زبیر را با مژده داد. عثمان نیز برای اعلام این خبر شخصا به مسجد رفت و به منبر برآمد و آن خبر را به اطلاع مردم رسانید. (۱۱۲) بدین ترتیب شاهد می شود که مسجد علاوه بر همه کارکردهای خود در واقع همچون یک رسانه گروهی معتبر و موثق در جامعه آن روز اسلامی عمل می کرد. کارکرد اجتماعی و قضایی گرچه تمامی آن چه تا کنون درباره کارکردهای متعدد مساجد صدر اسلام بر شمرده ایم به نوعی کارکرد

اجتماعی محسوب می شد اما در این جا به طور خاص بابتی مستقل را پیرامون مسائل اجتماعی و قضایی گشوده ایم تا نقش مساجد در این موارد را نیز بررسی نماییم. نخستین مساله ای که در حوزه مسائل اجتماعی مطرح می شود شکسته شدن نظامهای طبقاتی و اخلاق اشرافیگری و مرزبندهای کاذب خون و نسب و ثروت و جایگزین شدن فرهنگ برابری و برادری در محیط مساجد است. مسلمانان هنگامی که در مسجد نماز جماعت اقامه می کنند و یا عبادات جمعی دیگر را از انجام می دهند با هم یکسانند و هیچکس بر دیگری امتیاز ندارد و این عجیب نیست زیرا خداوند مومنان را برادر همدیگر قرار داده و تفاوتی میان آنها نیست مگر تفاوتی که در پیروی حق دارند. (۱۱۳) پیامبر اکرم (ص) نیز در مسجد هر گاه با مومنین نشست و برخاست داشتند این امر با به دقت رعایت می فرمودند و حتی در نگاه کردن نیز مساواتی را برای همه قائل بودند. بدین ترتیب مسلمین با حضور مداوم در مسجد این برادری و برابری را عملاً- تمرین می کردند و سپس آن را در محیط جامعه تسری می دادند. در جامعه اسلامی گرچه شکاف اقتصادی وجود دارد و اسلام نیز نهایت تلاش خود را برای ترغیب مسلمین به از بین بردن این شکاف کرده است، تا هرگز برتری جویی، جنبه فکری، فرهنگی و اجتماعی پیدا نکند و سنت نشود و در محیط جامعه اسلامی کسی خود را به سبب ثروت و مکنت و یا خون و نسبت و یا رنگ پوست برتر تلقی نکند، چرا که در مسجد فقیر و غنی، سیاه و سفید، اشراف و اضعاف و در یک کلام همه اقشار جامعه در کنار هم حضور داشتند و مسجد هیچ جایی برای برتری جویی و تفاخر برای مردم فراهم نمی کرد و بلکه با آن مبارزه می نمود. این کارکرد به عنوان یک کارکرد ارزشمند و مهم در حوزه مسائل اجتماعی برای مساجد محسوب می شود. کارکرد اجتماعی دیگر مساجد در صدر اسلام را باید در حدیثی از امام باقر (ع) جستجو کرد. حضرت می فرماید: همانان مساکین و فقراء در عهد رسول خدا در مسجد سکونت می گزیدند. (۱۱۴) این سخن اشاره به این دارد که مساجد خانه امید فقراء و محل سکونت موقت آنها بود. نمونه بارز این گونه افراد در صدر اسلام اصحاب صفا هستند. ابن سعد درباره اصحاب صفا چنین می نویسد: اصحاب صفا گروهی از یاران رسول خدا (ص) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول (ص) در مسجد می خوابیدند و روزها هم ما: جا سایه می گرفتند و جای دیگر غیر از آن نداشتند. پیامبر (ص) شبها به هنگام غذا خوردن آنها را فرا می خواند، گروهی را میان خود تقسیم می فرمودند که با آنها غذا بخورند و گروهی هم با خود رسول (ص) غذا می خوردند و چنان بود تا این که خداوند متعال آنان را ثروتی عنایت فرمود. (۱۱۵) این حضور مساکین در مسجد دو فایده مهم است اولاً از آوراگی آنها در جامعه که می توانست به ایجاد انحرافات برای آنها شود جلوگیری می کرد ثانیاً اینان به عنوان طبقه نیازمندان جامعه دائماً در جلوی چشم حاکم و مردم بودند و در لابه لای شلوغی شهرها و رفت و آمدها گم نمی شدند تا فراموش شوند و لذا این مساله باعث می شد که هم پیامبر اکرم (ص) و هم مسلمین دائماً در فکر تامین زندگی آنها باشند و اولین امکاناتی را که به دست می آوردند به آنها اختصاص می دادند. بنابراین مسجد در صدر اسلام خانه امید فقیران و مسکینان جامعه محسوب می گردید. علاوه بر این مساجد ملجا غریبان و در راه ماندگان یا به تعبیر قرآن ابن السبیل نیز بود. به طوری که در شهرهای اسلامی هر گاه فرد تازه واردی داخل می شد که در آن شهر کسی را نمی شناخت یکسره به سراغ مسجد آن شهر می رفت در مدت اقامت خود در آن جا سکنی می گزید. این سنت تا زمانی که تاسیس مهمانخانه ها و مسافرخانه ها رایج شد ادامه داشت و تا همین اواخر نیز بسیاری از افراد در دیار غربت به مسجد پناه می بردند تا در آن جا از میان برادران و خواهران دینی خود آشنایی می یافتند. در کنار این کارکردهای وسیع اجتماعی، مساجد دارای کارکرد قضایی هم بودند. در دوران پیامبر تقریباً تمامی مسائل حقوقی و اختلافات میان مردم که نیازمند رسیدگی بود در مسجد صورت می گرفت و پیامبر اکرم (ص) میان مردم به عدالت قضاوت می کردند. حتی پیامبر در مسجد قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبرشان ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها مراسم سوگند خوردن بود. پیامبر (ص) مراسم سوگند خوردن در موارد حقوقی را کنار منبر معمول ساخت و می فرمود: هر کس کنار منبرم سوگند دروغ گوید هر چند برای یک چوبه مساوک باشد جایگاه او در آتش خواهد بود. (۱۱۶) این روند بعدها نیز ادامه یافت و سالها بعد در

همه بلاد اسلامی تا زمانی که مکان مستقلی به عنوان دادگاه تاسیس شد، قاضیان جلسات رسیدگی به دعاوی را در مساجد تشکیل می دادند و در میان ادعاها و اختلافات مردمی قضاوت می کردند. این جلسات در مساجد از دو جهت مفید بود. از یک سو برای قاضی که چون در محیط مسجد و عبادت که همواره ذکر خدا در آن است کار خود را انجام می داد اگر متقی بود همواره خدا را در نظر می گرفت و با دقت هر چه تمامی تر کار قضا را به پایان می برد. از سوی دیگر طرفین دعوی نیز اگر مومن بوده باشند هر روز در آن مسجد در مقابل خداوند به عبادت می ایستادند و لذا دچار نسیان نمی شدند و از ادعای دروغ پرهیز می کردند و حال آن که در محیطهای قضایی غیر از مساجد این امر کم رنگ تر است و ممکن است حتی برای مومنینی که در درجات پایین تر تقوی هستند برای حفظ منافع انحرافی پیش آید. به هر حال مساجد در صدر اسلام و حتی بعد از آن تا مدت‌ها کارکرد قضایی داشت و محل دادرسی مردم و ملجا مظلومان بود. منبر، یکی از مهمترین اجزاء مسجد در پایان بحث پیرامون کارکردهای مسجد در صدر اسلام لازم است درباره یکی از مهمترین و کارآمدترین اجزاء مسجد یعنی منبر سخنی کوتاه داشته باشیم. منبر که به عنوان تربیون مسجد محسوب می شد در همه کارکردهایی که ذکر شد نقش داشت و تقریباً با هیچ یکی از آنها بی ارتباط نبود. اما پیش از بحث درباره این نقش، لازم است از نحوه ورود این جزء به درون مسجد آگاه شویم، و طبعاً برای آگاهی از آن لازم است از کتب تاریخی استمداد نماییم. در طبقات الکبری درباره نحوه ساخت منبر چنین نقل شده است: در آن هنگامی که مسجد سقف نداشت رسول خدا (ص) کنار تنه خرمایی نماز می گزارد و به ایراد خطبه به آن تکیه می داد. مردی از اصحاب (۱۱۷) گفت: اجازه می فرمایی تا برای تو منبری بسازم که روز جمعه بر آن بایستی تا مردم تو را ببینند و خطبه تو را بهتر بشوند؟ فرمود: آری. او منبری ساخت که دارای (سه پله بود و آن همان سه پله ای است که اکنون بالای منبر قرار دارد. و چون منبر ساخته و در جای خود گذاشته شد پیامبر برخاست و سوی آن حرکت فرمود. آن ستون چنان بانگی کرد که شکافته شد. پیامبر (ص) از منبر فرود آمد و به آن ستون دست کشید تا آرام گرفت و آنگاه به سوی منبر برگشت. (۱۱۸) و بدین ترتیب منبر در مسجد به کار گرفته شد و از آن تاریخ به جزء لاینفک همه مساجد تبدیل شد. منبر گرچه ابتدا صرفاً برای ایراد خطبه مورد استفاده بود ولی بعد در همه زمینه ها از آن استفاده شد. به طوری که مبلغین بر آن تبلیغ دین می کردند و اعظان بر روی آن مردم را اندرز می کردند. علما از آن احکام دین را بیان می نمودند و معلمان با نشستن بر آن تدریس می نمودند. محدثین بر آن احادیث را املاء می کردند و قاضیان بر آن نشسته حکم صادر می نمودند و از همه مهمتر حاکمان جامعه و به ویژه پیامبر (ص) و خلفا بر آن برای مردم سخنرانی می نمودند و پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی سخن می گفتند. وقتی خلیفه انتخاب می شد نخستین خطابه خود را که به منزله برنامه سیاسی او بود از منبر می خواند. بنابراین منبر در اسلام مانند تربیونی بود که در حکومت مشروطه برنامه سیاسی دولت از پشت آن شرح داده می شد. (۱۱۹) فرمانهای حکومتی و اخبار مهم جامعه نیز بر آن به اطلاع عموم می رسید و از این رو ابزار اطلاع رسانی آن زمان به شمار می آمد. و حتی حاکمان و کارگزاران حکومتی بر منبر به اعتراضات مردمی پاسخ می دادند و از کارنامه خود دفاع می کردند؛ کما این که عثمان چنین کرد و در برابر اعتراضات گسترده عمومی بر منبر از خود دفاع کرد. بدین ترتیب منبر به صورت یک جزء اساسی مسجد که در همه کارکردهای آن نقش محوری داشت، تبدیل شد و همین بر ثبات آن در مساجد افزود. بنابراین در ادبیات سیاسی اسلام تربیون رسمی حکومت منبر بود همانطور که مقرر حاکمیت مسجد بود. با این بحث کوتاه پیرامون منبر، بحث درباره کارکردهای مسجد در صدر اسلام را به پایان می بریم و به تبع از دوران صدر اسلام خارج می شویم تا نگاهی گذرا داشته باشیم به نقش و وضعیت مساجد و تحولاتی که در دره میانه تاریخ اسلام در کارکردهای آنها پیش آمد.

## اشاره

یاتی علی الناس زمان لایبقی فیہ من القرآن الا رسمه و من الاسلام الا اسمہ مساجد هم یومئذ عامرۃ من البناء و خراب من الہدی . سکانها و عمارها شر اهل الارض ، منهم تخرج الفتنة و الیہم تاوی الخطیئہ یردون من شد عنها فیہا . و یسوقون من تاخر الیہا . یقول الله تعالی : و قد فعل و نحن نستقبل الله عشرۃ الغفلۃ (۱۲۰) مردم را روزگاری می رسد که در آن از قرآن جز نشان نماند و از اسلام جز نام آن . در آن روزگار بنای مسجدهای آنان آباد است و از رستگار ویران . ساکنان و سازندگان آن مسجدها بدترین مردم زمین اند . فتنه از آنان خیزد و خطا به آنان در آویزد، آن که از فتنه به کنار ماند بدان بازش گردانند و آن که از آن پس افتد به سویش برانند. خدای تعالی فرماید: به خود سوگند، بر آنان فتنه ای بگمارم که بر دبار در آن سرگردان ماند و چنین کرده است و ما از خدا می خواهیم از لغزش غفلت در گذرد. این سخنان پیشگویی بزرگمردی است که با احاطه خود به حیات بشریت که از اتصال به این حقیقت ناشی می شد، همه آن چه بعدها بر سر امت پیامبر می آمد را می دید و اینچنین با بیان تلخ خبر از دگرگونی در همه امور دینی و از جمله تحولات اساسی در وضعین مساجد، این پایگاه‌های توحید جامعه می داد. آن پیشگویی دیری نپایید که به حقیقت پیوست . به زودی و با حاکمیت بنی امیه بر جهان اسلام تبدیل خلافت به سلطنت ، از قرآن جز نقش و نگاری و از اسلام جز نامی بر جای نماند و در آن زمان آن چنان که خواهید دید مساجد آباد و با شکوه بود، اما از محتوا و روشنگری تهی و این چنین امیر المومنین (ع) پرداختن به تشریفات و فراموشی زمانها را در روند حرمت امت مسلمان پیش بینی نمود و آن را بیان کرد. تفسیر سخن آن امام بزرگوار از عهده ما خارج است و خوانندگان می توانند به شرح بزرگان بر این سخنان مراجعه نمایند. اما تنها چیزی که مسلم است این که مولای متقیان خبر از تحولی اساسی و ساختاری در ابعاد اسلام و همچنین کارکرد مساجد در دوران پس از صدر اسلام می دهند و لذا ما سخن آن بزرگوار را سر آغاز و زینت بخش این فصل نمودیم . در این فصل از تحولات کارکرد مساجد و افول برخی کارکردها و به وجود آمدن برخی کارکردهای جدید سخن به میان می آوریم ، گرچه این تحولات همگی منفی نیست ، اما در جمع بندی آنها باید اذعان نمود که حیات مساجد شادابی و طراوت دوران صدر اسلام را در این دوره از دست می دهد و آرام آرام به حاشیه جامعه رانده می شود.

## سلب کارکرد سیاسی از مساجد و علل آن

اولین و اساسی ترین تحولی که در مساجد اتفاق افتاد سلب کارکرد سیاسی از مساجد بود که سنگین ترین ضربه را به موقعیت مساجد در جامعه وارد کرد. مساجد که در دوران صدر اسلام مقر حاکمیت و پایگاه ساسی جامعه محسوب می شد، اکنون بدون وجه سیاسی ، ناقص به نظر می رسید، نخستین نشانه های تضعیف این نقش را باید در دوران معاویه دید، وی که مرکز حاکمیت را به شام منتقل کرد، در نخستین گام مقر حاکمیت را به کاخ با شکوه خود در دمشق منتقل کرد و بدین ترتیب مسجد دیگر مقر حاکمیت نبود، چرا که او آشکارا خلافت را به سلطنت تبدیل کرده بود و مسجد را با سلطنت چه کار. سعید بن مسیب می گفت : خدا معاویه را چنین و چنان کرد. چه او نخستین کس است که این امر (خلافت) را به صورت پادشاهی باز گرداند، و معاویه می گفت : منم نخستین پادشاه (۱۲۱) گام دوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد تضعیف رابطه حاکم و مردم در عهد اموی بود که آن نیز از دوران معاویه آغاز گردید. از این زمان فاصله های جدی میان مردم و حاکم پدید آمد و به تدریج رابطه مستقیم مردم و حاکم قطع شد. مردمی که هر روز خلیفه را در کوچه و خیابان در میان خود می دیدند اکنون مشاهده می کردند که معاویه به همراه جمع کثیری محافظ در شهر حرکت می کند. معاویه نخستین کس در اسلام بود که نگهبانان و پاسبانان و دربانان گماشت و جلو خود حربه راه می برد (۱۲۲) وی به این اکتفا نکرد و گارد محافظ خود را در مسجد نیز به همراه داشت و حتی جایگاه خود را



از مردم جدا کرد و نخستین بدعت را در دوران مسجد ایجاد کرد و آن ساخت اطاقکی به نام مقصوره بود. معاویه اول کسی بود که در مسجد اطاقکی پدید آورد که به تنهایی دور از دسترس دیگران در آن نماز می کرد زیرا بیم داشت که وی را نیز مانند علی (علیه السلام) در حال نماز به غافلگیری بکشند. وقتی به نماز می ایستاد نگهبانان با شمشیری بالای سر او می ایستادند. (۱۲۳) این در حالی است که در دوران صدر اسلام پیامبر و خلفا هرگز اقدام به چنین کاری نمی کردند در حالی که خطرات زیادی آنان را نیز تهدید می کرد، ابن سعد ماجرای یکی از سوء قصدها به جان پیامبر در مسجد را چنین نقل می کند: ابوسفیان تنی چند از قریش را گفت: آیا کسی یافت نمی شود که محمد (صلی الله علیه و آله) را غافلگیر کرده، بکشد؟ و او آزادانه در کوچه و بازار می رود. مردمی از بادیه نشینان اعلام آمادگی کرد شبانه از مکه بیرون آمد... به مدینه آمده از رسول خدا جویا شد و بدو گفتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون او را دید فرمود: در کار این مرد خدعه ای هست. و چون او خواست تا نزدیک پیامبر بیاید و وی را بکشد، اسیر بن حضیر او را باز کشید و از میان ارزش خنجری بیرون افتاد. (۱۲۴) موارد بسیاری از توطئه های مشابه در دوران مدنی نقل شده است اما پیامبر هرگز میان خود و امت خود در مدینه حائل قرار نداد و مردم آزادانه به پیامبر دسترسی داشتند. خلفا نیز از همین سنت پیروی کردند. در همین راه سه تن از آنان جان خود را از دست دادند اما هرگز میان خود و مردم محافظ و حائل دائمی قرار ندادند. ماجرای ترور خلیفه دوم در مسجد نیز در همین زمینه قابل ذکر است مسعودی نقل می کند که چون ابولولو به انجام کار خود مصمم شد خنجری همراه برداشت و در یکی از گوشه های مسجد در تاریکی به انتظار عمر بنیشت. عمر سحر گاه می رفت و مردم را برای نماز بیدار می کرد و چون بر ابولولو گذشت وی برجست و سه ضربت به عمر زد و همان بود که سبب مرگش شد. (۱۲۵) امیرالمومنین علی (ع) نیز با آن که از توطئه ها و نقشه های شوم خوارج و یاران معاویه در کوفه آگاه بود و احتمال خطر کاملاً جدی بود. اما به هیچ عنوان حاضر به همراهی محافظ با خود در شهر نمی شدند و این چنین بود که اشقی الاخرین به آسانی توانست در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت برساند و تاریخ بشریت را برای همیشه داغدار نماید. این روش حاکم در صدر اسلام بود که معاویه آن را تغییر داد و آشکارا با آن مخالفت نمود. پس از او جانشینان او نیز همین روش را ادامه دادند تا جایی که کار حتی به قرق مساجد کشیده شد. به عنوان نمونه نقل شده است که ولید بن عبدالملک هنگامی که برای بازدید از باز سازی مسجد النبی در مدینه به مسجد وارد شد نگهبانان هر که را در مسجد بود، بیرون کردند. (۱۲۶) این بدعت به تدریج در جامعه اسلامی پذیرفته شد و در میان کارگزاران حکومت نیز رایج شد به طوری که پس از مدتی اگر حاکم یا کارگزاری بدون محافظ و یا تدابیر امنیتی در مسجد یا شهر حاضر می شد، بسیار شگفت آور و محل سوال بود. بدین ترتیب مساجد دیگر محل دیدار مستقیم مردم و حاکم نبود و مردم تنها از لابلای محافظین مسلح می توانستند نظری به حاکم بیافکنند. گام سوم در سلب کارکرد سیاسی مساجد، ایجاد جو خفقان عمومی و گرفتن حق اظهار نظر و انتقاد و اعتراض از مردم بود که مرکز همه این امور مسجد محسوب می شد و لذا مساجد در معرض چنین خفقانی قرار گرفتند. خلفای اموی آشکارا در مساجد و بر منابر حاضر می شدند و در جهت تثبیت پایه های حکومت خود مردم را تهدید می کردند و به آنها نسبت به هر گونه تحرک سیاسی و اعتراض هشدار داده، وعده مجازاتهای سنگین می دادند و کارگزاران آنان نیز به تبع حاکمان خود با مردم این گونه رفتار می کردند و با ایجاد رعب و وحشت جرات هر گونه سخن گفتن را از مردم می گرفتند و بدین ترتیب حق نظارت عمومی مسلمین را مختل نموده، آن را منتفی می دانستند. برای درک بهتر این امر سه نمونه تاریخی از رفتار خلفای اموی و کارگزاران آنها با مردم و تهدیدهایشان بر منبر را نقل می نمایم. عبدالملک در سال ۷۵ به حج رفت. و در حالی که لبیک می گفت به مکه در آمد و لبیک گویان وارد مسجد گردید و در چهار روز خطبه خواند. هر روز خطبه ای، و در یکی از روزها ضمن خطبه اش چنین گفت: و من هر چیز را از شما تحمل می کنم جز بر افراشتن پرچمی را و همان غلی که آن را به گردن عمر و انداختم، نزد من است و به خدا سوگند یاد می کنم که آن را به گردن کسی نمی اندازم که جز با سختی و فشار در آورم. (۱۲۷) حجاج بن یوسف ثقفی حاکم خونریز و سنگدل

کوفه نیز پس از آن که از سوی عبدالملک بن مروان به حکومت عراق منصوب شد، با لباس مبدل و به صورت ناشناس به کوفه رفت و بانگ برداشت که مردم برای نماز جماعت حاضر شوند، سپس با چهره‌ای پوشیده به منبر رفت و نشست. وقتی مسجد پر شد حایل از چهره برداشت و برخاست و عمامه از سر برداشت و بدون حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر سخن آغاز کرد و گفت: کار من روشن است و از بالا- می‌نگرم و چون عمامه بردارم مرا خواهید شناخت به خدا چشمها می‌بینم که خیره است و گردنها که افراشته است و سرها که رسیده است و هنگام چیدن آن را رسیده است و این کار من است. گویی می‌بینم که خونها میان عمامه‌ها و ریشها جاریست... ای مردم عراق، الی اهل شقاق و نفاق و اخلاق بد، به خدا شدت عمل من نه چنان است که پندارید؛ که مرا از روی دقت انتخاب کرده و از روی تجربه جسته‌اند، به خدا شما را چون چوب پوست می‌کنم و چون کلوخ به هم می‌کوبم و چون شتر می‌زنم و چون سنگ در هم می‌شکنم... (۱۲۸) ولید بن عبد الملک نیز پس از رسیدن به زمامداری بالای منبر رفت و مرگ پدرش را اعلام کرد و گفت: از مردم بر شما باد به فرمان بردن و همراهی با جماعت؛ چه هر کس مخالفت خود را آشکار سازد سرش را از تن جدا کنم و هر کس خاموش ماند با اجل خویش بمیرد. (۱۲۹) این سخنان و خطبه‌ها را مقایسه کنید با خطبه‌های پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین، تا دیروز سخن از حق متقابل مردم و حاکمیت بود و امروز سخن از تکلیف محض مردم. تا دیروز سخن از اعتبار رای و نظر مردم بود و امروز سخن از ممنوعیت اظهار نظر، تا دیروز بر منبر از گسترش نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری مردم در امور مختلف حکومت برای بقا و صلاح جامعه سخن به میان می‌آمد و امروز سخن از ضرورت خاموشی به عنوان تضمین ادامه زندگی، تا دیروز مسجد محل اعتراض و پرسش و استیضاح بود و آن روز محل سکوت و خفقان. تا دیروز حاکمان خود را ملزم به پاسخگویی به مردم در مسجد و تواضع در برابر آنان می‌دیدند و امروز در همان مسجد مردم را تهدید می‌کنند. بدین ترتیب بسیاری از ابعاد کارکرد سیاسی مساجد همچون اصل شوری و اعتراض و استیضاح و نظارت بر حکومت و... از بین رفت. اما مگر کار به همین جا ختم شد. گام بعدی در تضعیف بعد سیاسی مساجد، کاهش چشمگیر در مسجد بود. تا این زمان اهمیت اساسی مسجد در این بود که حاکم جامعه از آن جا با مردم سخن می‌گفت و مردم در آن جا برای دریافت احکام حکومتی جمع می‌شدند. اما مدتی بعد به دلیل همان کاهش حضور حاکم و خلیفه در مسجد، این اعتبار نیز از دست رفت. خلفا امامت نماز روزانه را بر عهده نمی‌گرفتند و بها در نماز جمعه عهده دار این کار می‌شدند. در عصر اموی روزهای همه خلیفه با لباس سفید و عمامه جواهر نشان به مسجد می‌رفت و برای خواندن خطبه به منبر می‌رفت... بعضی از خلیفگان بنی امیه برای نماز جمعه نیز حاضر نمی‌شدند و سالار نگهبانان را به نیابت خود می‌فرستادند. (۱۳۰) این وضعیت دوران اموی به وضعیت اسفناک تری در دوران عباسی تبدیل شد. در شرایطی که در اوایل دوران خلافت اسلامی، حکام به عنوان امام مسجد و امام جماعت تلقی می‌شدند. امام بعدها در دوره خلفای عباسی امام فردی بود که در یکی از مساجد کوچک و فرعی وظیفه امامت را انجام می‌داد (۱۳۱) و خلیفه خود از انجام این وظیفه مهم دینی و سیاسی سرباز می‌زد. بدین ترتیب همه این امور دست به دست هم داد تا به تدریج وجه سیاسی مساجد از بین برود و مساجد به پایگاه عبادی محض در جامعه تبدیل شود. در مسجد پس از نماز فقط خطابه دینی خوانده می‌شد که در آن از خدا ستایش و از پیغمبر تمجید می‌کردند و بر صحابه درود می‌گفتند. خلیفه را که مدعی نیابت پیغمبر بود دعا می‌گفتند. از نمودارهای سیاسی چیزی در مسجد نماند جز این که نام خلیفه در خطابه یاد می‌شد و بدینوسیله ولایت‌های اسلام به تسلط اسمی خلیفه گان اعتراف می‌کردند. (۱۳۲) افول کارکرد سیاسی مسجد امری کاملاً طبیعی و به عبارت دیگر اجتناب ناپذیر بود، چرا که مسجد در صدر اسلام گرچه مقرر حاکمیت هم بود، اما در درجه نخست پایگاه حضور و فعالیت دائمی و جدی مردم بود و مرکزی برای هماهنگی عمومی و فعالیت جمعی سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شد. طبیعی بود که حکومتی که بنیان آن نامشروع و بر اساس زور و ظلم بنا شده بود و روش آن نیز استبدادی بود، حضور فعال مردم در صحنه را بر نمی‌تابد و لذا می‌کوشید مردم را به حاشیه براند و قوت فعالیت و نظارت را از آنان سلب کند. برای تحقق این خواسته باید

پایگاه فعالیت آنان یعنی مسجد از بین می‌رفت و یا متحول می‌شد. لذا حکومت اموی و به دنبال آن حکومت عباسی با ترویج تئوری جدایی دین از سیاست در میان مردم، آنها را به عبادت و خودسازی و واگذاری امور به خداوند و قضا و قدر و پرهیز از دخالت در امور دنیوی تشویق می‌کردند گو این که ترویج تفکر جبرگرایی که تر عقیدتی امویان بود شاخه‌ای از همین سیاست کلی محسوب می‌شد. آن دسته از مردم را هم که با این حرفها خام نمی‌شدند و دست از مبارزه بر نمی‌داشتند با وحشیانه‌ترین روشها سرکوب می‌کردند و از این طریق جو رعب و وحشت نیز به کمک آنها می‌آمد. اکنون مساجد فقط پایگاه عبادت بود و نه سیاست و اهالی آن نیز افرادی که صرفاً برای امور عبادی به آن جا می‌آمدند. بعدها عباسیان با اقدامی که در ساختن شهر بغداد صورت دادند آخرین ضربه را به موقعیت اجتماعی مساجد وارد آوردند. بنی عباس بر خلاف سنت رایج که مسجد مرکز شهرها و بخصوص شهرهای تازه تاسیس بود در پی ریزی و بنیادگذاری بغداد به گونه‌ای عمل کردند که دارالاماره را مرکز شهر قرار دادند، این اقدام نوآوری برجسته‌ای تلقی شد، فاطمیان مصر نیز از همین سنت پیروی کردند. (۱۳۳) بدین ترتیب مرکزیت و موقعیت مسجد نسبت به بافت شهرهای اسلامی از دست رفت و بدین گونه دوران گوشه نشینی مساجد از عرصه جامعه آغاز گشت و نهادی که پیامبر بزرگوار اسلام به عنوان رکن اساسی و نخستین نهاد جامعه اسلامی به دست مبارک خود تاسیس نموده بود، به حاشیه رانده شد.

### تحول در کارکرد علمی و آموزشی مساجد و علل آن

پیش از این اشاره شد که مساجد در صدر اسلام مرکز اصلی علمی و آموزشی در جامعه محسوب می‌شد و علت اصلی آن نیز محدودیت علوم به علوم دینی بود. اما با گسترش مرزهای جغرافیایی تمدن اسلامی و ورود مناطقی چون ایران و مصر و شام به حوزه این تمدن سرمایه‌های گرانبهای علمی این مناطق نیز وارد گستره تمدن اسلامی گشت و از این رو دریچه‌های جدیدی از علوم مختلف به روی مسلمین باز شد، مسلمینی که قبلاً به روح کنجکاو و علاقه مندی آنان در مسیر علم آموزی اشاره شد و بذره‌های متعددی که قرآن و سنت در جانهای آنان کاشته بود بیان گردید. اکنون زمینه‌های بکر و مساعدی را یافته بودند، لذا با عطشی باور نکردنی تلاش علمی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و طبیعتاً نخستین گام انتقال و اقتباس این علوم بود و لازمه این اقتباس ترجمه علوم به زبان مسلمین، زبان عربی، از این رو نهضت ترجمه آغاز گشت و در کوتاه مدت با حمایت جدی حکمرانان مسلمان بخش زیادی از کتب دانشمندان جهان در علوم مختلف ریاضی، طبیعی و انسانی به زبان عربی بازگردانده شد. آن چه در این بحث اهمیت دارد مکان این فعالیتها بود. ترجمه نیازمند یک محیط مساعد بود و این محیط مساعد کتابخانه‌ها بودند. لذاست که در دوران عباسی شاهد تاسیس کتابخانه‌های عظیم هستیم. به دوران اموی کتابخانه‌های مهمی نداشت و چون به دوران عباسی کار ترجمه بالا گرفت و کاغذسازی پیش رفت، وراقان پدید شدند که کارشان نویسانیدن و خرید و فروش کتاب بود و مکانهای وسیع داشتند که دانشوران و ادیبان در آن جا فراهم می‌شدند. به دنبال این نهضت کتابخانه‌های بزرگ پدید آمد که کتابهای دینی و علمی در آن نگهداری می‌شد و بعدها همین کتابخانه‌ها معروفترین مراکز فرهنگی دنیای اسلام شد. (۱۳۴) بدین ترتیب در محیط تمدن اسلامی کتابخانه‌ها اولین رقیب مساجد در حوزه فعالیت علمی و فرهنگی محسوب می‌شدند. اما کار به این جا قرار نیافت. بلکه اکنون این علوم دخیل و همین طور علوم اصیل نیاز به طبقه بندی و به اصطلاح تخصصی شدن داشت. چرا که پس از گسترش فرهنگ و پیدایش روح تحقیق و پژوهش، دانش، به اعتبار موضوعات مورد نظر متعدد می‌شود. زیرا که رسیدگی محققانه به موضوع نیاز به انگاره تخصصی و محدوده ویژه و حوزه خاص تحقیقی پیدا می‌کند. این حالت موجب می‌شود تا دانش و آگاهی درباره چیزها به رشته‌های گوناگون منقسم شود. در فرهنگ اسلامی نیز این اصل تحقیقی و شناختی عملی شد. مسلمین از سده‌های نخستین، معلومات و تالیفات خویش را دسته بندی کردند و علمها را از یکدیگر جدا ساختند و سنت تخصصی و



انشعاب در علم را در فرهنگ خویش با بنیانی استوار پی افکندند و پی گرفتند. (۱۳۵) این تخصصی شدن منجر به پیدایش دهها رشته علمی شد. به طوری که کشف الظنون به عنوان یکی از کتب معتبر به تنهایی ۲۶۰ رشته علمی را در دوران مولف در خود ثبت کرده است و پیرامون هر یک توضیحاتی داده است. این گستردگی و انشعاب نیازمند محیط مناسبی نیز بود چرا که مساجد با سادگی و امکانات محدود خود تکافوی نیاز پژوهشگران و طلاب این علوم را نمی داد. لذا به زودی تحولاتی در ساختار و استفاده از مساجد پدید آمد. پس دومین عامل پس از نهضت ترجمه در ایجاد تحول در کارکرد آموزشی و علمی مساجد مقوله بود. نظام جدید در استفاده از مساجد عبارت بود از وارد شدن مدارس در آن و به وجود آمدن مجموعه‌هایی تحت عنوان مجتمع مسجد و مدرسه و همین امر بالطبع در نقشه ساخت مساجد تغییراتی را حاصل می کرد. باید تاسیس چنین مجتمع‌هایی را به دوران معلم بزرگ امت و بلکه بشریت صادق آل محمد (ص) پیش برد. نمونه ساده این مجموعه‌ها که اقامتگاه طلاب را نیز شامل می شد مسجد مدینه بود. اما چندی بعد به سرعت در سراسر بلاد اسلامی رواج یافت. نخستین این گونه مجتمع‌ها الازهر در قاهره بود (۱۳۶) الازهر که در ابتدا یک مسجد جامع بزرگ بود پس از مدت کوتاهی به یک مجموعه مسجد و مدرسه تبدیل گشت. در الازهر ابتدا فقط امور مذهبی شیعیان برگزار می شد. ولی به زودی در اثر تحولاتی که در جهان اسلام رخ داد و قدرت فاطمیان افزایش یافت این مسجد و مدرسه به مرکز تعلیمات عالی تشیع و به ویژه شیعه اسماعیلی که مذهب رسمی حکومت فاطمیان مصر بود تبدیل گشت. (۱۳۷) مجموعه‌های مشابهی مانند نظامیه در دیگر نقاط جهان اسلام تاسیس شد که همگی دارای امکانات خوبی بودند. در این مجموعه‌های علاوه بر مدرسه و کتابخانه و حجره‌های طلاب گاهی وسایل معالجه دانشجویان و مدرسان بیمار و مکتب خانه برای تحصیل کودکان نیز تاسیس می گردید. (۱۳۸) باید توجه داشت که تمامی این مدارس و مساجد موقوفاتی داشتند که در آمد آنها کاملاً صرف نگهداری مدرسان و دستیاران ایشان و دیگر خدام و همچنین تعمیر و مرمت بناها و امور دیگر می گشت. (۱۳۹) پرسش مهمی که پیش می آید این است که این مجموعه‌ها که از آنها سخن رفت برای علوم انسانی و اسلامی محیطی مفید و مطلوب بود. اما آیا این مجموعه‌ها برای علوم ریاضی و طبیعی نیز مناسب بود؟ پاسخ این سوال منفی است. علوم ریاضی از قبیل جبر، فیزیک، مکانیک، نجوم، هیات و... و علوم طبیعی و تجربی همچون طب، داروسازی، شیمی، فلاحت و نیز علوم چون جغرافیا نیازمند مراکز علمی چون آزمایشگاهها، بیمارستانهای آموزشی و رصدخانه‌ها و زمینهای وسیع کشاورزی و... بودند که جمع کردن آنها در این مجموعه‌ها امری غیر ممکن به شمار می رفت. لذا این نیاز منجر به تاسیس مراکز عالی آموزشی به سبک دانشگاهها گشت که تا حدود زیادی فاقد ارتباط مستقیم با مساجد بودند و بدین ترتیب سومین عامل در راستای تحول کارکرد آموزشی مساجد یعنی تاسیس دانشگاهها نیز شکل گرفت و لذا مساجد به تدریج شرایط آموزشی و علمی خود را از دست دادند و این وظیفه بر عهده دانشگاهها و مراکز علمی دیگر قرار گرفت. گرچه این بدان معنا نیست که این امور در مساجد مختل شد بلکه همچنان بحث آموزش قرآن کریم و مسائل فقهی و علوم دینی در آن رایج بود. اما سطح این فعالیتها یک سطح عمومی و محدود بود و شکل تخصصی و پژوهشی به خود نمی گرفت. در پایان این بخش لازم است یک نکته تذکر داده شود که نگارنده تحول فوق الذکر را یک تحول منفی ارزیابی نمی کند، بلکه آن را مثبت و اجتناب ناپذیر می داند. در فصول قبل اشاره شد که به نظر نمی رسد کارکرد علمی و آموزشی جزء کارکردهای اصیل مسجد محسوب شود، بلکه در آن شرایط خاص صدر اسلام مسجد بهترین مکان برای این فعالیتها بود. بعدها با دگرگونی شرایط، طبیعی بود که این کارکرد موقت به نهادهای دیگر واگذار گردد. بنابراین آن چه که همواره مهم بوده و هست حفظ ارتباط مساجد با این محیطهای علمی در جهت هدایت این فعالیتها به سوی اهداف عالی دین است.

در این بخش به بررسی مختصر یکی از جریانهای مهم و فعال جامعه اسلامی و اثرات غالباً منفی آن بر مسجد و کارکردهای آن می پردازیم. این جریان عبارت است از جنبش صوفی گری و تصوف که در دورانی در جامعه اسلامی سر بر آورد و در جلب افکار عمومی به سوی خود تا حدود زیادی موفق بود، در بررسی لغوی کلمه صوفی باید گفت در باب ریشه آن اختلاف اقوال وجود دارد. آن چه قدمای صوفیه گفته اند و قاعده اشتقاق هم با آن موافقت دارد این است صوفی از صوف گرفته شده است به معنی پشم، این وجه اشتقاق را بسیاری از مولفان صوفیه و دیگران هم نقل کرده اند و اشکالی بر آن وارد نیست، سبب انتساب قوم نیز به این نسبت، پشمینه پوشی آنها بوده است که در زمان قدیم شعار زاهدان و نیکان به شمار می آمده است. (۱۴۰) صرف نظر از بررسی لغوی آن، در باب خود این جریان و ویژگیهای و نیز نحوه سر بر آوردن آنان باید گفت در حالی که محافل علمی و مدارس سرگرم مباحثات غالباً غامض فکری و فقهی بودند، تحول اسلامی دیگری صورت گرفت که همانا عبارت بود از جنبشهای عرفانی و افراطی، جنبشهای عرفانی که اسم عام آن در اسلام تصوف است، صرفاً از افرادی واجد تجارب معنوی و فلسفه های گوناگون تشکیل نمی شد. بلکه به زودی شامل انجمنهای اخوت شد که به کلیه سطوح اجتماع نفوذ کرد و مبدل به یکی از ارزنده ترین عناصر ساختار اجتماعی و معنوی جهان اسلام شد. (۱۴۱) البته نگارنده از این که عرفان اسلامی را منحصر در تصوف بداند ابا دارد، چرا که شخصیتهای عارف فراوانی در طول تاریخ اسلام بودند که مبادی آداب صوفیه و اهل روش آنها هم نبودند و نیز در وجود مقدس امیرالمومنین (ع) که سر سلسله همه عرفا بود نیز نشانی از صوفی گری مشاهده نمی شود. گرچه می توان این جریان را در قالب یکی از جنبشهای عرفانی بررسی نمود. به هر حال صوفیه جماعتی از مسلمین بوده اند که اساس کار آنها در عمل بر مجاهدت مستقل فردی و در علم بر معرفت مستقیم قلبی مبتنی بوده است. گرچه بعضی از آنها با وجود اعتقاد به ارتباط بلاواسطه با حق و در عین اتکاء بر کشف و شهود شخصی، متابعت از شریعت را نیز به منزله مقدمه و شرط راه، لازم می شمردند و در جاهایی که کارهایشان با ظاهر شریعت موافق نمی بوده است؛ یا ظاهر شریعت را تاویل می کرده اند یا طرز کار خود را به نوعی توجیه می نموده اند. لیکن به سبب استقلالی که در عمل و طریقت خویش داشته اند هم متشرعه که اهل سنت و جماعت بوده اند خود را از آنها کنار می کشیده اند هم علماء که اهل معرفت عقلی و استدلالی بوده اند آنها را گمراه می شناختند. (۱۴۲) این جریان نیز مانند هر جنبش دیگر برای سازماندهی خود نیازمند پایگاهی بود. لذا اینان مرکزی را با عنوان خانقاه برای این امر در جامعه اسلامی تاسیس نمودند. این مرکز ضمن این که پایگاه تشکیلاتی صوفیه تلقی می شد، اقامتگاه دائمی کسانی که زندگی خود را وقف ارشاد معنوی یا تهذیب نفس می کردند و نیز محلی برای اقامت موقت سالکان یا دیگران به شمار می آمد. در این خانقاه ها مراحل مختلف ریاضت و خلوت، روح سالک را ترقی می بخشید و غالباً صحبت و ارشاد پیر و مرشد وی را در طی این مرحله ها رهبری می کرد: نکته مهم آن که وقتی سالک مراحل سلوک را می پیمود و از شیخ دستور و اجازه برای ارشاد می یافت، از خانقاه شیخ بیرون می آمد. اما در جای دیگر مثلاً شهری دیگر خانقاه تازه ای که در واقع چون شعبه ای از خانقاه شیخ بود پدید می آورد و بدین گونه از یک خانقاه که شیخ و مرشدی در یک شهر به وجود آورده بود، چندین خانقاه دیگر در بلاد مختلف پدید می آمد که شیوخ و مرشدان همه آنها جملگی نسبت به شیخ خانقاه نخست حالت تسلیم و فرمانبرداری داشتند و در همه موارد دستور او را به کار می بستند و اهل طریقت او به شمار می آمدند (۱۴۳) و بدین ترتیب این نهاد جدید در جامعه اسلامی به صورت شبکه ای پیوسته و کار آمد فعالیت می کرد. این خانقاه از سه جهت بر کارکرد مساجد تاثیر منفی گذاردند. اول اینکه خانقاه صرفنظر از جنبه تعلیمی که برای سالکان داشت، مکان عبادت و ذکر و سلوک منوی نیز تلقی می شد. در خانقاه ها اوراد و اذکار و ریاضات و چله نشینها رایج بود که غالباً اشتغال به آنها بیشتر اوقات سالکان طریق را مستغرق می داشت، در این خانقاه ها سالکان و فقیران خلوت نشین نیز مانند شیخ خانقاه، زاویه خاص خویش داشتند. اما ذکر دسته جمعی و درک صحبت شیخ و صرف طعام و حلقه سماع آنها غالباً در جماعت خانه منعقد می شد. (۱۴۴) بدین ترتیب این اولین بار بود که در حیطه جهان اسلام مرکزی جدید علاوه بر مسجد

تاسیس می شد که در آن مراسم عبادی و آیین بندگی و حتی صف نماز بر پا می گردید و حال آن که تا پیش از آن، این امر صرفاً منحصر در مساجد جوامع اسلامی بود. لذا مسجد که از صدر اسلام تنها مرکز عبادی جامعه اسلامی محسوب می شد امتیاز انحصاری خود را از دست داد و در حوزه کارکرد عبادی و دینی با یک رقیب سر سخت و جذاب برای مردم روبرو گردید. دومین اثر منفی تصوف و خانقاه بر جامعه و مسجد، روش خاص عبادی حاکم بر خانقاه بود نوعی نیایش انفرادی را ارایه و تکمیل کردند که نقطه مقابل عبادت اجتماعی که از ویژگیهای اسلام در ادوار قبل بود به شمار می رفت و پرستش زهاد منفرد برای دیگران منبع قداست شد. این امر همچنین موجب شد مساجد عظیم جمعه قرون اولیه اسلامی جای خود را به تعدادی حریمهای کوچک بدهد که بر نیایش فردی در محیطی آرام که منتهی به عبادت و مراقب می شد تاکید داشت. (۱۴۵) به عبارت دیگر خانقاه بر خلاف مسجد که نماد روحیه جمعی مسلمین و پایگاه وحدت و اتحاد و جایگاه عبادت دسته جمعی بود، به سیر و سلوک فردی و گوشه نشینی و کنه گیری از جمع تشویق می کرد. استقبال عمومی از این تفکر سنگینی بود بر کارکرد عبادت مساجد که بر جمع گرایی تاکید داشت. نکته سوم در این زمینه مربوط می شود به روش تبلیغ صوفیه و خانقاه علیه مسجد و اهالی آن. همان طور که اشاره شد اهل سنت و جماعت و متشرعین از بزرگترین مخالفان صوفیه به شمار می آمدند و تا آن جا که دستشان می رسید از دشمنی با آنان کوتاهی نمی کردند و لذا صوفیه نیز مقابله به مثل می کردند و علیه آنها تبلیغ می نمودند و بخصوص پایگاه اصلی آنان را که مسجد بود هدف حملات تبلیغی قرار می دادند تا جایی که متشرعه اهل ظاهر و ریاکار و اهل مسجد پیروان ظاهری دین و مسجد مامن زاهدان ریاکار معرفی می گردید. البته ما در مقام قضاوت نیستیم و نمی گوئیم که کدامیک حق داشتند و کدامیک صحیح می گفتند اما آن چه که بر آن تاکید داریم این است که این تبلیغات صوفیه که نفوذ فراوانی نیز در میان طبقات مردم داشتند منجر به تضعیف قداست مسجد این پایگاه اصیل اسلام شد و حتی در ادبیات رایج میان توده مردم نیز متأثر از همان تبلیغات به مسجد و اهالی آن طعنه زده می شد، بدین ترتیب صوفیه و مرکز آنها خانقاه اثرات منفی فراوانی جایگاه مسجد در جامعه اسلامی و کارکرد عبادی و دینی به عنوان ثابت ترین کارکرد آن بر جای می گذارد که عقبه آن تا دوران معاصر نیز بر جای مانده است.

## مسجد مهد هنر معماری اسلامی

### قسمت اول

در دوران صدر اسلام مسجد محیطی بی آرایش و نوع معماری آن ساده و نزدیک به روح سادگی اسلام بود. اما به تدریج این سادگی جای خود را به تجمل داد و نوع معماری نیز تغییر کرد. شیوه و سبک معماری مسجد بر اسلوبی که در زمان پیامبر و خلفای راشدین بود باقی نماند و همپای گسترش و شکوفایی تمدن اسلامی دگرگون شد. شکل کلی بنای مسجد نسبت به سابق تغییر کرد و به تناسب دولتهای جدید و ملتهای صاحب تمدن از عناصر جدیدتری برخوردار شد. (۱۴۶) این تحول از دوران اموی آغاز شد. تا زمان عبدالملک و ولید، خلفا اشتیاقی به معماری و شکوهمند ساختن مساجد از خود نشان نمی دادند. این دو نفر مساجد جدیدی را در بیت المقدس (قبه الصخره) و در دمشق (مسجد اموی) ساختند و دومی از آن جهت به این نام خوانده شده است که جانشینان ولید نیز در ساختن و آراستن آن سهمیم بوده اند. این هر دو بنا به گونه ای متمایز از مساجد پیشین بود (۱۴۷) و تاسیس و ساختن آنها را باید نقطه آغاز تحول در معماری مساجد و ایجاد یک کارکرد جدید برای آنها یعنی کارکرد هنری و معماری تلقی کرد. ماجرای ساختن قبه الصخره به دست عبدالملک خلیفه اموی از این قرار است که، عبد الملک مردم شام را از حج بازداشت و آن بدان جهت بود که هر گاه به حج می رفتند (عبدالله) بن زبیر (که در مکه خروج کرده بود و مردم را به بیعت خویش می خواند) آنان را به بیعت می گرفت و عبدالملک که چنان دید، ایشان را از رفتن به مکه منع کرد. پس مردم به فریاد آمدند و گفتند: ما را از حج

خانه خدا که بر ما واجب است خدایی، باز می‌داری؟ به آنان گفت: این پسر شهاب زهری است که برای شما نقل حدیث می‌کند که پیامبر خدا گفته است: بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سه مسجد، مسجد الحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس. و آن برای شما به جای مسجد الحرام و مسجد من و مسجد بیت المقدس و آن برای شما به جای مسجد الحرام است و این سنگی که بر حسب روایت پیامبر خدا چون خواست به آسمان بالا رود پای خویش بر آن نهاد برای شما به جای کعبه است. پس بر آن صخره قبه ای بنا نهاد و پرده های دیبا بر آن آویخت و خدمتگزارانی بر آن گماشت و مردم را گرفت تا چنان که پیرامون کعبه طواف می‌کنند پیرامون آن طواف کند و در دوران بنی امیه این رسم برقرار بود. (۱۴۸) ولید بن عبدالملک نیز مسجد دمشق را در سال ۸۸ هجری بنیان نهاد و در ساخت آن هزینه بسیاری صرف کرد به طوری که برخی نقل کرده اند که ولید هفت سال مالیات کشور خود را بر آن خرج کرد (۱۴۹) به هر حال مسجد دمشق در نوع خود بی نظیر بود چرا که نخستین مسجد عظیم و پر شکوه در تاریخ تمدن اسلامی محسوب می‌شد و به واقع از معجزات هنر اسلامی به شمار می‌رفت و تا کنون نیز جلوه و زیبایی خود را حفظ کرده است. محل مسجد امویان دمشق قرن‌ها معبد بت پرستان بود و سپس جایگاه کلیسای حضرت یحیی شد. معمارانی که در خدمت ولید بودند کلیسا را خراب کردند. ولی دیوار خارجی و چهار برج چهار گوشه و دو ردیف ستونهای طاقدیس مقابل مدخل و درگاههای معبد رومی را باقی گذاشتند و مسجد را طوری بنا کردند که با این آثار بازممانده متناسب باشد. (۱۵۰) بنای این مسجد حدود هشت سال زمان برد و در ساختن این مسجد ملیتهای مختلف خاورمیانه اشتراک مساعی کردند. ولی سبک ساختمان، بیزانسی است. دیوارهای پوشیده از موزائیک های شیشه ای و نقاشی به سبک رومی است. در ضمن آثار هنری ساسانی مثل نقش شیرهای بالدار و جانوران افسانه ای در آن وجود دارد. به علاوه ستونها و مقصوره و رواق و گنبد روی محراب، جامع دمشق را نخستین و عالیترین نمونه مساجد قدیم اسلامی ساخته است. (۱۵۱) بدین ترتیب مشاهده می‌کنید که رفته رفته با گسترش مرزهای تمدن اسلامی و تعدد قومیتها و ملیتهایی که در حوزه این تمدن واقع شدند، عناصر فرهنگی و تمدنی آنها نیز با فرهنگ اسلامی آمیخته شد و حتی در عرصه هایی مانند معماری اسلامی مساجد ظهور و بروز یافت. عناصر و اجزایی که از معماری قدیم اخذ می‌شد به تدریج با هدفهای دین جدید تطبیق می‌گشت و در تحول معماری اسلامی تاثیر بخشید. به طوری که سبک معماری بیزانس در مساجد دوره اموی رواج و نفوذ عمده داشت. البته این سبک در دوره های بعد به ویژه از اواسط دوره عباسی جای خود را به شیوه معماری ساسانی داد که در سراسر جهان اسلام تسری یافت. (۱۵۲) بعد از جامع دمشق مسجد عمر و عاص در فسطاط مصر و مسجد الاقصی در بیت المقدس که به امر ولید بن عبدالملک بر جای کلیسای ژوستینی نین احداث گردید و سپس مسجد جامع قرطبه در اسپانیا که در ۱۷۵ هجری قمری به وسیله امرای اموی اندلس ساخته شد همه از نمونه های مساجد عهد اموی هستند که باقی مانده اند. (۱۵۳) که در این میان مسجد جامع قرطبه از اهمیت و شکوه خاصی برخوردار است چرا که در غرب جهان اسلام در اروپا ساخته شد. این بنا را عبدالرحمن اول خلیفه اموی اندلس در سال ۱۶۸ هجری قمری بنیان نهاد و هشتاد هزار دینار در بنای آن خرج کرد. و فرزند وی به سال ۱۷۷ هجری قمری آن را به پایان برد و از پس وی دیگران به تریین آن پرداختند تا به شمار زیباترین مساجد دنیای اسلام در آمد. ردیف ستونهای مسجد از شرق به غرب نوزده و از شمال به جنوب سی و یک عدد بود و بیست و یک در داشت که آن را با مس صیقلی پوشانیده بودند. ستونهای محراب را از نقره ساخته و به خاتم کاری بدیع آراسته بودند. منبر مسجد را از عاج و چوبهای گران قیمت ساخته بودند که سی و شش هزار قطعه چوب در آن به کار رفته و به میخهای طلا و نقره به هم پیوسته بود و با جواهر مزین شده بود. چهار محل شستشو در مسجد بود که از کوهستانهای اطراف به وسیله لوله آب بدان می‌رسید. در سمت غربی مسجد برای توقف مسافران و درماندگان جاهایی ساخته شد بود. صدها شمعدان در مسجد نصب شده بود که شمعههای بزرگ شبانه روز در آن می‌سوخت. سیصد مرد به خدمت مسجد قیام می‌کردند و عنبر و عود می‌سوختند و هزاران قندیل را روغن می‌کردند. (۱۵۴) مسجد النبوی و مسجد الحرام در مدینه و مکه نیز از این کار کرد کلی و جدید مساجد در عرضه

هنر معماری مستثنی نبودند و بلکه پس از صدر اسلام در هر دوره تحولات جدیدی می یافتند و بر وسعت و عظمت آنها و نیز زیبایی معماری آنها افزوده شد. به طوری که به زودی آن مسجد ساده جای خود را به مسجدی مجلل و عظیم داد. مسجد الحرام نیز در دوران اموی و به دست ولید بازسازی شد. بنا بر نقل، وی سی هزار دینار نزد خالد بن عبدالله قسری فرماندار مکه فرستاد و آنها را به صورت تخته های نازک پهن در آوردند و بر در کعبه و ستونهای داخلی و ارکان کعبه و ناودان زدند. بدین ترتیب ولید نخستین کسی در اسلام بود که کعبه را زرنگار کرد. (۱۵۵) در دوران عباسی نیز در زمان منصور مسجد الحرام بازسازی شد و به اندازه وسعت مسجد الحرام در آن زمان بر آن افزوده شد. شروع این کار در سال ۱۳۸ هجری قمری و پایان آن سال ۱۴۰ هجری قمری بود. (۱۵۶) آن چه که مسلم است معماری ساده اسلامی، شیوه های متعددی را از تمدنها و فرهنگهای دیگر اخذ نمود و همانطور که در عرصه علم و دانش، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه علم و دانش، مسلمین به اقتباس گسترده دستاورد دیگران پرداختند؛ در عرصه هنر و به ویژه معماری نیز از این کار باز نماندند و بزرگترین شاهد این مدعا بنای مساجد در این دوران است. مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرنهای دراز چنان در بنای مسجد مجال ظهور یافته است که امروز یک مورخ دقیق و روشن بین می تواند تنها از مطالعه در مساجد، تصویر روشنی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند. اشتراک مساعی اقوام و امم مختلف اسلامی در تکمیل و تزیین مساجد با وجود حفظ خاصیتهای ملی و محلی نوعی جهان وطنی را در معماری اسلامی سبب شده است که از مفاخر معنوی مسلمین بشمارست. (۱۵۷) به هر حال آن چه که مسلم است در طول نسلها و قرون در فاصله آفاق مختلف هنر اسلامی ملجای پاک تر و نمایشگاهی امن تر از مسجد نداشته است. (۱۵۸) به طوری که در بنای بسیاری از مساجد هنرهای مختلف به هم در آمیخته است معماری در توازن اجزاء کوشیده است. نقاشی به نقوش و الوان، شعر، موعظه ها و ماده تاریخها عرضه داشته است و موسیقی هم برای آن که از دیگر هنرها باز نماند در صدای موذن و بانگ قاری و واعظ مجال جلوه گیری یافته است. حتی صنعتهای دستی هم برای تکمیل و تزیین این مجموعه الهی به میدان آمده اند: فرشهای عالی، پرده های گرانبها، قندیلهای عظیم و درخشان، منبت کاری های و مليله دوزیها نیز در تکمیل زیبایی و عظمت مسجد نقش خود را ادا کرده اند. (۱۵۹) آن چه نباید از نظر دور داشت این که درست است که بسیاری از اشکال ریشه در تمدنهای قبل از اسلام دارند و حتی برخی معانی نمادین عناصر و راز و رمز معنویشان نیز مورد توجه بسیاری ملل و جهانیینی ها بوده است، اما باید توجه کرد که اولاً بنا به تاکید غالب محققان، فرمهای اخذ شده از سایر ملل و تمدن ها توسط مسلمین به گونه ای استحاله یافتند که پس از مدتی هویتی کاملاً اسلامی به خود گرفتند. ثانياً ابایی از این نیست که برخی اشکال یا مفاهیم از سایر تمدنها که به هر حال به آیینی اکثر در بنیان الهی معتقد بوده اند، اخذ شود و باز بودن پیرایه های آنها و همچنین تکامل و تعالیم به عنوان عنصری اسلامی و مورد پذیرش مسلمین بدل گردد. ثالثاً این توصیه اسلام است که در آثار پیشینیان غور و دقت کنید و ضمن رد بدیها و اشکالات، نیکیهای آنها را اخذ کنید. (۱۶۰) بدیهی است که آثار هنری مسلمان در زمینه های تصویری، تجسمی، معماری، خطوط هندسی و نقش و نگارها از یک مایه غیر مادی و ماورایی برخوردار است و این از متن تفکر مذهبی و لایه های مکتب شریف اسلام سر چشمه می گیرد. چرا که نگاه هنرمند مسلمان به هستی با نگرش یک انسان مادی متفاوت است. (۱۶۱) بنابراین هنرمند مسلمان طرحهایی را در مسجد اجرا می کند که در جهت تقویت معنویت و افزایش حضور قلب مومنین به هنگام حضور در مسجد و سوق دادن آنها به سوی مبدا هستی باشد. اگر در و ایوان مساجد منحنی است، اگر پیشانی محراب و سقف مساجد خمیده است، بیان کننده آن روح تعبد و تسلیم و رکوع بنده در برابر خالق است. (۱۶۲) و اگر همه چیز در مناره و گنبد در شکلی دایره وار در نهایت به یک ختم می شود، نمادی از توحید ناب اسلامی است که مساجد منادی و پایگاه آن بوده است.



از مهمترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمانان می توان به این سه امر اشاره کرد: ۱- رواقها و ایوانهای محیط بر صحن مسجد. ۲- به کار بردن خط کوفی و نقشهای نوشتاری برای تزئین دیواره ها و کنار و لبه سقفها. ۳- قوسی شکل بودن بالای درها و مدخلها و سقفها... حالت انحنای قوسی بودن در معماری اسلامی معنا عمیق و خاصی می تواند داشته باشد. این انحنا بیشتر در شکل گنبدها، محرابها، سردرها، ایوانها و قسمتهایی از رواق وجود دارد. (۱۶۳) بدین ترتیب مساجد که بخش زیادی از کارکردهای مهم خود را در جامعه از دست داده بود و تا حدود زیادی از محتوا خالی شده بودند با به دست آوردن یک کارکرد جدید یعنی تبدیل شدن به مهد هنر معماری اسلامی مجدد در عرصه جامعه توجهات را به سوی خود جلب نمودند؛ اما این بار از منظری دیگر و تاریخ این چنین گواهی شد، برای تحقق پیش بینی امیر المومنین علی بن ابیطالب (ع) درباره آینده امت اسلامی و سرنوشت مساجد. علل ظهور این کارکرد جدید در بیان علل ظهور این کارکرد جدید در مساجد تا حداقل دو دیدگاه متفاوت و بعضاً متضاد وجود دارد. یک دیدگاه می گوید در دوره امویان و با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران نوعی رقابت با کلیساهای مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد. خلفای بنی امیه در ساختن قصرها، کاخها، قلعه ها و حتی مساجد مجلل بسیار کوشیدند... هنر بیشتر در خدمت حاکمان و اطرافیان آنان بود و امکان سر پیچی از فرمان خلفا و امر در به استخدام در آوردن معماران هنرمند برای ساختن مدارس، مساجد و قصرها نبود. انگیزه غالب این حاکمان در ساختن مدارس و مساجد حک نام خویش بر پیشانی ساختمان بود. (۱۶۴) اما دیدگاه دیگر معتقد است چه کسی گفت که در اسلام، دین را با هنر سازگاری نیست. بر عکس این هر دو با یکدیگر ملاقات می کنند آن هم در مسجد.. حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می یافت سعی می کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کند. (۱۶۵) این دو دیدگاه گر چه در ظاهر متضاد به نظر می رسند اما در واقع چنین نیست. بلکه اختلافی که مشاهده می شود ناشی از تفاوت منظر هر یک از صاحب نظران است. در این صورت اگر منظر هر دیدگاه را درست تشخیص دهیم خواهیم دید که هر دو دیدگاه کاملاً صحیح و دقیق است. منظر دیدگاه اول، حاکمان سیاسی جامعه و انگیزه های نفسانی در ساختن مساجد بوده است. بدون تردید خلفای اموی و عباسی درد دین نداشتند و لذا این که در پی رقابت یا جاودان کردن نام خود بوده اند سخن درستی است. اما منظر دیدگاه دوم، هنرمندان و معماران عاشق و مومنی است که نه به اجبار و اکراه و با بی علافگی بلکه با شور و اشتیاق که از یک انگیزه الهی و ایمانی ناشی می شد تلاش می کردند و لذا آن چه می آفریدند به راستی زیبایی بود که آن را به محضر باری تعالی تقدیم می نمودند. برای درک بهتر این دو منظر متفاوت لازم است هر یک را بیشتر توضیح دهیم. در باب حاکمان سیاسی و انگیزه های آنان باید گفت: تا زمانی که مرکز حکومت اسلامی در مدینه بود، خلفای چهار گانه همچون پیامبر از اسراف و هر چه که مظهر اشرافیت بود پرهیز می کردند، ولی در زمان معاویه که حکومت به دمشق منتقل شد، این سنت تغییر یافت. در این زمان معاویه با مشاهده معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان اقدام به برپایی مساجدی پر شکوه تر از این ساختمانها کرد. (۱۶۶) پس از معاویه نیز سایر خلفا از روش او پیروی کردند و بلکه آن را توسعه دادند ساخت بسیاری از مساجد مجلل در شام توسط خلفای اموی برخاسته از تاثیر پذیری از کلیساها و با انگیزه های سیاسی و رویارویی با پایگاه های دینی مسیحیت بوده است. (۱۶۷) این انگیزه ها گاه به قدری قوی بوده که حتی اگر خلیفه ای مصمم به جلوگیری از این تجمل گرایی می گردید او را متقاعد می کردند که به صلاح جامعه اسلامی نیست. به عنوان نمونه عمر بن عبدالعزیز وقتی به خلافت رسید کسانی را به مساجد فرستاد تا هر چه مرمر و کاشی و زر در آن است بردارند و از مسجد بیرون کنند و می گفت: مردم با دیدن اینها از حضور قلب در نماز خود باز می مانند. به او گفتند. وسیله ای است برای زبونی دشمن، پس آن را رها کرد. (۱۶۸) این دیدگاه که توانست خلیفه را متقاعد کند در واقع معتقد بود که مسجد بنایی سمبلیک است و نماد و نمود دین به شمار می رود و عظمت مسجد



یادآور عظمت و عزت اسلام و مسلمانان است؛ و بر عکس محقر بودن آن چه بسا ضعف و فقر و ناتوانی مسلمانان را در اذهان تداعی کند. (۱۶۹) البته همه انگیزه‌ها هم ناشی از رقابت و رویارویی با بیگانگان نبود. برخی از مساجد با شکوه توسط حاکمان به ظاهر مسلمانی بنا شده که قصد داشتند از این راه یاد و نام خود را جاودان سازند و یا با سفارش به دفن بدنشان در کنار مسجد گور خود را مصونیت بخشند و دارای موقعیتی ممتاز نمایند. گاهی هم پرداختن به این کار ناشی از حس منفعت طلبی و کسب آبرو و حیثیت دنیوی بوده است. (۱۷۰) علاوه بر این انگیزه‌های فردی، با در نظر گرفتن مسایل جامعه شناختی یکسری انگیزه‌های اجتماعی که در واقع بازتاب شرایط روانی افراد در جامعه است را نیز می‌توان یافت. به عبارت دیگر می‌توان روی آوردن به آراستن مساجد و پر زرق و برق کردن آن را به دلیل کنار نهادن ارزشهای حقیقی دانست. به دیگر سخن نوعی پیوستگی و همراهی میان گسستن از ارزشها و گرایش به آراستن مساجد و مظاهر دینی وجود دارد. به نظر می‌رسد نکته روانی همراهی میان این دو پدیده آن است که انسان هم در رفتار فردی و هم در رفتار اجتماعی هر گاه از پرداختن به اصالت و ارزشهای حقیقی دست بر می‌دارد، به آراستن ظاهر می‌پردازد. جامعه‌ای که در تضاد میان دین و دنیا در حقیقت دنیا را برگزیده است، هر گاه حس مذهبی خود را به طور کامل از دست نداده باشد برای پاسخ گفتن به ندای این حس به آراستن مظاهر دینی همچون مساجد روی می‌آورد. (۱۷۱) به هر حال مشاهده کردید که همه انگیزه‌ها و تمایلات که بر شمرده شد در مسیر خواهشهای نفس و انحراف از دین خدا بود و هیچ یک در جهت تعظیم شعائر الهی و ارزشهای دینی نبوده است. لذا بدیهی است که این منظر، منظری قابل تقبیح و نکوهش است. اما آیا همه انگیزه‌ها در همین جا خلاصه می‌شود و آن که هنرمندان نقشی اساسی تر و برجسته تر در احداث این مساجد داشته‌اند که بی شک پاسخ به این سوال منفی است. هنرمندان بی نام و ناشناس این مساجد که تمام هستی خویش را وقف خدمت به خداوند کرده بودند.. می‌کوشیده‌اند تا بهترین تصویری را که از زیبایی میداشته‌اند در طی این آثار مقدس جلوه و تحقق بخشند. (۱۷۲) مسلمانان به دلیل عظمت و قداستی که برای مسجد قایلند و آن را منسوب به خداوند بزرگ می‌دانند تلاش می‌کنند خانه خدا را هر چه بهتر و با عظمت تر بسازند. در این زمینه شواهد فراوانی وجود دارد و حتی با یک نگاه سطحی و گذرا می‌توان پی برد که آفرینش بسیاری از این پدیده‌های هنری با پشتوانه عظیمی از عشق و ایمان بوده است. (۱۷۳) در واقع این اسلام نبود دعوت به تزئین مساجد و ساختن بناهای مرتفع و معماریهای شگفت و پرشکوه به نام مسجد کرد. زیرا با توجه به فلسفه وجودی مسجد، شکل مسجد اسلامی روشن است. این هنر بود که مسجد را به عنوان ظرفی مناسب و زمینه‌ای مستعد برای بروز و تجلی یافت و این هنرمندان بودند که روح تفاهم آمیز مکتب را در ارتباط با هنر متعهد شناختند. و به استقبال آن رفتند. (۱۷۴) تردیدی نیست که پرداختن به زرق و برقه‌های غیر ضروری و تزئینان کاخها و قصرها در مساجد از مصادیق اسراف و تبذیر مال است و این از گناهان بزرگ است. چرا که ضمن این که رواج تجمل‌گرایی در ساخت و سازها را به دنبال دارد. فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت که از ارزشهای مسلم اسلامی است را رفته رفته در جامعه کم رنگ می‌کند. (۱۷۵) علاوه بر این در شرایطی که طبقات فقیر در جامعه اسلامی به وفور یافت می‌شوند و رسیدگی به آنها وظیفه آحاد مسلمین است، هزینه کردن مالهای هنگفت برای ساختن مساجد به جای رسیدگی به وضع محرومین با هیچ معیار الهی و اسلامی قابل توجیه نیست. اما به یک نکته مهم نیز باید توجه داشت و آن این که به کار بستن هنر در مسجد، الزاما با ساده سازی آن منافات ندارد و مراعات همزمان هنر و سادگی هم خود نوعی هنر است. در واقع این رسالت هنرمند مسلمان است که با تکیه بر معیارهای مکتبی که یکی از آنها ساده سازی است؛ مسجد را جذاب و دلکش بسازد. به عبارت دیگر میان زیبایی و جمال با سادگی و بی‌پیرایگی تضادی وجود ندارد. می‌توان مسجد را در عین سادگی، زیبا و دل‌انگیز ساخت. بی‌گمان خداوندی که خود زیباست و دوستدار زیبایی، خواهان زیباسازی خواه خود نیز هست. انسان نیز موجودی است که روح الهی او از عالم تناسب است و گرایش کامل به زیبایی دارد و مسجد هم خانه خدا و هم خانه مردم است. پس باید تلاش نمود تا زیبایی و دلکشی در خانه آن زیبای بی‌همتا جلوه گر شود. اما

این زیبایی باید در چارچوب همان معیارهایی باشد که صاحب خانه تعیین نموده است. (۱۷۶) بدین ترتیب با رعایت هم زمان هنر و سادگی و پرهیز از تزئینات اشرافی مابانه و کاملاً غیر ضروری می توان مساجدی زیبا و سازگار با روح اسلام داشت و در کنار این مساله که مربوط به ظاهر مساجد است باید به کارکردهای و محتوای آن نیز پرداخت تا این نهاد عظیم اسلامی ناقص نماند؛ چرا که مساجد هر چقدر هم زیبا باشند اگر نقش خود را در جامعه ایفا نکنند تنها موزه هایی برای تماشای عمومی و استفاده های هنری و تاریخی خواهند بود.

## سخن آخر

آن چه گذشت نگرشی گذرا و تاریخی بود بر جایگاه مسجد، این مقدس ترین نهاد اسلامی در حوزه تمدن اسلامی و بررسی چگونگی تاسیس و کارکردهای آن و نیز فراز و نشیبهایی که در طول تاریخ پشت سر گذارده است. بدون تردید پرداختن به تاریخ از به قصد درس آموزی و عبرت گیری نباشد از بیهوده ترین امور و در شکل خوشبختانه تنها یک تفنن علمی است. پس به تاریخ می نگریم تا برای فردای خود برنامه ریزی نموده و از تجربیات گذشته برای مسیر خود استفاده نماییم. پرداختن به تاریخ تحولات مسجد به عنوان یک نهاد جامعه اسلامی نیز از این اصل کلی مستثنی نیست. آن چه مطرح شد برای این بود که بدانیم بر این نهاد چه گذشته است و چه دوره هایی را تجربه کرده است. چگونه در دوره ای مرکز بی بدیل جامعه بوده و در دوره ای به حاشیه رانده شده است. تا از آن برای تکامل بخشیدن به مساجد دوران خود و جامعه اسلامی مان بهره مند شویم. اگر امروز نظام جمهوری اسلامی پس از قرنها بار دیگر داعیه دار حکومت دینی و منادی ارایه یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر احکام ناب اسلامی است باید همه لوازم و ضروریات این داعیه را نیز بپذیرد. مسجد در چنین جامعه و نظامی باید جایگاه واقعی خود را بیابد و در این مسیر مسجد النبی در مدینه صدر اسلام بهترین الگوست. واقعیت آن است که هر چند مساجد امروزی ما پاره ای از شرایط سنتی خود را به ویژه در زمینه امور دینی حفظ کرده اند اما در مجموع به عنوان یک نهاد اثر گذار بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه معاصر مسلمانان اهمیت خود را به صورت فزاینده ای از دست داده اند. (۱۷۷) و تلخ تر این که گرچه در دوران میانه تاریخ اسلام بر حسب آن چه در این نوشتار گذشت تحولات گسترده ای در کارکرد مساجد اتفاق افتاد و مساجد را تا حدود زیادی از جایگاه واقعی خود دور کرد؛ اما باید ادعا کرد که حتی شرایط آن دوره نیز از شرایط مساجد در دوران فعلی بهتر است و حداقل مساجد دارای اعتبار فراوانی در نزد افکار عمومی مردم بودند. گرچه امروزه با وقوع انقلاب اسلامی ایران و جوشش آن از کانون مساجد جامعه تا حدود زیادی در پیشرفت موقعیت مساجد تلاش شده است. اما هنوز تا رسیدن به مرحله متوسط برای جایگاه واقعی مساجد راه درازی در پیش است و این وظیفه آحاد جامعه و البته به طور خاص متولیان امور مساجد است که با الگو برداری از مساجد صدر اسلام و تطبیق آن با شرایط زمان و مکان بر این مهم جامه عمل بپوشانند. امید است آن چه در این نوشتار آمد که تلاشی در همان راستا بود مقبول در گاه الهی افتد و نیز در مسیر تکامل مساجد جامعه اسلامی ایران و جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد تا شاهد بازگشت مساجد به جایگاه واقعی شان در حکومت اسلامی باشیم. ان شاء الله. سخن را با سفارش و توصیه مصلح بزرگ جهان اسلام در عصر حاضر و بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) که اگر امروزه فرصت یافته ایم پیرامون جایگاه مسجد در تمدن اسلامی و ضرورت تکامل آن در جامعه اسلامی سخن بگوییم همه از برکت وجود مقدس آن امام عظیم الشان است به پایان می بریم که فرمود: سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

## ۸۰ تا

۱ سوره جن آیه ۱۸ ۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳ بیروت: دار صادر، ۱۹۹۷ م، (ص) ۲۴۶. ۳ سید محمد مرتضی الحسینی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۰ م، (ص) ۱۷۴. ۴ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، (ص) ۲۰۸۵۲. ۵ ر.ک. جان بی ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ (ص) ۶۵۰۱ احمد بن حسین بیهقی، السنن الكبرى، ج ۴، بیروت، دارالفکر، بی تا، (ص) ۷۳۹۷ حسین مونس پیدایی مساجد سید سعید حسینی، دو ماهنامه مسجد، ش ۳۷ و ۳۸، محمد رضا امیری تهرانی، تهران، مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروردین، تیر ۷۷، (ص) ۸۰ و ۸۱ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه تمدن. ۹ نور ۳۶ ۱۰ جن ۱۸ ۱۱ اعراف ۱۲ ۲۹ اعراف ۱۳ ۳۱ توبه ۱۸ ۱۴ توبه ۱۷ ۱۵ بقره ۱۱۴ ۱۶ حج ۱۷۴۰ توبه ۱۰۸ و ۱۰۷ ۱۸ برای مطالعه بیشتر بنگرید به سیره ابن هشام، ج ۲، (ص) ۳۳۴. ۱۹ توبه ۱۰۸ ۲۰ سید رضی، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران، علمی، و فرهنگی، ۱۳۷۸، (ص) ۳۸۴، کلمه قصار ۱۳۱ ۲۱ ابن هشام، سیره النبویه، ج ۲ سید هاشم رسولی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۵ و ۳۳۷ ۲۲ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴ بی جا: المكتبة الإسلامية، ۱۳۷۶، (ص) ۲۳. ۱۴ همان، ج ۸۳ (ص) ۳۵۱ شیخ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشعه ج ۵ قم: موسس ال البيت ۲۵ بحار الانوار، ج ۸۴ (ص) ۲۶۶ همان، ج ۸۴ (ص) ۱۶. ۲۷ همان. ۲۸ من لایحضره الفقیه، ج ۱، (ص) ۳۵۲ ۲۹ همان، ج ۱ (ص) ۳۵۷ ۳۰ وسائل الشیعه، ج ۵، (ص) ۱۹۹ ۳۱ بحار الانوار، ج ۸۳ (ص) ۳۷۹ و ۳۸۰ ۳۲ کتزالعمال، ج ۷ (ص) ۳۳ ۳۳ ۳۴ ۳۵۲ پرده ای به اندازه کبوتر، کنایه از کوچکی ۳۴ من لایحضره الفقیه، ج ۱، (ص) ۳۵۴ ۳۵ همان، ج ۱، (ص) ۳۵۲ ۳۶ وسائل الشیعه، ج ۵، (ص) ۲۲۹ ۳۷ همان، ج ۵ (ص) ۲۰۱ ۳۸ برای آگاهی از این بیعت بنگرید به سیره ابن هشام، ج ۱، (ص) ۲۸۶ ۳۹ غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۸ (صلی الله علیه وآله) ۳۱۹ و ۳۲۰ ۴۰ همان (ص) ۳۲۹ ۴۱ همان ۴۲ همان، (ص) ۳۳۰ ۴۳ پیدایی مساجد، (ص) ۸۱ ۴۴ همان ۴۵ همان ۴۶ همان، (ص) ۴۷۷. ۴۷ ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ و (ص) ۳۶۴ ۴۸ توبه ۱۰۸ ۴۹ سیره ابن هشام، ج ۱ (ص) ۳۲۶ ۵۰ ۵۱ تاریخ صدر اسلام، (ص) ۳۳۹ ۵۲ ۵۳ طبقات الكبرى، ج ۱، (ص) ۲۳۰ ۵۴ من لایحضره الفقیه، ج ۱ (ص) ۳۴۴ ۵۵ ۵۶ سیره ابن هشام، ج ۱، (ص) ۳۲۷ ۵۷ ۵۸ طبقات الكبرى، ج ۱ ۵۹ نهایتاً الارب، ج ۱ ۶۰ طبقات الكبرى، ج ۱ ۶۱ سیره ابن هشام، ج ۱ تاریخ صدر اسلام، ۶۳ طبقات الكبرى ج ۱ ۶۴ سیره ابن هشام، ج ۱ ۶۵ همان، ص ۳۲۹ ۶۶ پیدایی مساجد ص ۸۱ ۶۷ طبقات الكبرى، ج ۱ صص ۲۲۶ - ۲۲۵ ۶۸ پیدایی مساجد (ص) ۸۱ ۶۹ تاریخ یعقوبی، ج ۲ صص ۵۸ - ۵۹ ۷۰ محمد نقی زاده مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، محمد قره چمنی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷ ۷۱ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۴۵ ۷۲ ۷۳ ویل دورانت، تاریخ تمدن ج ۴، ابوالقاسم پاینده و... تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ (ص) ۲۷۳ ۷۴ جمعه ۷۵ ۹ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۸۶ ۷۶ همان، ج ۷، ص ۳۴۷ ۷۷ ۷۸ السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۹۷ ۷۹ همان، ج ۴ ص ۳۹۹ ۸۰ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۴۵

## ۱۷۷ تا ۱۸۱

۸۱ زمر ۸۲ ۹ محمد رضا حکیمی، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۸۳ ۹ سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ص ۱۰۱ ۸۴ فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص) ۵۴ به نقل از سمهودی، ج ۲ ص ۳۰۱ ۸۵ همان، ص ۵۲ ۸۶ همان، ص ۵۳ ۸۷ همان، ص ۵۵ ۸۸ همان، به نقل از کتانی، تراپیب، ج ۱، ص ۴۰ ۸۹ کارنامه اسلام، ص ۱۴۵ ۹۰ فعالیت مساجد در عصر پیامبر (ص) ۵۵ (ص) ۹۱ طبقات الكبرى، ج ۲ (ص) ۷۴۵ ۹۲ تاریخ سیاسی اسلام

ج ۲ (ص) ۹۳ ۲۹۸ سیره ابن هشام، ج ۲ ص ۹۴ ۳۸۲ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۹۵ ۴۶ پیدایی مساجد، (ص) ۹۶ ۸۳ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۹۷ ۲ همان، ص ۹۸ ۲۰ همان، ص ۹۹ ۵۴ همان، ص ۱۰۱ ۱۰۰ ۱۴۱ سیره ابن هشام، ج ۱، صص ۳۸۵ - ۳۸۶ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۳ ۲۴۹ مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۰۴ ۶۷۹ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵ ۳۰۹ همان، ص ۱۰۶ ۳۰۳ همان، ص ۱۰۷ ۳۰۱ همان ۱۰۸ مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۰۹ ۶۹۱ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۱۱۰ ۶۵-۶۶ همان، ص ۱۱۱ ۷۱-۷۲ همان، ص ۱۱۲ ۳۷ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳ ۵۸ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۱۴ ۲۰۷ بحار الانوار، ج ۸۳ ص ۱۱۵ ۳۵۷ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۶ ۲۴۰ همان، ص ۱۱۷ ۲۳۶ بنا بر روایت دیگری در همین منبع آن صحابی تمیم داری بود. ۱۱۸ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۹ ۲۳۷ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، (ص) ۱۲۰ ۴۵۰ نهج البلاغه، ص ۴۲۶، کلمه قصار ۱۲۱ ۳۶۹ تاریخ یعقوبی، ج ۲، (ص) ۱۲۲ ۱۶۶ همان، ص ۱۲۳ ۶۵ تاریخ سیاسی اسلام ۹۱ ص ۱۲۴ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۵ مروج الذهب، ج ۱ ص ۱۲۶ ۶۷۷ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۷ ۲۳۸ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۸ ۲۲۴ مروج الذهب، ج ۲ ص ۱۳۱ - ۱۳۲ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۱۳۰ ۲۳۶ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۳۱ ۴۹۲ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۱۳۲ ۴۸ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱، (ص) ۱۳۳ ۴۵۰ تحول مسجد در گذر تاریخ، ص ۱۳۴ ۴۶ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲ ص ۱۳۵ - ۱۳۶ ۱۳۵ دانش مسلمین، ص ۱۳۶ ۸۱ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۳۷ ۱۵۱ همان، ص ۱۳۸ ۸۹ همان، ص ۱۳۹ ۱۵۱ الفت نامه دهخدا ج ۱۳ ص ۱۴۰ ۲۰۸۵۴ عبدالحسین زرینکوب، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، (ص) ۱۴۱ ۴۰ درک هیل، اولگ گرابر، معماری و تزیینات اسلامی، مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲ ۵۵ ارزش میراث صوفیه، ص ۱۴۳ ۳۳ همان، (ص) ۱۴۴ ۷۸ همان، ص ۱۴۵ ۷۷ معماری و تزیینات اسلامی، (ص) ۱۴۶ ۵۶ - ۵۵ حین عرفانی دو ماهنامه مسجد، ش ۳۹، ص ۱۴۷ ۶۷ تاریخ اسلام، ص ۱۴۸ ۱۵۴ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۱۴۹ ۲۰۵ - ۲۰۴ ر.ک. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۱ ص ۱۵۰ ۴۸۱ تاریخ اسلام، ص ۱۵۱ ۱۵۴ دائرة المعارف تشیع ج ۲ ص ۱۵۲ ۱۵۰ کارنامه اسلام، ص ۱۵۳ ۱۴۶ دائرة المعارف تشیع، ج ۲ ص ۱۵۴ ۱۵۰ تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۱۵۵ ۳۱۸ - ۳۱۷ تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۱۵۶ ۲۳۸ همان، ص ۱۵۷ ۳۵۸ کارنامه اسلام، (ص) ۱۵۸ ۱۴۸ همان ۱۵۹ همان ۱۶۰ مسجد کالبد مسلط بر مجتمع اسلامی، ص ۱۶۱ ۱۳۱ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۱۶۲ ۶۷ همان، ص ۱۶۳ ۷۰ همان. ۱۶۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران، ص ۱۶۵ ۶۶ کارنامه اسلام، ص ۱۶۶ ۱۴۴ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی، ص ۱۶۷ ۶۶ رحیم نوبهار، معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، ج ۲، ص ۱۶۸ ۲۴۳ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۹ ۲۷۱ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، ص ۱۷۰ ۲۴۸ همان، ص ۱۷۱ ۲۴۳ همان ۱۷۲ کارنامه اسلام، ص ۱۷۳ ۱۴۴ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی ص ۱۷۴ ۲۴۲ تلاقی دین و هنر در معماری اسلامی ایران ص ۱۷۵ ۹۲ معماری مسجد از دیدگاه متون دینی، (ص) ۱۷۶ ۲۵۰ همان، ص ۲۵۰ - ۱۷۷ ۲۵۱ تحول مسجد در گذر تاریخ (ص) ۴۸

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل

الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵-۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام

یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

